



فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین

صادرکننده: دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: سیده پریسا شهیدزاده

سردبیر: سیده پریسا شهیدزاده

مدیر مسئول: مروارید افراز

مشاور علمی: و سرپرست داوران: دکتر امید فرجی

هیأت داوران: دکتر مسعود بختیاری - دکتر نفیسه تقی زاده - دکتر محمد جندقی قمی - دکتر

محمد رضا مهربان پور

ویراستار: جناب آقای علی دوست

صفحه آرا: سرکار خانم جاسمی

گرافیک و طراحی: مروارید افراز

کارشناس نشریات علمی دانشجویی دانشگاه فارابی: مریم شریفی دانا

شماره: پنجم، بهار ۱۴۰۲

شماره مجوز فصلنامه: ۸۷۰۱۱۷۹

نشانی: قم - ابتدای جاده قدیم تهران - دانشکده گان فارابی دانشگاه تهران
کد پستی: ۳۷۱۸۱۱۷۴۶۹ شماره تماس: ۰۲۵۳۶۱۶۶۳۴۱ accnewtechsj.ut.ac.ir

استفاده از مطالب مجله با ذکر منبع مجاز است

هیأت تحریریه

وحید بخردی نسب (گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد)

علی خوشدل (گروه حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران)

فروزنده کوشان فر (دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دپارتمان حسابداری، دانشکده

زینب کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان همدان

زهرا گل‌چین (دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دپارتمان حسابداری، دانشکده

زینت کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان همدان

مریم میرزایی (دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دپارتمان حسابداری، دانشکده

زینت کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه‌ای استان همدان

محمد نبوی

سید عباس برهانی (استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی قم)

مسعود بختیاری (استادیار گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران)

خسرو مرادی شهرداری (عضو هیأت علمی، استادیار گروه مدیریت مالی دانشگاه آزادی

اسلامی واحد قشم)

کامران پودات (عضو هیأت علمی، استادیار گروه مدیریت مالی دانشگاه آزادی اسلامی واحد قشم)

حوزه فعالیت، اهداف، راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

فصلنامه حاضر با رویکرد علمی تخصصی و در راستای توسعه دانش حسابداری و حسابرسی منتشر می‌شود. حوزه موضوعی مجله، حسابداری و حسابرسی با تأکید بر بهره‌بری از فناوری‌های نوین است که پس از داوری تخصصی، تأیید سردبیر و هیأت تحریریه و با توجه به ساختار تعریف‌شده در این راهنما، چاپ می‌شود. از نویسندگان محترم تقاضا می‌شود در تهیه و تنظیم مقالات خود، نکات زیر را رعایت فرمایند:

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2010

اندازه کاغذ A4 :

حاشیه‌ها (بالا، پایین، چپ و راست): ۴ سانتی‌متر

فونت عنوان مقاله 14 B Titr :

فونت متن: فارسی B Zar 13 و انگلیسی Times New Roman 10

فونت در جدول و نمودار: فارسی B Zar 10 و انگلیسی Times New Roman 9

تعداد صفحات نباید از ۲۴ صفحه در همین فرمت بیش‌تر باشد.

برای واژه‌ها و نام‌های خارجی، در حد امکان از معادل‌های فارسی مصطلح و مصوب استفاده کنید.

در صورت نیاز به درج زیرنویس، همهٔ موارد فارسی به صورت راست‌چین با قلم BMitra و

اندازهٔ 10pt و زیرنویس‌های لاتین به صورت چپ‌چین با قلم Times New Roman اندازهٔ 9 pt.

نوشته شوند.

لطفاً توجه فرمایید منابع خارجی داخل متن به فارسی نوشته شوند؛ ولی در بخش فهرست منابع به

انگلیسی نوشته شوند.

۴ ♦ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین

در فهرست منابع، ابتدا منابع فارسی به ترتیب حروف الفبا فارسی (B Zar 12) و سپس منابع انگلیسی به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (Times New Roman 11) نوشته شوند. ضمناً منابع به صورت زیر نگارش شوند:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده(سال انتشار). عنوان کتاب، محل انتشار، نام ناشر
مقاله: نام خانوادگی، نام نویسنده(سال انتشار). عنوان مقاله. نام مجله، دوره، شماره، شماره صفحات.
اگر مقاله یا کتاب بیش از یک نویسنده داشت بین اسامی نویسندگان ویرگول (،) گذاشته شود.
نویسندگان محترم می‌توانند مقالات خود را در سایت نشریه:

به آدرس accnewtechsj.ut.ac.ir بارگذاری کنند.

فهرست مطالب

سخن سردبیر	۷
ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود	۹
موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی	۵۵
تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس	۷۹
تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی	۱۱۱
تأثیر ساختار سازمان، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی	۱۶۱

بسمه تعالی

سخن سردبیر

به نام داننده حساب‌ها و کتاب‌ها، دفتر سخن را آغاز می‌کنیم که سرچشمه هر دانش است و یادش مایه آرامش.

از خداوند منان سپاس گذاریم که باری دیگر ما را در برداشتن گامی در مسیر گسترش دانش و انجام رسالت خود در مسیر تلاش برای توسعه و گسترش علم حسابداری، یاری نمود و خوشنودیم که امروز توانستیم موفق به انتشار پنجمین شماره فصلنامه علمی تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین شویم.

بی شک این امر بدون حمایت‌ها و پشتیبانی‌های شما خوانندگان، نویسندگان، داوران و دوستداران و علاقه‌مندان حوزه حسابداری و مالی میسر نبود و ما از تمام کسانی که در این مسیر ما را همراهی کردند، صمیمانه متشکریم.

امروزه باتوجه به توسعه هوش مصنوعی و پیش‌بینی‌های صورت گرفته درباره امکان از بین رفتن تعدادی از مشاغل به واسطه آن و همچنین اهمیت روز افزونی که در زندگی انسان دارد، لازم است که همه مشاغل و حرفه‌ها به تأثیر این مهم توجه نمایند. حسابداری نیز به عنوان یک شغل و حرفه از این امر مستثنی نیست.

هوش مصنوعی در حوزه حسابداری، بیشتر مرتبط با داده‌ها و اتوماسیون است. هوش مصنوعی قادر است که فرآیندهای حسابرسی و مالی را بهبود بخشد و استفاده از ابزارهای

فناوری که اطلاعات را سازمان‌دهی می‌کنند، باعث می‌شوند تا هزاران واحد زمانی صرفه‌جویی شده و ریسک ناشی از خطاهای انسانی در این فرآیندهای مهم کاهش یابد.

به سبب اهمیت این موضوع و هدف نشریه، امیدواریم که در شماره‌های آینده نشریه، شاهد دریافت مقالاتی در این حوزه از شما نویسندگان گرامی باشیم.

در انتها مجدداً از مشاور علمی و داورن گرامی نشریه که با راهنمایی‌ها و نظرات حرفه‌ای ما را در این راه همراهی کردند و از نویسندگان عزیز به خاطر شکیبایی در مسیر داوری و چاپ سپاسگزاریم.

امیدواریم که بتوانیم با حفظ پویایی، همراستا در جهت اعتلای جامعه حسابداری گام برداریم.

و من الله توفیق

هیئت تحریریه فصلنامه حسابداری و فناوری‌های نوین حسابداری

ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود



وحید بخردی نسب^۱؛ علی خوشدل^۲

چکیده

سلامت مالی به مفهوم مولد جریان وجه نقد، توان سودآوری و تداوم فعالیت واحد اقتصادی می‌باشد. سود خالص بر سلامت مالی نقش ارزنده‌ای دارد. از این رو، ارزیابی کیفیت سود به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی درباره قطعیت سود جاری و پیش‌بینی سودهای آتی، کمک فراوان می‌کند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود بر سلامت مالی شرکت‌ها در قالب ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه زمانی انجام پژوهش سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. جامعه آماری در دسترس ۱۶۲ شرکت می‌باشد. روش اجرای پژوهش مبتنی بر داده‌های ترکیبی و الگوی رگرسیون چند متغیره با بهره‌گیری از رگرسیون حداقل مربعات می‌باشد. شواهد پژوهش حاکی از آن است که قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی تأثیر مثبت دارد. **واژگان کلیدی:** قطعیت از اطلاعات سود، عدم قطعیت از اطلاعات سود، سلامت مالی.

۱. گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

vahid.bekhradinab@gmail.com عهده دار مقاله

۲. گروه حسابداری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران khosdel84@gmail.com

مقدمه

جریان وجه نقد یکی از بهترین معیارهای ارزیابی سلامت مالی شرکت است. شرکت‌هایی که جریان نقدی بزرگی دارند، احتمالاً وجه نقد بیشتری جهت تقابل با نوسانات سود و یا نقدینگی کوتاه مدت در اختیار دارند. مطابق تئوری سلسله مراتب مایرز و ماجیلوف^۱ (۱۹۸۴) هنگامی که هزینه‌های تأمین مالی با عدم تقارن اطلاعاتی افزایش پیدا می‌کند، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند از منابع داخلی مانند؛ سطح نگهداشت وجه نقد به نسبت منابع خارجی خود استفاده کنند (فارینها و همکاران^۲، ۲۰۱۸). پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که شرکت‌ها از طریق موازنه بین هزینه و منفعت ذخایر نقدینگی بالا، سطوح وجه نقد نگهداری شده خود را مدیریت می‌کنند (میلر و اورر^۳، ۱۹۶۸). هزینه‌های آن معمولاً شامل بازده کم و مشکلات مالیاتی ذخایر نقدی است. در حالی که مزیت آن شامل کاهش هزینه‌های معاملات است که در صورت افزایش سرمایه جدید یا انحلال دارایی‌ها احتمال کاهش تقاضا، اجتناب از تأمین مالی احتمالی یا حتی کمبود جایگزین‌های مالی وجود دارد (کیم و همکاران^۴، ۱۹۹۸ و اوپلر و همکاران^۵، ۱۹۹۹). دلیل هزینه بر بودن تأمین مالی خارجی در حالت کلی وجود عدم تقارن اطلاعاتی بین شرکت و سرمایه‌گذاران و یا مشکلات نمایندگی مرتبط با کم سرمایه‌گذاری و جانشینی دارایی می‌باشد (جنسن و مک‌لینگ^۶، ۱۹۷۶). در این خصوص چونگ و همکاران^۷ (۲۰۱۵) بیان کردند که در

-
1. Myers & Majluf
 2. Farinha et al
 3. Miller & Orr
 4. Kimet al.
 5. Opler et al.
 6. Jensen & Meckling
 7. Chung, et al.

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۱۱

شرکت‌هایی که عدم تقارن اطلاعاتی بالا است، مبالغ کمتری از مانده وجه نقد نگهداری می‌شود، مطابق با فرضیه نظارت سهامداران هنگامی که مدیران در نگهداشت ذخایر نقدی بزرگ دارای محدودیت هستند از اختیارات خود می‌توانند سواستفاده کنند. کیفیت سود معیار اهمیت سرمایه می‌باشد. با استفاده از رویکرد سری زمانی و سال صنعت دجو و دیچو^۱ (۲۰۰۲)، مک نیکولز^۲ (۲۰۰۲) و فرانسیس و همکاران^۳ (۲۰۰۵)، می‌توان چنین فرض کرد که ارقام تعهدی به مطابقت و مقایسه جریان‌های نقدی گذشته، حال و آینده کمک می‌کند. انحراف استاندارد باقی مانده مدل معیار کیفیت سود شرکت است به طوری که ارزش بالایی آن بیان‌گر کیفیت پایین سود است (معیار معکوس کیفیت سود می‌باشد) (فارینها و همکاران، ۲۰۱۸).

منظور از کیفیت سود زمینه بالقوه رشد سود و میزان احتمال تحقق سودهای آتی است؛ به عبارت دیگر ارزش یک سهم تنها به سود هر سهم سال جاری شرکت بستگی ندارد بلکه به انتظارات ما از آینده شرکت و قدرت سودآوری سال‌های آتی و ضریب اطمینان نسبت به سودهای آتی بستگی دارد. تحلیل گران مالی تلاش می‌کنند تا چشم‌انداز سود شرکت‌ها را ارزیابی کنند. چشم‌انداز سود به ترکیب ویژگی‌های مطلوب و نامطلوب سود خالص اشاره دارد. برای مثال، شرکتی که عناصر و ارقام باثباتی در صورت سود و زیانش وجود دارد نسبت به شرکتی که این ارقام و عناصر در صورت سود و زیان آن باثبات نیست، کیفیت سود بالاتری دارد. همین امر به تحلیل گران اجازه می‌دهد، سود آتی شرکت را باقابلیت اطمینان بیشتری پیش‌بینی نمایند. با توجه به اینکه ریسک اطلاعات از دقت پایین در اطلاعات ارائه شده و یا ناتوانی اطلاعات در برآورد بازده مورد انتظار ناشی می‌شود انتظار می‌رود ویژگی کیفیت سود به اندازه‌ای که برآورد بازده موردنظر سرمایه‌گذاران و ذی‌نفعان را با ابهام مواجه سازد بر هزینه

1. Dechow & Dichev

2. McNichols

3. Francis et al

حقوق صاحبان سهام تأثیر منفی داشته باشد (خواجه‌وی و ناظمی، ۱۳۸۴). پس شرکتی که از نظر مالی در شرایط مطلوبی نباشد، قادر به تأمین منبع مالی برای رشد آتی خود نخواهد بود. بدهی بالا موجب می‌شود هزینه‌های ثابت تأمین مالی زیاد گشته و به دلیل آنکه ریسک مربوط به ساختار سرمایه افزایش می‌یابد، تأمین مالی از طریق بدهی و حقوق صاحبان سهام مشکلات عدیده‌ای برای شرکت به وجود آورد. وضعیت نامناسب نقدینگی در جهت ایفای تعهدات نیز شرکت را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند. ضعف مالی، شرکت را به ورطه سقوط و یا بدتر از آن ورشکستگی می‌کشاند. اهرم مالی شامل استفاده از بدهی‌ها به منظور افزایش بازده سهامداران عادی می‌باشد. وقتی اهرم مطلوب فراهم می‌شود که سود حاصل از دارایی‌ها که با استقراض فراهم شده، بیشتر از هزینه‌های بهره (سود) استقراض باشد. در برخی از منابع نشان داده شده که درجه بالای اهرم مالی از کیفیت سود می‌کاهد زیرا نشانگر هزینه تأمین مالی ثابت بوده که باعث نوسان سود می‌گردد. در ارزیابی درجه اهرم شرکت، تحلیلگران از میان معیارهای گوناگون نسبت بدهی ارزش ویژه شرکت را با متوسط صنعت مقایسه می‌کنند. رشد شرکت مستلزم منابع مالی است؛ بنابراین، تحلیلگران مالی هر محدودیتی را که توان استقراضی شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مثل شرایط قراردادهای استقراضی) مورد ارزیابی قرار داده و توان شرکت را در جلب منابع مالی با هزینه استقراض (بهره) معقول مورد بررسی قرار می‌دهند. در مورد شرکتی که دارایی‌های بلندمدت خود را با بدهی‌های کوتاه‌مدت تأمین مالی کرده باشد، ممکن است تحلیلگران مالی روند نسبت بدهی‌های کوتاه‌مدت را بررسی نمایند. برخی تحلیلگران مالی عقیده دارند، شرکت‌هایی که وضعیت نقدینگی ضعیفی دارند. کیفیت سودشان هم پایین است. نقدینگی مؤید توانایی شرکت در ایفای تعهدات فعلی‌اش می‌باشد. بدان مفهوم که شرکت می‌تواند دارایی‌هایش را به وجه نقد تبدیل کرده و یا وجه نقد به دست آورد. وجود دارایی‌های سیال تأثیری بر کیفیت سودی که در حال حاضر گزارش شده ندارد، اما در مواردی که شرکت نتواند به موقع تعهدات خود را انجام دهد، ممکن است سودآوری آتی خود در مورد سؤال و تردید قرار دهد (جهانخوانی و ظریف‌فرد، ۱۳۷۴).

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۱۳

اخيراً ارقام تعهدی حسابداری توجهات زیادی را به عنوان معیار کیفیت سود به خود جلب کرده است. بسیاری از روش های ارزیابی کیفیت سود بر این نکته تمرکز دارند که سود مطلوب تر است که به وجه نقد نزدیک تر باشد. پنمن^۱ (۲۰۰۱)، و هریس و همکاران^۲ (۲۰۰۰)، دیچو و دیچو (۲۰۰۲)، معیاری برای اندازه گیری کیفیت سود پیشنهاد و مورد آزمون قرار دادند که به وسیله رابطه بین ارقام تعهدی جاری به جریان های وجه نقد دوره گذشته، دوره جاری و دوره آتی به دست می آید. این مدل بر خطا در اندازه گیری ارقام تعهدی تمرکز دارد. از این منظر، کیفیت سود رابطه معکوسی با مقادیر خطا در برآورد ارقام تعهدی دارد و معیار وجود خطا در اندازه گیری ارقام تعهدی را رابطه بین ارقام تعهدی سرمایه در گردش و جریان های نقد عملیاتی می دانند. یکی از مهم ترین شاخص های کیفیت سود، سطح جریان نقدی تولید شده توسط شرکت می باشد. به زبان ساده، با اینکه می توان سود را دست کاری نمود اما همان طور که قبلاً نیز گفته شد، آگاهی نشان می دهد پژوهش های دانشگاهی نشان می دهد که کیفیت سود به میزان وجه نقد حاصل از عملیات و سطح ارقام تعهدی منعکس شده در سود بستگی دارد. جریان وجه نقد عملیاتی گزارش شده در صورت جریان وجه نقد، شاخص مناسب برای ارزیابی کیفیت سود می باشد و از معیارهای مهم جهت بررسی جریان وجه نقد می توان به سطح جریان وجه نقد عملیاتی به سود عملیاتی اشاره کرد (نیکومرام و امینی، ۱۳۹۰).

دیچو و همکاران^۳ (۲۰۱۰)، مطابق با تعریف صورت مفروضات حسابداری مالی کیفیت سود را به عنوان سودی که حاوی اطلاعاتی در مورد عملکرد مالی آتی شرکت است که با تصمیم تصمیم گیرندگان همراستاست تعریف می کنند. آنها بیان می کنند که معیارهای مربوط به کیفیت سود بستگی به نوع تصمیم گیری دارد. یکی از فرضیه های پژوهش حاضر این است که

1. Penman

2. Harris

3. Dechow et al.

کیفیت سود بصورت بالقوه بر سطوح نگهداشت وجه نقد شرکت تأثیر می‌گذارد. اینگونه تصور می‌شود که این امر به دلیل پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به عدم تقارن اطلاعات و هزینه تأمین مالی خارجی صورت گیرد. ابتدا، تعدادی از پژوهش‌ها نظیر دیتمر و همکاران^۱ (۲۰۰۳) و اوزکان و اوزکان^۲ (۲۰۰۴) نشان داده‌اند که سطح نگهداشت وجه نقد با سطوح عدم تقارن اطلاعاتی رابطه مثبت دارد. در عمل، عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان عامل تعیین کننده هزینه سرمایه شناخته می‌شود که می‌تواند از طریق افزایش کیفیت سود کاهش یابد (باتاچاریا و همکاران^۳، ۲۰۰۳ و فرانسیس و همکاران، ۲۰۰۵). دیچو و همکاران (۲۰۱۰)، بیان کردند که هنگامی که سود از ارقام تعهدی تشکیل می‌شود پایداری کمتری خواهد داشت و در نتیجه حاوی محتوای اطلاعاتی کمتری (کیفیت پایین تر) خواهد بود که بطور عمده بیشتر از جریان‌های نقد تشکیل شده است. بنابراین، موازنه سطح پایین کیفیت سود می‌تواند برای شرکت منطقی باشد که انباشت ذخایر نقدی قابل توجهی داشته باشد تا از وابستگی شرکت به بازارهای سرمایه برای تأمین وجه نقد بکاهد یا به منظور انتقال یک تصویر از ثبات بیشتر یا ریسک پایین تر که با استفاده از کیفیت پایین سود انجام می‌شود. بطور خلاصه، اگر کیفیت سود ضعیف باشد، میزان عدم تقارن اطلاعات می‌تواند بسیار زیاد باشد و ممکن است شرکت دریابد که تأمین مالی خارجی بسیار پرهزینه خواهد بود. بنابراین ترجیح می‌دهد تا مبالغ زیاد از ذخایر وجه نقد را نگهداری کند تا در مقابل کمبود وجه نقد آتی مقابله کرده که می‌تواند بصورت زیان‌های آتی یا مخارج سرمایه‌ای رخ دهد. یک احتمال دیگر این است که با درک کیفیت پایین سود توسط سرمایه‌گذاران، شرکت ممکن است بخواهد با ارائه موقعیت مالی راحت که مقادیر

1. Dittmar et al.

2. Ozkan & Ozkan

3. Bhattacharya et al

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۱۵

بالاتری از ذخائر نقدی به سرمایه‌گذاران نشان داده می‌شود، به مقابله با این برسد تا اعتماد آنها را به شرکت افزایش دهد و برای کاهش هزینه سرمایه تلاش کند. در این مورد این باعث ایجاد رابطه منفی بین کیفیت سود و ذخایر نقدی می‌شود (فارینها و همکاران، ۲۰۱۸). بر این اساس سؤال اصلی پژوهش بدین صورت است که آیا قطعیت و عدم قطعیت در خصوص سود سال جاری و پیش‌بینی سودهای آتی سلامت مالی را بهبود می‌بخشد یا خیر. در راستای پاسخ‌گویی به فرضیه‌ها دو هدف طراحی شد. هدف اول تأثیر قطعیت از اطلاعات سود بر سلامت مالی و هدف دوم تأثیر عدم قطعیت از اطلاعات سود بر سلامت مالی را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ادامه به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش پژوهش، یافته‌ها و بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مروری بر ادبیات و پیشینه پژوهش

سلامت مالی

سلامت مالی شرکت‌ها موضوعی است که به بحث تداوم فعالیت، ورشکستگی، در ماندگی مالی و ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری (مربوط بودن و قابل اتکا بودن) در ارتباط است. لذا باید در حوزه‌های عملیاتی، بازاریابی و مالی و حسابداری دست به ارزیابی عملکرد شرکت‌ها زد (کریسونیس^۱، ۲۰۰۵). از دیرباز در بحث ارزیابی عملکرد و سلامت مالی، اطلاعات و داده‌های مالی را مورد نظر قرار می‌دادند و تا کنون در کتب و مقالات مختلف معیارهای سنجش و ارزیابی عملکرد به طرق مختلف مطرح شده‌اند که در فرآیند ارزیابی‌ها، مجموعه‌ای از شاخص‌ها باید مبنای کار قرار گیرد. در ادبیات نظری دو دسته مهم در سنجش عملکرد و سلامت مالی وجود دارد. جهانخانی و ظریف فرد (۱۳۷۴) معیارهای سنجش عملکرد و سلامت مالی را به دو دسته مدل‌های حسابداری و مدل‌های اقتصادی تقسیم‌بندی می‌کنند و

1. Kritsonis

رهنمای رودپشتی و همکاران (۱۳۸۵) معیارهای سنجش عملکرد و سلامت مالی را به دو دسته مالی و غیر مالی تقسیم بندی می کنند. معیارهای مالی و حسابداری بر پایه اطلاعات تاریخی قرار دارند. طرفداران این معیارها اعتقاد به مطلوبیت اطلاعات تاریخی دارند و بر این باورند که این اطلاعات بستر تاریخی واحد تجاری را بهتر نشان می دهند چرا که گزارشگری مالی تاریخی با تدارک نوعی یکنواختی در ارائه اطلاعات مالی هنوز هم از جایگاه خاصی برخوردار است و این جایگاه به واسطه ویژگی هایی همچون فرض ثبات واحد پولی، اصل تطابق و اصل تحقق درآمدها و هزینه ها حفظ شده است. ضمن اینکه داده های مالی قابلیت اتکای بیشتری دارند و با ایجاد ارتباط بین داده های آن شاخص های مالی در قالب نسبت های مالی خلق شدند که از دیرباز مورد استفاده اهل فن قرار گرفته و هنوز هم قابلیت استفاده دارد. در معیارهای غیر مالی و اقتصادی، عملکرد واحد تجاری با تأکید بر قدرت سود آوری دارایی های شرکت و با توجه به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه به کار گرفته شده، مورد ارزیابی قرار می گیرند مثل ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده بازار و ارزش افزوده نقدی. در حقیقت هر یک از نسبت ها و معیارهای فوق بر اساس دیدگاه های مرتبط با خود، وضعیت مالی و عملکرد مالی واحد انتفاعی را مشخص می کنند. معیارهای مالی و حسابداری برای کمک به تصمیم گیرندگان در شرایطی که سرعت تغییرات زیاد است و رقابت بسیار نزدیک بین بنگاه های اقتصادی وجود دارد کافی نیست. اتکای صرف به این معیارها برای ارزیابی عملکرد و سلامت مالی، اهمیت تصمیم های جاری بر منافع بلندمدت و سایر منافع کوتاه مدت را تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو تمایل به استفاده از معیارهای غیر مالی و اقتصادی روند فزاینده به خود گرفته است. ضمن اینکه همانند گذشته سهامداران منتظر کسب بازده توسط مدیران نمی شوند بلکه از مدیران می خواهند تدبیری بیاندیشند تا ارزش سرمایه گذاری آنها حداکثر شود (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲).

حداکثرسازی ثروت سهامداران با خالص جریان نقد و نه سود تحقق می یابد. فارینها و همکاران (۲۰۱۸) سطوح مثبت نگهداشت وجه نقد و مثبت بودن میزان انحراف سطح نگهداشت وجه نقد بهینه از سطح نگهداشت وجه نقد را معرف سلامت مالی یک شرکت می دانند.

سطح نگهداشت وجه نقد

وجوه نقد از منابع مهم و حیاتی هر واحد اقتصادی است. ایجاد توان بین وجوه نقد موجود و نیازهای نقدی یکی از مهمترین عوامل سلامت اقتصادی واحدهای تجاری و تداوم فعالیت آنها است. در بسیاری از تصمیم‌های مالی، الگوهای ارزش‌گذاری اوراق بهادار، روش‌های ارزیابی طرح‌های سرمایه‌ای و غیره، جریان‌های نقدی نقشی محوری دارد (ثقفی و هاشمی، ۱۳۸۳). به باور مودیلیانی و میلر بر اساس فرضیه بازارهای کامل، شرکت‌ها می‌توانند با مراجعه به بازارهای سرمایه به بازارهای سرمایه به آسانی و با کمترین هزینه، پروژه‌های سرمایه‌گذاری خود را تأمین مالی کنند. به عبارت دیگر شرکت‌ها می‌توانند به آسانی منابع داخلی و خارجی را با هم جایگزین نمایند و هیچ هزینه اضافی از این بابت نمی‌پردازد، لذا مانده وجه نقد، موضوعی نامربوط تلقی می‌شود و تصمیم‌های در مورد وجه نقد مستقل از وضعیت مالی شرکت خواهد بود (پاولینا و همکاران^۱، ۲۰۰۵).

در بازارهای کارا ارزش یک ریال وجه نقد تحصیل شده توسط شرکت‌ها در نزد سهامداران برابر با ارزش اسمی یک ریال است. بنابراین تصمیم‌گیری در این مورد نامربوط تلقی می‌شود که وجوه نقد توسط شرکت‌ها به صورت سود سهام پرداخت و یا در شرکت انباشت شود (پینکویتز و همکاران^۲، ۲۰۰۴). از طرفی در بازارهای سرمایه ناقص به دلیل هزینه‌های نمایندگی میان مدیران و سهامداران و یا به دلیل تضاد منافع میان سهامداران و دارندگان اوراق قرضه، ارزش یک ریال وجه نقد تحصیل شده توسط شرکت‌ها در نزد سهامداران متفاوت از ارزش اسمی یک ریال است (باتز و همکاران^۳، ۲۰۱۱). بنابراین تصمیم‌گیری نگهداری وجه نقد در بازار رقابت کامل

1. Pawlina et al.

2..Pinkowitz et al.

3. Bates et al.

ناقص متفاوت است. همچنین معمولاً بخش قابل توجهی از دارایی شرکت‌ها به صورت وجه نقد یا اوراق بهادار قابل معامله نگهداری می‌شود و این نسبت در اکثر موارد بین ۸٪ تا ۲۲٪ متغیر است (کیم و همکاران، ۱۹۹۸؛ آپلر و همکاران، ۱۹۹۹؛ هارفورد^۱، ۱۹۹۹؛ ازکان و ازکان، ۲۰۰۴؛ دیتمار و مارت-اسمیت^۲، ۲۰۰۷). انگیزه حفظ و نگهداری مازاد وجه نقد در چارچوب نظریه‌های داد و ستد (مبادله) و نمایندگی قابل توجهی است و در این زمینه، نظریه داد و ستد دارای بیشترین شواهد تجربی است (اپلر و همکاران، ۱۹۹۹). شرکت‌های دارای مانده زیاد وجه نقد غالباً از طرف سرمایه‌گذاران نهادی برای برگشت سرمایه به سهامداران تحت فشار قرار دارند. زیرا ممکن است انباشت وجه نقد، مدیران را به انجام فعالیت‌های از بین برنده ارزش ترغیب نماید (هارفورد، ۱۹۹۹). مدیران همچنین ممکن است از اندوخته‌های وجه نقد برای منافع شخصی استفاده کنند (جنسن^۳، ۱۹۸۶).

در یک بازار رقابت کامل، هیچ سطح بهینه‌ای از وجه نقد در نظر گرفته نمی‌شود. چون نگهداری وجه نقد برای شرکت‌ها هزینه‌ای ایجاد نمی‌کند و شرکت‌ها در صورت عدم کفایت وجوه نقد داخلی شرکت‌ها برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری، می‌توانند سریع به تأمین مالی خارجی اقدام کنند و این تأمین مالی با نرخ منصفانه صورت پذیرد (دراپتز و همکاران^۴، ۲۰۱۰). ولی در بازار ناقص، نگه داری وجه نقد کمتر و یا بیشتر از سطح بهینه سبب ایجاد هزینه برای شرکت به بهای از دست رفتن منافع سهامداران می‌شود. نگهداری وجه نقد همچنین می‌تواند شرکت‌ها را نسبت به تأمین مالی خارجی پر هزینه برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری پیش روی نیاز نماید و همچنین وجوه نقد مازاد را به منظور کسب بازده در اوراق بهادار کوتاه مدت یا سایر

-
1. Harford
 2. Dittmar & Mahrt-Smith
 3. Jensen
 4. Drobetz et al.

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۱۹

سرمای‌گذاری‌های کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاری کند. اما انجام این کار دارای هزینه معاملات است و یا تکرار دفعات سرمایه‌گذاری، هزینه مذکور را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر عدم نگهداری وجه نقد کافی برای شرکت‌های با محدودیت تأمین مالی ممکن است باعث ازدست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری آتی شود و از این‌رو بر عملکرد آتی و بازده شرکت‌ها تأثیر منفی داشته باشد (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۲).

قطعیت و عدم قطعیت اطلاعات سود

نقش اطلاعات در فرآیند تصمیم‌گیری کاملاً روشن است. برای تصمیم‌های اقتصادی نیاز به اطلاعاتی است که با بهره‌گرفتن از آنها بتوان منابع موجود را به بهترین نحو تخصیص داد. یکی از راه‌های دستیابی به این اطلاعات استفاده از اطلاعات صورت‌های مالی سالانه شرکت‌ها است. صورت‌های مالی که به طور جامع و گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرند، مناسب‌ترین روش برای ارائه‌ی اطلاعات مالی به استفاده‌کنندگان از آن محسوب می‌گردند. اهداف کلی صورت‌های مالی تأمین نیازهای استفاده‌کنندگان از جمله سرمایه‌گذاران می‌باشد. سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل به طور عمده علاقه‌مند به ارزیابی ویژگی‌های سرمایه‌گذاری در یک شرکت هستند. ویژگی‌های یک سرمایه‌گذاری شامل عواملی از قبیل ریسک، بازده، سود سهام، امنیت سرمایه‌گذاری، نقدینگی، رشد و غیره می‌باشند (یحیی‌زاده‌فر و احمدپور، ۱۳۸۱). استفاده از نظریه‌ها و روش‌های موجود و نیز نظریه پردازی، مستلزم اطلاعاتی شفاف و خالی از ابهام است که بدون شك، در بازار نوپای سرمایه‌کشورمان به سختی تحصیل می‌شود. در دهه گذشته، بازارهای مالی ملی و بین‌المللی دچار بحران‌های مالی فراوانی شده‌اند. يك دليل برای وجود این بحران‌ها عدم وجود اطلاعات مالی شفاف و کافی است. در محیط پرتلاطم امروزی، بسیاری از سرمایه‌گذاران بر اهمیت شفاف‌سازی اطلاعات در استراتژی‌های خود توجه دارند. فقدان اطلاعات و یا عدم قطعیت درباره آنها، امروزه تبدیل به يك مشکل اساسی در بازارهای مالی شده

است با وجود آن که سرمایه‌گذاری از موارد ضروری و اساسی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی هر کشور است. از عوامل بسیار تأثیرگذار درانتخاب و انجام سرمایه‌گذاری، توجه سرمایه‌گذاری به ریسک سرمایه‌گذاری است. بنابراین داشتن اطلاعاتی خالی از ابهام و مطمئن و قاطع می‌تواند در کاهش ریسک سرمایه‌گذاری نقش مهمی داشته باشد. همچنین اطلاعات به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین توجه به تأثیر عدم شفافیت اطلاعات ارائه شده و مبهم بودن آن، بر ریسک حاصل از سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران را در اتخاذ تصمیم‌های بهتر یاری خواهد رساند (تیموری، ۱۳۸۰). پیش‌بینی سود دوره‌های آتی شرکت‌ها بر مبنای سودهای کسب شده سال‌های قبل انجام می‌شود. عدم قطعیت سود به زمانی اطلاق می‌شود که با توجه به نوسانات موجود در بازار سرمایه و شرکت سودهای دوره آتی بر مبنای دوره‌های قبل قابلیت پیش‌بینی را نداشته باشند و عدم قطعیت سود به زمانی اطلاق می‌شود که با توجه به نوسانات موجود در بازار سرمایه و شرکت سودهای دوره آتی بر مبنای دوره‌های قبل قابلیت پیش‌بینی را داشته باشند (کاسار و گیسون، ۲۰۰۸).

ارتباط قطعیت یا عدم قطعیت از اطلاعات سود و سلامت مالی

مهمترین نقش اطلاعات حسابداری در بازارهای مالی، ایجاد معیاری برای تخصیص سرمایه است. سود حسابداری از جمله اطلاعات حسابداری است که معیار سنجش خلاصه و مفید برای عملکرد شرکت محسوب می‌شود. سود حسابداری، معیاری برای پاداش جبران خدمات مدیران، در قراردادهای بدهی، توان سودآوری شرکت، پیش‌بینی سودهای آتی، مخاطره‌های سرمایه‌گذاری در شرکت یا اعتباردهی به آن و آگهی‌هایی است که شرکت در نشریه‌های مالی منتشر می‌کند و سرمایه‌گذاران و بستانکاران نیز مورد استفاده قرار می‌دهند (دیچو، ۱۹۹۴). بنابراین، عوامل و پیامدهای کیفیت اطلاعات حسابداری، مورد توجه سرمایه‌گذاران، مدیران، قانون‌گذاران و تدوین‌کنندگان استانداردهاست. از آنجایی که عدم تقارن اطلاعات، پیامدهای

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۲۱

اقتصادی و اجتماعی نامطلوبی دارد، این موضوع به طور مستقیم از کیفیت گزارش های مالی ناشی می شود. به طوری که یافته های پژوهش های پیشین نشان داده اند که کیفیت کم سود، عدم تقارن اطلاعات را در بازارهای مالی افزایش می دهد (بتاچارایاو همکاران، ۲۰۰۹). از این رو، کیفیت اطلاعات حسابداری برای تحلیل گران و استفاده کنندگان، از دیدگاه گزارشگری مالی مطرح است. به این معنی که اگر صورت های مالی، استفاده کنندگان را در پیش بینی گمراه سازند، از کیفیت کمی برخوردار هستند (پنمان، ۲۰۰۱). با توجه به وجود تضاد منافع بین تهیه کنندگان اطلاعات و سرمایه گذاران، استفاده از تخمین در محاسبه برخی از عناصر سود و زیان، امکان استفاده از رویه های پذیرفته شده حسابداری، هموارسازی و مدیریت سود، و کاربرد سود را به عنوان معیار تصمیم گیری با مشکل مواجه می کند. این کار، لزوم بررسی موضوع کیفیت سود را افزایش می دهد. یکی از راه های کاهش تهدیدها در استفاده از سود، توجه و بررسی عناصر سازنده سود است که به زبان حرفه ای، به آن کیفیت سود گفته می شود. کم بودن کیفیت سود به عنوان معیاری از کیفیت گزارشگری مالی، می تواند باعث کاهش سلامت مالی و در نتیجه افزایش میزان نگهداری وجه نقد شرکت ها شود. در واقع، با کاهش کیفیت سود، عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می یابد و در نتیجه شرکت میزان وجه نقد لازم را برای نگهداری افزایش می دهد (فروغی و همکاران، ۱۳۹۰).

پیشینه پژوهش

رازمندش و تقی ملا (۱۴۰۰). در پژوهشی تحت عنوان تأثیر " بررسی نقش توانایی مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود و سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " به بررسی نقش توانایی مدیریت بر ارتباط بین مدیریت سود و سطح نگهداشت وجه نقد پرداخته اند. در همین راستا نمونه ای مشتمل بر ۱۳۰ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۲ - ۱۳۹۷ انتخاب و آزمون شده است. نتایج با استفاده از روش

رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که بین مدیریت سود (شاخص دستکاری ارقام تعهدی) با نگهداشت وجه نقد رابطه معناداری وجود ندارد و توانایی مدیریت نیز بر این رابطه تأثیر ندارد. اما رابطه مدیریت سود (شاخص هموارسازی سود) با نگهداشت وجه نقد مثبت و معنادار شد. اما توانایی مدیریت بر این رابطه تأثیر معناداری نداشت.

کیقبادی و هوشنگی (۱۳۹۸) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر "کیفیت سود بر سطح نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی توانایی مدیران" به بررسی رابطه بین کیفیت سود و سطح نگهداشت وجه نقد پرداخته‌اند. داده‌های ۱۶۵ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. روش آماری این پژوهش رگرسیون چندمتغیره است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل پانل دیتا و روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شده است. این پژوهش از نوع مطالعات پس رویدادی بوده که بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های مشاهده شده، انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که کیفیت سود بر سطح نگهداشت وجه نقد تأثیر دارد. همچنین توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت سود و سطح نگهداشت وجه نقد تأثیر دارد.

صانمی پور (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر "کیفیت سود بر نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی رابطه بین کیفیت سود و میزان نگهداری وجه نقد در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. در این پژوهش داده‌های ۱۲۴ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک در دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵، جمع‌آوری شد و فرضیه‌ها با استفاده از تحلیل ضرایب رگرسیون، آزمون شده‌اند. شواهد نشان می‌دهد، کیفیت سود، سود هر سهم و جریان نقدی شرکت‌ها با نگهداشت وجه نقد رابطه مثبت و معناداری دارند.

اسماعیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر نگهداشت وجه نقد بر کارایی شرکت به واسطه نقش میانجی کیفیت سود" به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر کارایی شرکت به

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۲۳

واسطه نقش میانجی کیفیت سود شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. بر این اساس اطلاعات مورد نیاز جهت اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۵ بود. تعداد ۱۷۸ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها در این پژوهش با استفاده از رگرسیون تک‌متغیله نرم افزار Eviews10 در سطح ۹۵ درصد نشان داد که نگهداشت وجه نقد تأثیر معناداری بر کارایی شرکت ندارد. همچنین کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری بر کارایی شرکت دارد. کیفیت سود تأثیر مثبت و معناداری بر رابطه میان نگهداشت وجه نقد و کارایی شرکت دارد.

شاهرخی (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان تجزیه و تحلیل موثر در سلامت مالی شرکت‌ها با رویکرد FCM به بررسی تجزیه و تحلیل عوامل موثر در سلامت مالی شرکت‌ها با رویکرد نگاشت شناختی فازی پرداخت. جامعه مورد نظر سرمایه‌گذاران مدیران حوزه خدمات تخصصی بودند که با توجه به نامحدود بودن جامعه، نمونه آماری مورد نظر برای پوشش جامعه تعداد ۵۳ نفر از افرادی که در شرکت‌های بورس فعالیت دارند قرار گرفت. در آغاز با انجام مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و مطالعات ادبیات مختلف، عوامل موثر در سلامت مالی شرکت‌ها شناسایی و در قالب پرسشنامه نهایی که محقق ساخته و برگرفته از پرسشنامه استاندارد بود، در اختیار افراد قرار گرفت. جهت بررسی پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج حاصل از نقشه شناختی فازی و سناریوها، میزان با اهمیت بودن و مرکزیت بالای سلامت نظام مدیریت نسبت به سایر عوامل را نشان می‌دهد. مرکزیت بالای این عامل نشان می‌دهد که این عامل دارای تأثیرگذاری زیادی بر سایر عوامل و همچنین دارای تأثیر پذیری بالایی از سایر عوامل می‌باشد.

صنایعی (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر "انحراف از سطح بهینه نگهداشت وجه نقد بر ارزش وجه نقد" به بررسی تأثیر انحراف از سطح بهینه نگهداشت وجه نقد بر ارزش وجه نقد

پرداخت. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۱ شرکت می باشد که طی دوره زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ انتخاب شده است. در این پژوهش با استفاده از داده‌های ترکیبی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته به بررسی فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ارزش یک ریال وجه نقد تحصیل شده در نزد سهامداران شرکت‌هایی که سطح نگهداشت وجوه نقد آن‌ها از سطح بهینه وجه نقد کمتر است، بیشتر از شرکت‌هایی است که سطح نگهداشت وجوه نقد آن‌ها از بهینه وجه نقد بیشتر است. همچنین نتایج پژوهش موید آن است که ارزش وجه نقد در شرکت‌هایی با نگهداشت وجه نقد بیشتر از سطح بهینه، کمتر از ارزش اسمی یک ریال و در شرکت‌هایی با نگهداشت وجه نقد کمتر از سطح بهینه، بیشتر از ارزش اسمی یک ریال است.

چالشگری و جعفری (۱۳۹۴) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر نگهداشت وجه نقد و روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد و روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. برای این منظور، تعداد ۱۲۵ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفتند. برای سنجش کیفیت سود از معیار کیفیت اقلام تعهدی معرفی شده توسط دیچو و دیچو استفاده شد. برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون چند متغیره، به روش حداقل مربعات با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بدین معنی که هرچه شرکت وجه نقد بیشتری نگهداری نماید، کیفیت سود کاهش می یابد. نتایج همچنین نشان داد که رابطه‌ای بین روابط سیاسی شرکت و کیفیت سود وجود ندارد. علاوه بر آن، روابط سیاسی شرکت تأثیری بر رابطه بین نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود ندارد.

هوانگ و دانگ (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان نقش مدیرعامل با اعتماد به نفس بالا در سیاست‌های تقسیم سود در شرکت‌های صنعتی انجام دادند. فرضیه‌های این مطالعه عبارتند از؛

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۲۵

بیش اعتمادی مدیران اثر مثبت بر سیاست‌های تقسیم سود دارد و سبب شرکت اثر منفی بر سیاست‌های تقسیم سود دارد. نتایج نشان می‌دهد مدیران بیش اعتماد بازده سود سهام بیشتری نسبت به سایر مدیران نشان می‌دهند در حالی که نسبت پرداخت سود سهام در مدیران بیش اعتماد و سایر مدیران یکسان می‌باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که رشد درآمدی اثر مثبت در بازده سهام شرکت‌های کوچک و اثر منفی در بازده سهام شرکت‌های بزرگ دارد.

یانگ و کیم (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان رابطه بیش اعتمادی مدیران و عملکرد شرکت با اثر تعدیل‌کننده حق امتیاز صنعت رستوران انجام دادند. بر اساس این تصور که افراد بیش اعتماد نسبت به افراد بدون اعتماد به نفس بیش از حد ریسک بیشتری تحمل می‌کنند، این مطالعه فرض کرد که اعتماد به نفس کاذب مدیر عامل مثبت (منفی) بر رشد صنعت رستوران تأثیر می‌گذارد (سودآوری). به علاوه، از آنجا که حق امتیاز ریسک عملیاتی و مالی را کاهش می‌دهد، این مطالعه فرض کرد که حق امتیاز رابطه بین اعتماد بیش از حد و عملکرد شرکت را تعدیل می‌کند. نتایج این مطالعه تأیید کرد که اعتماد به نفس کاذب مدیر عامل به طور مثبت بر رشد شرکت تأثیر می‌گذارد اما تأثیری منفی بر سودآوری شرکت در صنعت رستوران می‌گذارد. این مطالعه همچنین نشان داد که حق امتیاز منفی (مثبت) تأثیر اعتماد به اعتماد بیش از حد مدیر عامل بر رشد شرکت در رستوران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

لین چن و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی در رابطه اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و نگهداشت وجه نقد انجام دادند. فرضیه‌های این مطالعه عبارتند از؛ بیش اعتمادی مدیران اثر مثبت بر نگهداشت وجه نقد دارد و بیش اعتمادی مدیران اثر مثبت روی ارزش پول اضافی پس انداز شده دارد. نتایج نشان داد که اعتماد به نفس بیش از حد مدیران تأثیر مثبتی بر سطح نگهداشت وجه نقد دارد. مدیران بیش اعتماد توانایی بیشتری در مواجهه با چالش‌ها را دارند و بیش اعتمادی، کلیدی برای انگیزه نگه داشتن پول نقد برای مدیران می‌باشد.

ال کلک و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی با عنوان بررسی بیش اعتمادی مدیران و سرعت تعدیل نگهداشت وجه نقد انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بیش اعتمادی مدیران اثر منفی بر سرعت تنظیم جریانهای نقدی دارد.

هیو و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان "عدم قطعیت سیاست و نگهداشت وجه نقدی شرکت" به بررسی رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی دولت و نگهداشت وجه نقدی شرکت پرداختند. شواهد نشان می دهد که عدم قطعیت در سیاست به دلیل انگیزه های احتیاطی شرکت ها، ارتباط مثبتی با نگهداشت وجه نقدی شرکت دارد. رابطه بین عدم قطعیت سیاست و نگهداشت وجه نقد برای شرکت های وابسته به هزینه های دولتی بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می دهد که اثرات عدم قطعیت سیاست بر نگهداشت وجه نقد شرکت ها متمایز از عدم قطعیت اقتصاد، بازار یا دیگر عدم قطعیت در اقتصاد کلان است.

فارینها و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان "نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود" به بررسی نگهداشت وجه نقد و کیفیت سود طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۵ پرداختند. به صورت کلی، شواهد ما نشان می دهند که موازنه نقدینگی تحت تأثیر عدم تقارن اطلاعات بیشتر ناشی از کیفیت سود ضعیف، بلکه از وجود سطوح پایین نظارت قانونی ها و بروز ضرر قرار می گیرد، که همه آنها اهمیت کیفیت سود را به عنوان عامل تعیین کننده سطوح نقدینگی کاهش می دهند. نتایج ما همچنین حاکی از آن است که به نظر می رسد شرکت هایی با سطوح بالاتر درآمد، از نگهداشت وجه نقدی بالاتر سود می برند تا از وابستگی بودجه های خارجی پرهزینه اجتناب شود.

حیب و مونزور حسن^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان "سرمایه اجتماعی و نگهداشت وجه نقد شرکت ها" به بررسی سرمایه اجتماعی و نگهداشت وجه نقد شرکت ها پرداختند. این مطالعه

1 Hieu et al

2. Habib & Monzur Hasan

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۲۷

نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای سرمایه‌ای سرشار از سرانه اجتماعی پولی به مراتب کمتر از شرکت‌های سرمایه‌ای کم درآمد دارند. در این پژوهش تأیید می‌کند که سرمایه اجتماعی، هزینه‌های نقدی را از طریق محدودیت‌های مالی و کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌دهد و در حالیکه پول نقد را از طریق ریسک سیستماتیک افزایش می‌دهد. به طور کلی، یافته‌های ما نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در منطقه نقش مهمی در تعیین ارزش نقدینگی شرکت دارد.

هی و وینتوکی^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی تحت عنوان "هزینه نوآوری: تحقیق و توسعه و نگهداشت وجه نقدی در شرکت‌های آمریکایی" به بررسی هزینه نوآوری: تحقیق و توسعه و نگهداشت وجه نقدی در شرکت‌های آمریکایی پرداختند. ما نشان می‌دهیم که سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه سهم قابل توجهی از افزایش در نسبت نقدینگی به دارایی‌های شرکت‌های آمریکایی را توضیح می‌دهد که در سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۲ بیش از دو برابر شده است. در سال ۱۹۸۰، یک شرکت متوسط ۰/۰۴ دلار پول نقد به ازای ۱ دلار از هزینه‌های تحقیق و توسعه را دریافت کرد اما این مبلغ تا سال ۲۰۱۲ به ۰/۶۰ دلار افزایش یافت. حساسیت فزاینده نگهداشت وجه نقدی به سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه و افزایش مخارج تحقیق و توسعه یک شرکت معمولی بیش از ۲۰٪ افزایش در نگهداشت وجه نقد را توضیح می‌دهد. به نظر می‌رسد رقابت داخلی و جهانی توضیح مهمی برای افزایش تمایل شرکت‌های تحقیق و توسعه متمرکز به احتکار پول باشد.

کی چانگ و همکاران^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان "عدم تقارن اطلاعاتی و نگهداشت وجه نقدی شرکت" به بررسی تأثیر عدم تقارن اطلاعات بر نگهداشت وجه نقدی شرکت پرداختند. با استفاده از معیارهای مختلف عدم تقارن اطلاعات؛ این مطالعه نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که در محیط‌هایی با عدم تقارن اطلاعات بیشتر فعالیت می‌کنند

1. He & Wintoki

2. Kee Chung et al

نگهداشت وجه نقد کمتری دارد. لین مطالعه به یافتن رابطه‌ای منفی بین عدم تقارن اطلاعاتی و نگهداشت وجه نقدی شرکت از یک سری تحلیل‌های حساسیت، از جمله آزمون‌هایی با استفاده از روش‌های رگرسیون مختلف استفاده می‌کنند. در کل، نتایج فرضیه هزینه نظارتی نگهداشت وجه نقدی را بر روی فرضیه فرصت‌های سرمایه‌گذاری تأیید می‌کنند.

اوگاو^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت و نقدشوندگی بر سلامت مالی بانک‌های آسیایی" به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری شرکت و نقدشوندگی بر سلامت مالی بانک‌های آسیایی پرداخت. نتایج حاصل از پژوهش وی نشان داد حساسیت سرمایه‌گذاری به جریان‌های نقدی و نگهداشت وجه نقد بر سلامت مالی تأثیر بسزایی داشته‌اند. همچنین هنگامی که سلامت مالی برخی از بانک‌ها به مخاطره افتاده، شرکت‌های وابسته به بانک منابع داخلی خود را افزایش نموده و با ذخیره جریان نقد حاصل از تأمین مالی خارجی، در اندیشه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سود آور آتی هستند.

سانگ و سو^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین "سرمایه در گردش، نگهداری وجه نقد و سودآوری" به بررسی رابطه بین سرمایه در گردش، نگهداری وجه نقد و سودآوری پرداختند. نتیجه بررسی آنان مشخص کرد که سطح وجه نقد عامل مهمی برای مدیریت سرمایه در گردش است و در این رابطه اثر تعدیل‌کننده دارد و روابط پویایی بین این سه عامل وجود دارد.

سان و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان "کیفیت سود و نگهداشت وجه نقدی شرکت" به بررسی رابطه بین کیفیت سود و نگهداشت وجه نقدی شرکتی در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیویورک پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود نشان دادند که کیفیت سود پایین تأثیر منفی بر ارزش نگهداشت وجه نقدی داشته و تأثیر مثبت بر روی سطح ذخایر نقدی دارد. آن‌ها دریافتند که اثر منفی کیفیت پایین سود اثرات مثبت افزایش ذخایر نقدی در ارزش

1. Ogawa

2. Sung & Soo

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۲۹

شرکت را خنثی می‌کند. نتایج آن‌ها به طور بسیار قوی از چندین معیار در ارتباط با کیفیت سود و ویژگی‌های مدل آن‌ها حمایت می‌کند.

گیل و شه^۱ (۲۰۱۲) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل موثر بر نگهداشت وجه نقد" به بررسی عوامل موثر بر نگهداشت وجه نقد در نمونه‌ای شامل ۱۶۰ شرکت بورس اوراق بهادار تورنتو کانادا در سال‌های ۲۰۰ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری، جریان نقدی، خالص سرمایه در گردش، اهرم، اندازه شرکت، یکسان نبودن مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره، تأثیر شایان توجهی بر وجه نقد نگهداری شده دارد. همچنین آن‌ها نشان دادند مشکلات نمایندگی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر وجه نقد نگهداری شده است و وجه نقد را کاهش می‌دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ ماهیت توصیفی - همبستگی و از نظر هدف کاربردی است. همچنین پژوهش حاضر از نوع قیاسی - استقرایی می‌باشد. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره مبتنی بر رویکرد داده‌های ترکیبی استفاده شد. به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته از دو جنبه متفاوت موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد. از یک سو، این متغیرها در میان شرکت‌های مختلف و از سوی دیگر، در دوره زمانی ۱۳۹۸-۱۴۰۰ آزمون می‌شوند. در این مطالعه برای برآزش مدل‌ها از نرم افزار ایویوز^۲ بهره گرفته شده و داوری در مورد رد یا پذیرش فرضیه‌ها با استفاده از آزمون t انجام شده است. در ادامه به بررسی فرضیه‌های پژوهش، الگوی تحقق فرضیه‌های پژوهش، متغیرها و جامعه و حجم نمونه پرداخته شده است.

1. Gill & shah

2 Eviews

فرضیه‌ها و الگوی پژوهش

فرضیه: قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد.

در این مطالعه به پیروی از پژوهش فارینها و همکاران (۲۰۱۸) برای آزمون فرضیه اول پژوهش

از مدل (۱) استفاده شده است.

مدل (۱)

$Financial\ Health_{it}$

$$\begin{aligned} &= \lambda_i + \beta_1 COEI_{it} + \beta_2 Cash\ Flow_{it} + \beta_3 size_{it} + \beta_4 MTB_{it} + \beta_5 Liquidity_{it} \\ &+ \beta_6 STDEBT_{it} + \beta_7 LTDEBT_{it} + \beta_8 Z - SCORE_{it} + \beta_9 R\&D_{it} + \beta_{10} Dividens_{it} \\ &+ \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که در این رابطه:

Financial health : سلامت مالی

COEI : قطعیت اطلاعات سود

Cash flow : جریان نقدی

Size : اندازه شرکت

MTB: فرصت رشد

Liquidity: نقدینگی

STDEBT: بدهی کوتاه مدت

LTDEBT: بدهی بلند مدت

Z-SCORE: بحران مالی

R&D: هزینه تحقیق و توسعه

Dividend: سود تقسیمی

ε : خطای مدل

نحوه سنجش متغیرهای پژوهش در ادامه بیان شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

سلامت مالی (**Financial health**): متغیر وابسته پژوهش حاضر سلامت مالی است. فارینها و همکاران (۲۰۱۸) از متغیر سطح نگهداشت وجه نقد جهت سنجش سلامت مالی استفاده می‌نمایند. بدین صورت که ابتدا سطح بهینه نگهداشت وجه نقد با استفاده از رابطه (۳) تعیین و میزان انحراف از سطح بهینه وجه نقد محاسبه می‌شود. به منظور تعیین سطح بهینه وجه نقد از مدل لی و پاول (۲۰۱۰) استفاده خواهد شد. پس از تخمین رابطه (۳)، ضرایب به دست آمده ($\alpha_0, \alpha_1, \dots, \alpha_8$) هر متغیر در مدل قرار داده می‌شود تا بدین طریق سطح بهینه وجه نقد مشخص شود. سپس از تفاضل سطح نگهداشت وجه نقد و سطح بهینه وجه نقد، مازاد یا کمبود وجه نقد مشخص می‌شود. مثبت بودن تفاضل مذکور بیانگر مازاد وجه نقد (به منزله سلامت مالی) و منفی بودن آن حاکی از کمبود وجه نقد (به منزله نا سالم بودن وضعیت شرکت) می‌باشد.

رابطه (۳)

$$LIQ_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 MTB_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 LEV_{it} + \alpha_4 OCF_{it} + \alpha_5 NWC_{it} + \alpha_6 CFI_{it} + \alpha_7 CFF_{it} + \alpha_8 DevOCF_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل:

LIQ: نسبت وجه نقد به کل دارایی‌ها

MTB: نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری دارایی‌ها

Size: لگاریتم طبیعی دارایی‌ها

LEV: نسبت بدهی به دارایی

OCF: نسبت خالص جریان وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی به کل دارایی‌ها

NWC: نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها

CFI: نسبت جریان نقد سرمایه‌گذاری به کل دارایی‌ها

CFF: نسبت جریان نقد تأمین مالی به کل دارایی ها

DevOCF: قدر مطلق انحراف از میانگین جریان نقدی عملیاتی است که به شرح رابطه (۴)

بدست می آید.

رابطه (۴)

$$DevOCF = |OCF - \overline{OCF}|$$

در نهایت سلامت مالی به شرح رابطه (۵) بدست می آید.

رابطه (۵)

$$Financial\ health_{it} = Cash\ holdings_{it} - Optimal\ Level\ of\ Cash\ Holding_{it}$$

که در این رابطه :

Financial health : سلامت مالی

Cash holdings : سطح نگهداشت وجه نقد

Optimal Level of Cash Holding : سطح نگهداشت وجه نقد بهینه

نهایتاً مقادیر مثبت به منزله سلامت مالی و مقادیر منفی به منزله ناسالم بودن وضعیت شرکت می باشد.

متغیر مستقل

متغیر مستقل مطالعه حاضر قطعیت اطلاعات سود^۱ و عدم قطعیت اطلاعات سود^۲ می باشد. در این پژوهش از کیفیت سود جهت سنجش متغیرهای مستقل استفاده خواهد شد. کیفیت سود از اهمیت زیادی برخوردار است. مطالعه حاضر از رویکرد صنعت-سال به صورت مقطعی به پیروی از دیچو و دیچو (۲۰۰۲) جهت سنجش استفاده کیفیت سود می نماید که توسط مک نیکولز (۲۰۰۲) و فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) پیشنهاد شده است. مدل پیشنهادی بر مبنای

1. Information Certainty of Earning

2. Information Uncertainty of Earning

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۳۳

این فرض است که اقلام تعهدی به تطبیق جریان‌های نقدینگی گذشته، حال و آینده کمک می‌کنند. انحراف معیار مقدار باقیمانده‌ی برآورد شده مقیاسی از کیفیت سود شرکت‌ها است و مقادیر بالاتر نمایانگر کیفیت سود کمتر هستند. روند پیشنهادی چن و همکاران (۲۰۰۹) برای کشور انگلستان و مدل رامان و همکاران (۲۰۱۳) برای کشور آمریکا به کار گرفته شده و رگرسیون رابطه (۶) برای سال-صنعت برآورد می‌شود.

رابطه (۶)

$$ACC_{i,t} = \alpha + \beta_1 CF_{i,t-1} + \beta_2 CF_{i,t} + \beta_3 CF_{i,t+1} + \beta_4 \Delta REV_{i,t} + \beta_5 GPPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در این رابطه :

$ACC_{i,t}$: جمع اقلام تعهدی برای شرکت i در سال t

$CF_{i,t}$: جریان نقد عملیاتی برای شرکت i در سال t

$\Delta REV_{i,t}$: تغییرات درآمد فروش برای شرکت i در سال t نسبت به سال $t-1$

$GPPE_{i,t}$: ارزش اموال دارایی‌ها و تجهیزات برای شرکت i در سال t

$\varepsilon_{i,t}$: خطای مدل صنعت-سال که نشان‌دهنده قطعیت اطلاعات سود و عدم قطعیت اطلاعات سود است.

جمع اقلام تعهدی به پیروی از پژوهش بوتساری و میکس^۱ (۲۰۰۸) به صورت تغییر در دو سال متوالی در دارایی‌های جاری منهای نقدینگی و معادل نقدینگی منهای بدهی‌های جاری منهای هزینه‌های استهلاک محاسبه می‌گردد. تغییرات درآمد فروش به صورت درآمد خالص قبل از اقلام فوق العاده منهای اقلام تعهدی کلی برای شرکت i در سال t محاسبه می‌شود. جهت همگن‌سازی داده‌ها تمامی متغیرهای مدل کیفیت سود بر جمع دارایی‌ها جهت رویه استانداردسازی تقسیم خواهد شد. در نهایت عبارت خطا می‌تواند اطلاعاتی را درباره‌ی بخشی

از ارقام تعهدی کل فراهم کند که با متغیرهای مستقل غیرقابل توضیح باقی می‌ماند. روند دیچو و دیچو (۲۰۰۲) در این پژوهش دنبال خواهد شد و انحراف معیار عبارت خطا را برای شرکت خاص i در سال‌های قبلی (نیازمند ۱۰ مشاهده) محاسبه می‌شود و از آن به عنوان شاخصی برای متغیر قطعیت اطلاعات سود و عدم قطعیت اطلاعات سود استفاده خواهد شد. هر چه انحراف معیار خطای مدل دیچو و دیچو (۲۰۰۲) کمتر باشد، عدم قطعیت اطلاعات انتقال یافته با سود کمتر خواهد بود و در نتیجه، کیفیت سود برای شرکت مربوطه بیشتر می‌شود و هر چه انحراف معیار خطای مدل دیچو و دیچو (۲۰۰۲) بیشتر باشد، عدم قطعیت اطلاعات انتقال یافته با سود بیشتر خواهد بود و در نتیجه، کیفیت سود برای شرکت مربوطه کمتر می‌شود. جهت بررسی فرضیه‌ها در مدل آزمون فرضیه‌ها به شرکت‌هایی که انحراف معیار خطای مدل دیچو و دیچو (۲۰۰۲) کمتر باشد، عدد یک اختصاص داده می‌شود.

متغیرهای کنترل

جارگ و همکاران (۲۰۱۸) معتقد است که برخی از متغیرهای کنترل به شرح زیر برای جداسازی تأثیر قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود بر سلامت مالی مهم و اساسی می‌باشند، که در مطالعه حاضر از آن‌ها استفاده شده و نحوه سنجش آن‌ها به شرح زیر می‌باشد.

جریان نقدی (Cash flow): جریان نقدی اغلب به عنوان یکی از بهترین معیارهای سلامت مالی یک شرکت تلقی می‌شود. شرکت‌هایی که دارای یک جریان نقدی بزرگی هستند به احتمال زیاد پول بیشتری برای جلوگیری از نوسانات نقدینگی یا کوتاهی نقدینگی جمع‌آوری می‌کنند. به علاوه، مطابق با نظریه فرمان پکینگ، مایرز و مجلف (۱۹۸۴) وقتی هزینه‌ی امور مالی با عدم تقارن اطلاعات افزایش می‌یابد، شرکت‌ها ترجیح می‌دهند تا از منابع داخلی استفاده کنند. با این حال، جریان نقدی نیز به عنوان یک جایگزین برای پول نقد یاخته شده است. در حالی که، جریان‌های نقدی بالاتر به میزان زیادی وابسته به موجودی نقدی برای تأمین مالی مطالبات نقدی نیستند (فریرا و

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۳۵

ویلا، ۲۰۰۴؛ کیم و همکاران، ۱۹۹۸). در نتیجه هیچ رابطه مورد انتظاری بین جریان نقدی و ذخایر نقدی وجود ندارد. جریان نقدی به شرح رابطه (۷) بدست می‌آید.

رابطه (۷)

$$Cash\ flow_{it} = \frac{Operating\ income_{it} + Depreciation_{it}}{Assets\ total_{it}}$$

که در این رابطه :

Operating income : درآمد عملیاتی برای شرکت t در سال

Depreciation : هزینه استهلاک برای شرکت t در سال

Assets Total : جمع دارایی‌ها برای شرکت t در سال

اندازه شرکت (Size) : ادبیات از این دیدگاه حمایت می‌کند که شرکت‌های بزرگتر عموماً با هزینه‌های استقراض کمتر مواجه هستند و احتمال ورشکستگی آنها کمتر خواهد بود، که متنوع‌تر بوده و دسترسی راحت‌تری به امور مالی خارجی دارند. برای همه این دلایل و مطابق با اوپلر و همکاران (۱۹۹۹)، ارتباط منفی بین ابعاد شرکت (اندازه به صورت لگاریتم طبیعی کل فروش) و تعادل نقدی انتظار می‌رود. اندازه شرکت به شرح رابطه (۸) بدست می‌آید.

رابطه (۸)

$$Size_{it} = \text{Logarithm of sales revenue}_{it}$$

که در این رابطه :

Logarithm of sales revenue : لگاریتم طبیعی جمع فروش درآمد

فرصت‌های رشد (MTB) : فرصت‌های رشد با هزینه‌های نمایندگی بالاتر که ناشی از تضاد منافع بین سهامداران و بدهکاران مرتبط هستند، که به نوبه‌ی خود تأمین مالی خارجی را پر هزینه‌تر می‌سازند (کیم و سورنسن^۱، ۱۹۸۶). بنابراین انتظار می‌رود که شرکت‌های با گزینه‌های رشد بزرگ‌تر، ذخایر نقدی بیشتری برای غلبه بر هزینه افزایش یافته در تأمین مالی

خارجی داشته باشند. کیم و همکاران (۱۹۹۸) و اوزکان و اوزکان (۲۰۰۴) نشان دادند که سطوح نقدینگی بزرگتر با فرصت‌های رشد بالاتری مرتبط هستند. فرصت‌های رشد با استفاده از ارزش بازاری به دفتری به شرح رابطه (۹) بدست می‌آید.

$$\text{رابطه (۹)} \\ MTB_{it} = \frac{MV_{it}}{BV_{it}}$$

که در این رابطه :

MV : ارزش بازار سهام

BV : ارزش دفتری سهام

نقدینگی (Liquidity) : دارایی‌های نقدی بر نگهداشت وجه نقد نیز اثر دارند، زیرا می‌توانند جایگزین یکدیگر شوند. انتظار می‌رود که ارتباط منفی بین دارایی‌های نقدی و وجوه نقدینگی مشاهده شود. نقدینگی به شرح رابطه (۱۰) بدست می‌آید.

رابطه (۱۰)

$$Liquidity_{it} = Receivable_{it} + Inventory_{it} - Payable_{it}$$

که در این رابطه

Receivable : حساب‌های دریافتی

Inventory : موجودی کالا

Payable : حساب‌های پرداختی

بدهی کوتاه‌مدت (STDEBT) : پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که ارتباط نسبت بدهی به دارایی و نگهداشت وجه نقد خطی نیست. این امر از این دیدگاه پشتیبانی می‌کند که تا زمانی که میزان اعتبار اهرمی را کاهش دهد، شرکت‌ها تمایل دارند نگهداشت وجه نقد را کاهش می‌دهند. اما وقتی این مقدار افزایش یابد، شرکت‌ها شروع به جمع‌آوری ذخایر نقدی برای جلوگیری از مشکلات مالی احتمالی خواهند کرد. بدهی کوتاه‌مدت به شرح رابطه (۱۱) بدست می‌آید.

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۳۷

رابطه (۱۱)

$$STDEBT_{it} = \frac{Short\ debts_{it}}{Debt\ total_{it}}$$

که در این رابطه :

Short debts : بدهی های کوتاه مدت

Debt total : جمع بدهی ها

بدهی بلندمدت (LTDEBT) : بر اساس ملاحظاتی که تکامل بهینه‌ی بدهی با آن‌ها با ارتباط بین هزینه‌های نوسانی و بدهی کوتاه مدت تعیین می‌شود معمولاً دارای نرخ سود بیشتری است، و از یک سو انتظار می‌رود که شرکت‌هایی با نسبت بالاتر بدهی بلند مدت نقدینگی خود را به دلیل افزایش هزینه‌ی بودجه‌های سرمایه‌گذاری شده در نقدینگی کاهش دهند. از سوی دیگر، سطوح بدهی بلند مدت بیشتر سبب افزایش احتمال مشکلات مالی می‌شوند و در این مورد انتظار می‌رود که شرکت‌ها وجوه نقدینگی خود را افزایش دهند. بدهی بلندمدت به شرح رابطه (۱۲) بدست می‌آید.

رابطه (۱۲)

$$LTDEBT_{it} = \frac{Long\ debts_{it}}{Debt\ total_{it}}$$

که در این رابطه :

Long debts : بدهی های بلندمدت

Debt total : جمع بدهی ها

بحران مالی (Z-SCORE) : اگر یک افزایش در احتمال شکست وجود داشته باشد، شرکت‌ها ممکن است تمایل داشته باشند که با ننگ داشتن ذخایر نقدی بیشتر از خودشان محافظت کنند. بنابراین انتظار می‌رود یک ارتباط منفی بین افزایش احتمال بروز بحران مالی و توازن نقدینگی وجود

۳۸ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین

داشته باشد (آگاروال و تافلر^۱، ۲۰۰۷). در این پژوهش از امتیاز Z مربوط به آلتمن^۲ (۱۹۶۸) شده در کشور انگلستان استفاده می‌شود. بحران مالی به شرح رابطه (۱۳) بدست می‌آید.

رابطه (۱۳)

$$Zscore = 3.2 + 12.18 \frac{Profits\ before\ taxes}{Current\ Liabilities} + 2.50 \frac{Current\ Assets}{Total\ Liabilities} - 10.68 \frac{Current\ Liabilities}{Total\ Assets} + 0.029 \frac{Quick\ Assets - Current\ Liabilities}{Sales - Profits\ before\ taxes\ minus\ depreciation,\ depletion\ and\ Amortization}$$

365

افزایش امتیاز Z در ارتباط با احتمال نکول کمتر و ذخایر نقدینگی کمتر برای انگیزه‌های احتیاطی مرتبط است.

تحقیق و توسعه (R&D): شواهد حاکی از آن است که شرکت‌ها با حفظ نقدینگی دارای هزینه‌ی سرمایه‌ی بیشتری هستند، مخصوصاً هزینه‌های تحقیق و توسعه. هزینه‌های تحقیق و توسعه درونی دلالت بر عدم تقارن اطلاعات بیشتر و افزایش هزینه تأمین مالی خارجی داد (میکلسون و پارت^۳، ۲۰۰۳). هزینه‌های تحقیق و توسعه درونی به معنای عدم تقارن اطلاعات بیشتر و افزایش هزینه‌ی تأمین مالی خارجی است. هی و وینتوکی (۲۰۱۶) نشان می‌دهند که افزایش نسبت نقدینگی به دارایی در دهه‌های اخیر با سرمایه‌گذاری تحقیق و توسعه توضیح داده می‌شود. انتظار می‌رود که شرکت‌هایی با هزینه‌ی تحقیق و توسعه بیشتر دارای نقدینگی بیشتری هستند. تحقیق و توسعه به شرح رابطه (۱۴) بدست می‌آید.

رابطه (۱۴)

$$R\&D_{it} = \frac{Research\ and\ development\ expenditures_{it}}{Assets\ total_{it}}$$

که در این رابطه:

-
1. Agarwal & Taffler
 2. Altman
 3. Mikkelsen & Partch

Research and development expenditures : مخارج تحقیق و توسعه

Assets total : جمع دارایی‌ها

سود سهام تقسیم شده (Dividend) : در مطالعه در مدل اصلی جهت سنجش تقسیم سود از یک متغیر مجازی استفاده می‌شود. به بیان دیگر در تجزیه و تحلیل یافته‌ها از یک متغیر ساختگی برای آزمایش اثر تفاوت‌ها در وجوه نقدینگی بر مبنای سیاست تقسیم سود شرکت در نظر گرفته می‌شود. این متغیر دارای مقدار یک است، اگر یک شرکت سود تقسیم شده را پرداخت کند و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. ارتباط مورد انتظار سود سهام تقسیم شده در وجوه نقدینگی مبهم است. از سوی دیگر، شرکتی که سود سهام را پرداخت می‌کند بودجه‌ها را با کاهش سود سهام تقسیم شده افزایش می‌دهد و در این مورد پرداخت کنندگان سود سهام دارای نقدینگی کمتری هستند. از سوی دیگر، شرکتی که به صورت سیستماتیک سود سهام تقسیم شده را پرداخت می‌کند آن‌ها را کاهش نمی‌دهد، که این به دلیل واکنش منفی بازار است و در این مورد سبب اجتناب از چنین موقعیتی خواهد شد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بازه زمانی انجام پژوهش از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا پایان سال ۱۳۹۸ به مدت یازده سال است. روش نمونه‌گیری، حذف نظام‌مند است. به بیان دیگر محدودیت‌ها و شرایط زیر توسط پژوهش‌گر اعمال شده است تا به نمونه مطلوب پژوهش دست پیدا شود:

۱. به منظور قابلیت مقایسه، شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ یا ۳۰ اسفند ماه نیست حذف شده‌اند.

۲. بانک‌ها و مؤسسات مالی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مالی به دلیل ماهیت متفاوت فعالیت آن‌ها از سایر واحدهای تجاری حذف شده‌اند.

۴۰ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین

۳. شرکت هایی که در طول دوره مورد بررسی همه داده های لازم برای محاسبه متغیرها را نداشته اند حذف شدند.

۴. شرکت ها باید قبل از سال ۱۳۸۸، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و در طی دوره زمانی پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند. دلیل این امر آن است که تعداد نمونه آماری در سال های مورد بررسی، برابر باشد.

با بررسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و اعمال شرایط و محدودیت های فوق تعداد ۱۶۲ شرکت جهت برآورد مدل ها و آزمون فرضیه های پژوهش انتخاب شده اند.

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش به دو بخش آمار توصیفی و استنباطی تقسیم شده است.

توصیف یافته ها

جدول شماره (۱) آمار توصیفی متغیرهای مورد بررسی را برای ۱۶۲ شرکت عضو نمونه آماری در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره ۱۰ ساله نشان می دهد.

جدول (۱): توصیفی یافته های متغیرهای کمی

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
سلامت مالی	۰.۰۶۰۲۳۰	۰.۰۴۰۹۴۱	۰.۵۶۷۲۵۹	-۰.۰۲۳۲۷۴	۰.۰۶۱۶۵۸
جریان نقدی	۰.۸۹۷۲۷۸	۰.۷۴۹۰۵۲	۵.۹۹۰۲۴۰	۰.۰۰۳۳۲۱	۰.۶۵۳۷۱۵
اندازه شرکت	۱۳.۶۱۳۰۷	۱۳.۵۴۳۰۸	۹.۵۶۶۳۸	۷.۶۱۱۳۴۸	۱.۶۰۰۷۹۰
فرصت های رشد	۳.۰۷۷۵۸۶	۲.۲۶۱۶۲۵	۹۵.۳۳۳۳۳	۰	۴.۱۸۵۴۹۵
نقدینگی	۰.۳۴۳۷۷۳	۰.۳۳۰۵۱۳	۰.۹۴۲۷۹۸	-۰.۴۲۷۹۲۱	۰.۲۱۷۷۸۳
بدهی کوتاه مدت	۰.۸۸۱۲۰۸	۰.۹۲۲۳۵۹	۱	۰.۳۳۳۷۲۶	۰.۱۱۸۸۴۸
بدهی بلندمدت	۰.۱۱۸۷۹۲	۰.۰۷۷۶۴۱	۰.۶۶۶۲۷۴	۰	۰.۱۱۸۸۴۸
بحران مالی	۷.۴۳۶۴۱۱	۳.۲۷۳۸۱۹	۵۷۱.۱۰۳۷	-۸.۷۷۱۷۹۲	۲۴.۷۹۱۱۳
تحقیق و توسعه	۰.۰۰۰۴۴۰	۰	۰.۰۲۸۵۴۷	۰	۰.۰۰۲۰۲۹

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۴۱

جدول (۲) : توصیفی یافته‌های متغیرهای کیفی

متغیرها	درصد فراوانی	مشاهدات	انحراف معیار
قطعیت اطلاعات سود	۰.۰۲۷۴۳۵	۴۴	۰.۱۶۳۴۰۳
سود سهام تقسیم شده	۰.۸۷۰۳۷۰	۱۴۰۹	۰.۳۳۶۰۱۱

از بین شاخص‌های مرکزی بیان شده میانگین از مهم‌ترین شاخص‌ها می باشد که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است. میانگین شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها به شمار می‌رود. برای مثال میانگین متغیرهای سلامت مالی و جریان نقدی به ترتیب برابر با ۰.۰۶۰۲۳۰ و ۰.۸۹۷۲۷۸ می باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیر در حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مهم و مرکزی است که وضعیت جامعه را به تصویر می‌کشد. همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانه متغیرهای اندازه شرکت و فرصت‌های رشد به ترتیب برابر با ۱۳.۵۴۳۰۸ و ۲.۲۶۱۶۲۵ است که نشان می‌دهد نیمی از داده‌های این متغیر کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار می باشد. بیشینه و کمینه هم دو معیار دیگر آمار توصیفی که بسیار حائز اهمیت می باشد. به عنوان مثال بیشینه سلامت مالی برابر با ۰.۵۶۷۲۵۹ مربوط به شرکت سیمان قائن در سال ۱۳۸۸ بوده و کمینه این متغیر برابر با ۰.۰۲۳۲۷۴ - که مربوط به شرکت پتروشیمی خارک در سال ۱۳۸۸ می باشد. همچنین از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است که این مقدار نباید برای متغیرها برابر صفر باشد که به عنوان نمونه در این پژوهش مقدار این پارامتر برای متغیر بحران مالی برابر با ۲۴.۷۹۱۱۳ می باشد.

آمار استنباطی

در بخش آمار استنباطی نخست مفروضات مدل رگرسیونی برازش، سپس مدل‌های رگرسیونی برازش شده است.

فروض کلاسیک رگرسیون

برای تجزیه و تحلیل داده‌های هر یک از مدل‌ها نیاز است قبل از برآزش آن‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی مانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه محسوب می‌شود. دیگر فروض اصلی کلاسیک خود همبستگی می‌باشد. همچنین لازم است آزمون‌های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی یا تلفیقی است و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شود، باید نوع اثرات آن مشخص گردد. جهت بررسی فرض ناهمسانی واریانس، از آزمون وایت، خود همبستگی از آزمون دوربین واتسون، انتخاب نوع داده‌ها، آزمون F لیمر و اثرات داده‌ها آزمون هاسمن استفاده شده است که نتایج جدول (۳) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج مفروضات رگرسیونی و نوع داده‌ها

اثرات داده‌ها		نوع داده‌ها		خودهمبستگی		همسانی واریانس	
سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون	سطح معناداری	آماره آزمون
۰/۹۲۸۴	۳/۷۲	۰/۰۰۰۰	۵/۶۵	۰/۰۰۰۰	۲۹۸/۳۸	۰/۰۰۰۰	۲/۷۱

نتایج مندرج در جدول (۳) نشان می‌دهد که سطح معناداری آزمون وایت برای مدل (۱) از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است که نشان از ناهمسانی واریانس دارد. در نتیجه جهت رفع ناهمسانی واریانس روش تخمین این مدل‌ها به صورت رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته می‌باشد. همچنین آماره بروش گادفری برای مدل (۱) از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است که نشان از وجود خودهمبستگی دارد. در نتیجه جهت رفع آن از وقفه مرتبه زمانی مرتبه اول استفاده شده است. در ارتباط با نوع تخمین داده‌ها، نتایج آزمون F لیمر برای

♦.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود $\diamond 43$

مدل (۱) از سطح خطای ۰/۰۵ کمتر است که فرض صفر آزمون مبنی بر تلفیقی بودن داده‌ها رد شده و داده‌ها به صورت تابلویی برازش شد. پس با توجه به آزمون F لیمر، لازم است آزمون هاسمن برای تعیین نوع داده‌های تابلویی انجام گیرد. همان طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود نتیجه آزمون هاسمن برای مدل (۱) از سطح خطای ۰/۰۵ بیشتر است. بنابراین مدل (۱) بر اساس رویکرد داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی برازش می‌شوند. در ادامه با در نظر گرفتن نتایج پیش آزمون‌های آماری به تخمین مدل‌های پژوهش پرداخته شده است.

برازش مدل پژوهش

پس از انجام آزمون‌های آماری لازم، به منظور تعیین به‌کارگیری داده‌ها و اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل‌های پژوهش در ادامه ارائه شده است. به منظور آزمون فرضیه اول، مدل (۱) برازش شده و نتایج حاصل از این آزمون با روش تابلویی با اثرات تصادفی و رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته به شرح جدول (۴) می‌باشد و به منظور آزمون فرضیه دوم، مدل (۲) پژوهش برازش شده و نتایج حاصل از این آزمون با روش تابلویی با اثرات تصادفی و رویکرد حداقل مربعات تعمیم یافته به شرح جدول (۵) می‌باشد. فرضیه پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی تأثیر معناداری دارد یا خیر. جهت بررسی فرضیه اول مدل (۱) برازش شد که نتایج در جدول (۴) ارائه شده است. سطح معناداری F فیشر برازش مدل (۱) که نشان از توان توضیح دهندگی مدل است، کمتر از ۰/۰۱، که می‌توان گفت در سطح اطمینان ۹۹٪ مدل معنادار و دارای اعتبار است. همچنین ملاحظه مقدار آماره دوربین واتسون ۲/۰۵ نیز مؤید این مطلب است که بین اجزاء اخلاص خودهمبستگی وجود ندارد، زیرا این مقدار در فاصله ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد.

جدول (۴): نتیجه فرضیه اول

نام متغیر	ضریب برآورد شده	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
قطعیت اطلاعات سود	۰.۰۰۴۴۷۵	۰.۰۰۱۱۳۴	۳.۹۴۵۹۰۶	۰.۰۰۰۱
جریان نقدی	۰.۰۰۶۴۹۵	۰.۰۰۱۰۲۶	۶.۳۳۲۸۶۸	۰.۰۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۰۰۱۲۱۱	۰.۰۰۰۴۶۰	۲.۶۳۲۴۶۷	۰.۰۰۸۶
فرصت های رشد	۰.۰۰۰۶۵۹	۰.۰۰۰۰۸۰۴	۸.۱۹۴۶۸۷	۰.۰۰۰۰
نقدینگی	-۰.۰۰۹۹۷۱	۰.۰۰۲۹۴۷	-۳.۳۸۳۹۲۷	۰.۰۰۰۷
بدهی کوتاه مدت	-۰.۰۲۳۷۳۴	۰.۰۰۴۸۰۷	-۴.۹۳۷۰۶۰	۰.۰۰۰۰
بدهی بلندمدت	۰.۰۰۰۳۸۰	۰.۰۰۰۰۸۰۹۷	۴.۲۳۱۹۲۰	۰.۰۰۰۰
بحران مالی	۰.۱۵۸۶۳۶	۰.۲۳۴۶۱۸	۰.۶۷۶۱۴۸	۰.۴۹۹۱
تحقیق و توسعه	۰.۰۰۴۲۴۴	۰.۰۰۰۶۴۵	۶.۵۷۶۵۶۶	۰.۰۰۰۰
ضریب ثابت	۰.۰۴۸۳۳۲	۰.۰۰۵۴۱۳	۸.۹۲۸۵۳۶	۰.۰۰۰۰
وقفه زمانی	۰.۲۱۲۲۶۲	۰.۰۳۹۵۸۵	۵.۳۶۲۲۲۰	۰.۰۰۰۰
آماره F	-	-	۹/۲۳	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۵۸	-	-	-
آماره دوربین واتسون	-	-	۲/۰۵	-

فرضیه پژوهش به بررسی تأثیر قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی پرداخته است. مطابق با جدول (۵) سطح معناداری برای قطعیت از اطلاعات سود برابر با ۰/۰۰۰۱ می باشد. از این رو می توان گفت که قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی تأثیر معناداری دارد. در نتیجه فرضیه صفر رد شده و فرضیه پژوهش تأیید می شود. همچنین ضریب متغیر قطعیت اطلاعات سود برابر ۰/۰۰۴۴۵ که نشان دهنده رابطه مثبت و مستقیم بین قطعیت از اطلاعات سود و بهبود سلامت مالی می باشد.

بحث و نتیجه گیری

در جامعه رقابتی امروز بنگاه‌های اقتصادی موفق هستند که برای آینده خود برنامه ریزی داشته باشند. امروزه دغدغه بنگاه‌های اقتصادی رسیدن به حداکثر استفاده از منابع در دسترس جهت برنامه‌ریزی‌های کوتاه و بلندمدت خود می‌باشد. یکی از عوامل موثر در تصمیم‌گیری، اطلاعات مناسب و مرتبط با موضوع تصمیم است. وجوه نقد از منابع مهم و حیاتی هر واحد اقتصادی است. در بسیاری از تصمیم‌های مالی، مدل‌های ارزش‌گذاری اوراق بهادار، روش‌های ارزیابی طرح‌های سرمایه‌ای و غیره، کیفیت اطلاعات حسابداری ارائه شده نقش محوری دارند. در چارچوب حسابداری مالی که تعیین‌کننده هدف‌های گزارشگری مالی است، توجه خاصی به کیفیت سود مبذول شده است. دقت گزارش مالی یک شرکت عامل تعیین‌کننده اصلی عدم تقارن اطلاعات است. گزارش‌دهی مالی با کیفیت بالا، مشکلات عدم تقارن اطلاعات را کاهش می‌دهد که باعث اصطکاک اقتصادی، مانند انتخاب مخالف و خطرات اخلاقی می‌شود. ادبیات حسابداری و مالی اغلب از کیفیت سود به عنوان یک پروکسی برای صحت گزارش مالی یک شرکت استفاده می‌کند. دقت گزارش مالی یک شرکت کیفیت سود را افزایش می‌دهد. کیفیت سود بالاتر، روابط اعتماد بین ذینفعان را بهبود می‌بخشد و پیامدهای عدم تقارن اطلاعات را تأیید می‌کند. از سوی دیگر، کیفیت سود ضعیف، عدم قطعیت را در مورد سلامت مالی شرکت ایجاد می‌کند و به این سو ظن منجر می‌شود که درآمدها ممکن است مدیریت شوند. این مهم در پژوهش به صورت فرضیه تبیین شده و تأثیر قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر، برای رد یا عدم رد هر یک از فرضیه‌ها، از آزمون رگرسیون حداقل مربعات معمولی استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده حاصل از آزمون فرضیه پژوهش، فرض تأیید شدند که این فرضیه، در ارتباط با تأثیر قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی مورد بررسی قرار گرفت. آزمون فرضیه پژوهش به بررسی تأثیر قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است.

بر اساس نتایج به دست آمده و یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه، حاکی از آن است که قطعیت از اطلاعات سود بر بهبود سلامت مالی تأثیر معنادار دارد. نتیجه فرضیه اول پژوهش تأیید و با پژوهش فارینها و همکاران (۲۰۱۸) همخوانی دارد. از آنجایی که کاهش عدم تقارن اطلاعات در بازهای مالی، باید موجب افزایش رفاه عمومی گردد، کاهش عدم تقارن اطلاعات، باید هدف مطلوب عمومی برای تنظیم‌کنندگان رویه‌های حسابداری، به منظور تدوین استانداردها باشد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که اطلاعات مربوط به عوامل مؤثر بر کیفیت سود شرکت‌ها، به میزان بیشتری افشا شود. زیرا همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، با افزایش کیفیت سود شرکت‌ها، میزان نگهداری وجه نقد در شرکت‌ها کاهش می‌یابد. با توجه به وقایع مربوط به ورشکستگی تعدادی از شرکت‌های بزرگ خارج از کشور که دلیل آن، گزارش سودهای واهی و بی‌کیفیت بود، به سازمان حسابرسی و جامعه حسابداران رسمی پیشنهاد می‌شود که حساب‌سازان را ملزم به بررسی معیارهای مربوط به کیفیت سود کنند. زیرا استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی باید بدانند که کیفیت سود یک شرکت، عاملی مؤثر بر میزان نگهداری وجه نقد در شرکت‌ها است. بنابراین، لازم است که شرکت‌های مذکور در تصمیم‌های سرمایه‌گذاری‌شان، به کیفیت سود شرکت‌ها توجه کنند.

به صورت کلی به سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر و سایر پژوهش‌های تکمیلی، سازوکاری برای ارزیابی و افشای کیفیت سود طراحی کند، معیارهای کیفیت سود را مشخص نماید و شرکت‌های برتر را به لحاظ کیفیت سود به سرمایه‌گذاران معرفی کند.

به نظر می‌رسد برای تکامل آن لازم است پژوهش‌های زیر نیز انجام گیرد.

انجام پژوهش حاضر با توجه به سایر معیارهای کیفیت سود.

انجام پژوهش حاضر با استفاده از الگوهای ریاضی و آماری جدید.

◆.....ارائه الگوی سلامت مالی در شرایط قطعیت و عدم قطعیت از اطلاعات سود ◇ ۴۷

انجام پژوهشی با استفاده از سایر معیارهایی که به عنوان نماینده عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت، می‌توانند مورد بررسی قرار گیرند و بررسی تأثیر معیارهای مذکور بر میزان نگهداری وجه نقد در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران.

انجام پژوهشی با استفاده از هزینه نگهداری وجه نقد، به عنوان یکی از متغیرهای مستقل مؤثر بر میزان نگهداری وجه نقد شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران.

توجه به وابستگی نهادهای و فنی شرکت‌های ایرانی به ارز در مدل‌های پژوهش‌های مشابه آتی.

انجام پژوهشی با در نظر گرفتن عدم اطمینان به نگهداری وجه نقد در مدل‌های پژوهش.

یکی از مهم‌ترین محدودیت‌هایی پژوهش حاضر کمبود پژوهش‌های مشابه داخلی و خارجی در خصوص فرضیه‌های پژوهش می‌باشد که محقق را در مقایسه یافته‌های خود با محدودیت مواجه نموده است. در این راستا، محدودیت‌های پژوهش حاضر به شرح زیر قابل ذکر است.

۱. یک عامل بسیار مهم در نظریه موجودی نقدی، هزینه نگهداری وجه نقد است که از متغیرهای مستقل پژوهش حاضر نبوده است.

۲. یک متغیر مهم در شرکت‌های ایرانی، وابستگی نهادهای و فنی به ارز است که از طریق وجوه نقد، تأمین می‌شود. این متغیر، در مدل‌های مذکور مورد توجه قرار نگرفته است.

۳. در ایران عدم اطمینان به کشورهای دیگر، در نگهداری وجه نقد تأثیر مهمی دارد. همچنین در بسیاری از شرکت‌های ایرانی، زیان عملکرد از طریق سرمایه‌گذاری وجوه در بخش‌های دیگر (برای مثال، سپرده‌گذاری بانکی) جبران می‌شود که در نگهداری وجه نقد، مؤثر است. در پژوهش حاضر، عوامل مذکور مورد توجه قرار نگرفته است.

۴. به دلیل محاسبات زیاد در دستیابی به رقم نهایی متغیر مستقل، از خطای موجود محاسباتی نیز به عنوان یکی از عوامل محدود کننده می‌توان نام برد.

۵. داده‌های استخراج شده از صورت‌های مالی شرکت‌ها، از بابت تورم تعدیل نگردیده است. در صورت تعدیل اطلاعات مذکور، ممکن است نتایج متفاوتی از نتایج فعلی حاصل شود.

منابع

۱. اسماعیلی، نوید. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد بر کارایی شرکت به اسطه نقش میانجی کیفیت سود. پایان نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، مؤسسه آموزش عالی کوشیار.
۲. ثقفی، علی و هاشمی، عباس. (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و اقلام تعهدی، ارایه مدل برای پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی؛ سال یازدهم، شماره ۳۷، ص ۲۹-۵۲.
۳. جهانخانی، علی و احمد ظریف فرد (۱۳۷۴). آیا مدیران و سهامداران از معیارهای مناسبی برای اندازه‌گیری ارزش شرکت استفاده می‌کنند؟ تحقیقات مالی. دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۷ و ۸ صص: ۴۱ تا ۶۶.
۴. چالشگری، آزاده و علی، جعفری. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نگهداشت وجه نقد و روابط سیاسی شرکت بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین کنفرانس بین‌المللی حسابداری و مدیریت در هزاره سوم.
۵. خواجه‌جوی، شکرالله و امین ناظمی (۱۳۸۴). بررسی ارتباط بین کیفیت سود و بازده سهام با تأکید بر نقش ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی. شماره ۴۰، ص ۳۷ الی ۶۷.
۶. رحیمیان، نظام‌الدین؛ قربانی، محمود؛ شعبانی، کیوان. (۱۳۹۲). رابطه بین نگهداشت مازاد وجه نقد و ارزش سهام در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۰(۴۰)، ۱۷۵-۱۵۱.

۷. رهنمای رود پستی، فریدون، نیکومرام، هاشم، شاهوردیانی، شادی (۱۳۸۵)، مدیریت مالی راهبردی "ارزش آفرینی" انتشارات MCG، چاپ اول، تهران
۸. شاهرخی، مینا. (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل عوامل موثر در سلامت مالی شرکت‌ها با رویکرد FCM. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علم و هنر وابسته به جهاد دانشگاهی.
۹. صائمی پور، مهدی. (۱۳۹۷). تأثیر کیفیت سود بر نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی شاهرود.
۱۰. صنایعی، مهیار. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر انحراف از سطح بهینه نگهداشت وجه نقد بر ارزش وجه نقد. راهبرد مدیریت مالی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص: ۱۰۳-۱۲۰.
۱۱. فروغی، داریوش؛ امیری، هادی؛ میرزایی، منوچهر. (۱۳۹۰). تأثیر شفاف نبودن اطلاعات مالی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۳(۴)، ۱۵-۴۰.
۱۲. نیکومرام هاشم، امینی پیمان. (۱۳۹۰). کیفیت سود و هزینه سرمایه، دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی): ۴(۱۰)؛ ۱۸۳-۲۱۵.
۱۳. یحیی زاده فر، محمود، احمدپور، احمد (۱۳۸۱). مدیریت مالی - جلد اول. انتشارات دانشگاه مازندران.
۱۴. کیقبادی، امیررضا؛ هوشنگی، فاطمه. (۱۳۹۸). تأثیر کیفیت سود بر سطح نگهداشت وجه نقد با تأکید بر نقش تعدیل‌کنندگی توانایی مدیران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۳)، ۱۷۷-۱۹۸.
۱۵. رازمنش، فاطمه؛ تقی ملا، محمد. (۱۴۰۰). بررسی نقش توانایی مدیریت بر رابطه بین مدیریت سود و سطح نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. چشم انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۵۱)، ۹۶-۱۱۳.

16. Agarwal, V. & Taffler, R.J (2007). "Twenty-five Years of the Taffler Z-Score Model: Does it really have Predictive Ability?" *Accounting and Business Research*.37 (4): 285–300.
17. Bates, T. , Chang, C. , Chi. J. ,(2011). Why has the value of cash increased over time? Working paper, SSRN: <http://ssrn.com>
18. Bhattacharya, N. , Desai, H. , Venkataraman, K. (2009). "Earnings Quality and Information Asymmetry". *Availble at URL: <http://www.ssrn.com>*.
19. Bhattacharya, U., Daouk, H., & Welker, M. (2003). The world price of earnings opacity. *The Accounting Review*, 78(3), 641–678.
20. Cassar, G., Gibbson, B., (2008). Budgets internal reports and manager forecast accuracay. *Contemporary Accounting Research*. 25(3), 707-737.
21. Chung, K. H., Kim, J. C., Kim, Y. S., & Zhang, H. (2015). Information asymmetry and corporate cash holdings. *Journal of Business Finance & Accounting*, 42(9–10), 1341–1377..
22. Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors". *The Accounting Review*. 77, 35-59.
23. Dechow, P. (1994). Accounting earnings and cash flow as measures of firm performance: the role of accounting accruals. *Journal of Accounting and Economics* 18, 3-42.
24. Raman, K., Shivakumar, L., & Tamayo, A. (2013). Target's earnings quality and bidders' takeover decisions. *Review of Accounting Studies*, 18(4), 1050–1087
25. Botsari, A., & Meeks, G. (2008). Do acquirers manage earnings prior to a share for share bid? *Journal of Business Finance & Accounting*, 35(5–6), 633–670.
26. Dechow, P., Ge, W., & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2–3), 344–401.

27. Dittmar, A. And Mahrt-Smith, J. (2007), “Corporate Governance And The Value Of Cash Holdings”, *Journal Of Financial Economics* 83, 599–634
28. Dittmar, A., Mahrt-Smith, J., & Servaes, H. (2003). International corporate governance and corporate cash holdings. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 38(1), 111–133.
29. Drobetz, Wolfgang; Grüninger, Matthias C. (2010), “Corporate Cash Holdings: Evidence From Switzerland”, *Fin Mkts Portfolio Mgmt* 21, 293–324
30. Farinha, Jorge Cesario Mateus & Nuno Soares. (2018). Cash holdings and earnings quality: evidence from the Main and Alternative UK markets. *International Review of Financial Analysis*. 56, 238-252.
31. Francis, J., LaFond, R., Olsson, P., & Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39(2), 295–327.
32. Gill, A. & Shah, C. 2012, .Determinants of Corporate Cash Holdings: Evidence from Canada., *International Journal of Economics and Finance*, 41: 70-79.
33. Habib, Ahsan,. & Mostafa Monzur Hasan.(2017). Social capital and corporate cash holdings. *International Review of Economics and Finance*, 52.pp:1-20.
34. Harford, Jarrad, (1999), “Corporate Cash Reserves and Acquisitions”, *Journal of Finance*, No. 54, PP. 1969–1997.
35. Harris, T. , E. Huh, and P. Fairfield. (2000). “Gauging Profitability on the Road to Valuation. Strategy Report, Global Valuation and Accounting”, Morgan stanly Dean Witter.
36. He, Z., & Wintoki, M. B. (2016). The cost of innovation: R&D and high cash holdings in US firms. *Journal of Corporate Finance*, 41, 280–303.
37. Hieu, V. Nam., H, Hien,. T and Shantaram,. H. (2019). Policy uncertainty and firm cash holding. *Journal of Business Research*. V (95). pp: 71-82.
38. Jensen, M. (1986), “Agency Costs Of Free Cash Flow, Corporate Financing And Takeovers”, *American Economic Review* 76, 323–329.

39. Jensen, M. C. and Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure, managerial and decision economics, *vol 25*, 537-547.
40. Kee H. Chung, Jang. C., Young. S and Hao. Zh. (2015). Information Asymmetry and Corporate Cash Holding. *Journal of Business finance Accounting*, Vol.42. pp: 1341-1377.
41. Kim, C.-S., Mauer, D. C., & Sherman, A. E. (1998). The determinants of corporate liquidity: Theory and evidence. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 33(03),335-359.
42. Kim, W. S. , and Sorensen, E. H. (1986). Evidence on the Impact of the Agency Costs of Debt on Corporate Debt Policy. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 21, No. 2, Pp. 131-144.
43. Kritsonis, Alicia. (2005). "Assessing a firms future financial health", *International Journal of Scholarly Academic Intellectual Diversity*, California State University vo.8, No.1
44. McNichols, M. (2002). Discussion of the quality of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *Accounting Review*, 77 ,61-69.
45. Mikkelson, W. & M. Partch (2003), "Do Persistent Large Cash Reserves Hinder Performance?", *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Vol. 38, PP. 275-294
46. Miller, M. H., & Orr, D. (1968). A model of the demand for money by firms. *The Quarterly Journal of Economics*, 80(3), 413-435.
47. Myers, S.C., & Majluf, N. S. (1984). Corporate financing and investment decisions when firms have information that investors do not have. *Journal of Financial Economics*, 13(2), 187-221.
48. Ogawa, K., 2015. Firm Investment, Liquidity and Bank Health: A Panel Study of Asian Firms in the 2000s., *Journal of Asian Economics* 38, pp: 44-54.

49. Opler, T., Pinkowitz, L., Stulz, R., & Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 52(1), 3–46.
50. Ozkan, A., & Ozkan, N. (2004). Corporate cash holdings: An empirical investigation of UK companies. *Journal of Banking & Finance*, 28(9), 2103–2134.
51. Pawlina, G. and Renneboog, L. (2005). Is investment-cash flow sensitivity caused by the agency costs or asymmetric information? Evidence from the UK. Tilburg University. Discussion paper, No. 2005-23
52. Penman, S. (2001). "Financial Statement Analysis and Equity Valuation". New York, NY: McGraw Hill.
53. Penman, S. (2001). "Financial statement Analysis and security Valuation". New York, NY: McGraw Hill/Irwin.
54. Pinkowitz, L., Stulz, R. & R. Williamson(2004), Do Firms With Poor Protection of Investor Rights Hold More Cash?, Working Paper, Georgetown University, PP. 1-45.
55. Sun, Q., Yung, K., & Rahman, H. (2012). Earnings quality and corporate cash holdings. *Accounting and Finance*, 52(2), 543–571.
56. Sung,G.M & Soo, C.J. (2015). Working capital, cash Holding and profitability of Restaurant Firms. *International Journal of Hospitality Management*. V, 48. pp: 1-11.
57. Altman E.I. September 1968. Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy. *Journal of Finance*, Vol. 23, nr. 4, p. 589-609
58. The Effect of Certainty and Uncertainty of Earnings Information on the Financial Health

Abstract

Financial health in the sense of generating cash flow is the profitability and continuity of economic activity. Net profits have a significant impact on financial health. Hence, assessing the quality of earnings helps users of financial statements about the certainty of current earnings and predicting future earnings. Accordingly, the purpose of the present study is to investigate the impact of uncertainty and uncertainty on earnings information on corporate financial health. The statistical population of this research is all the companies listed in Tehran Stock Exchange during 2009-2018. The sample size is 162 companies based on the systematic elimination method. The research method is based on hybrid data and multivariate regression model using least squares regression. Research evidence suggests that certainty of earnings information has a positive and significant effect on financial health improvement and uncertainty of earnings information has a significant and negative effect on financial health improvement.

KEYWORDS: Uncertainty of earnings information, Uncertainty of earnings information, Financial health.

موضوعات کلیدی حسابرسی (استاندارد بین المللی شماره ۷۰۱)

حسابرسی) و رفتار گزارشگری مالی



فروزنده کوشان فر^۱، زهرا گل چین^۲، مریم میرزایی^۳

چکیده

طبق بیانیه هیئت استانداردهای حسابرسی حسابداران عمومی آمریکا، "وجود بخش موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش های حسابرسی باعث می شود مدیریت با دقت بیشتری در مورد کیفیت فرآیندها و کنترل های آنها بیاندیشد". این بیانیه نشان می دهد که موضوعات کلیدی حسابرسی نه تنها ممکن است شفافیت صورت های مالی را برای کاربران مالی بهبود بخشد، بلکه رفتار گزارشگری مالی مدیریتی را نیز تقویت می کند.

هدف از نوشتار حاضر مطالعه موضوعات کلیدی حسابرسی، حوزه های افشاء و تأثیر آن بر رفتار گزارشگری مالی می باشد. روش این پژوهش بررسی کتابخانه ای یافته های تجربی (از جمله آنا گلد و همکاران، ۲۰۲۰) در این مورد می باشد. نتایج پژوهشهای انجام شده در این

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دپارتمان حسابداری، دانشکده زینب کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه ای استان همدان- ایران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دپارتمان حسابداری، دانشکده زینب کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه ای استان همدان- ایران نویسنده مسئول: z.Golchin1390@gmail.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد حسابداری، دپارتمان حسابداری، دانشکده زینب کبری (س)، دانشگاه فنی و حرفه ای استان همدان- ایران

حوزه نشان می‌دهد که مدیرانی که گزارش حسابرسی با موضوعات کلیدی حسابرسی دریافت کرده‌اند، نسبت به مدیرانی که گزارش حسابرسی بدون موضوعات کلیدی حسابرسی بوده است رفتار گزارشگری محافظه کارانه تری را نشان می‌دهند و هنگام پیش‌بینی وجود موضوعات کلیدی حسابرسی تمایل به اتخاذ تصمیمات گزارشگری مالی تهاجمی کاهش می‌یابد. طبق این استدلال پیش‌بینی می‌شود که تأثیر موضوعات کلیدی حسابرسی بر رفتار گزارشگری مالی، هنگام افشای دقیق‌تر موضوعات کلیدی حسابرسی، ضعیف‌تر است.

واژگان کلیدی: موضوعات کلیدی حسابرسی، رفتار گزارشگری مالی، استاندارد بین‌المللی شماره ۷۰۱ حسابرسی.

۱. مقدمه

استاندارد نویسان و تنظیم کنندگان استانداردهای حسابرسی در سراسر جهان، از جمله هیئت عمومی نظارت بر حسابداری شرکت^۱ (PCAOB) و هیئت تدوین استانداردهای بین المللی حسابرسی و اطمینان بخشی^۲ (IAASB)، اخیراً یک مدل گزارش حسابرسی توسعه یافته برای پاسخگویی به نگرانی‌ها در مورد عدم شفافیت در گزارشات حسابرس معرفی کرده‌اند (IAASB, 2015). یکی از تغییرات قابل ملاحظه در اصلاحات IAASB و PCAOB، اجرای موضوعات کلیدی حسابرسی^۳ (KAMs) است، که الزامات افشای جدید ارائه اطلاعات در مورد موضوعات مهمی که حسابرسان در جریان حسابرسی با آنها مواجه می‌شوند، است. هدف اولیه گزارش جدید حسابرسی، ابلاغ مسائل کلیدی حسابرسی جهت افزایش درک سرمایه‌گذاران از نقش و مسئولیت حسابرس است. یکی مزایای اساسی که توسط تنظیم کنندگان استانداردها به رسمیت شناخته شده است، اما تا در بحث‌های جاری تا حد زیادی نادیده گرفته شده است، اثربخشی موضوعات کلیدی حسابرسی در محیط گزارشگری مالی است.

بروس وب^۴، رئیس مؤسسه هیئت استانداردهای حسابرسی حسابداران عمومی آمریکا، بیان می‌کند که "وجود بخش‌های موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش‌های حسابرسی ممکن است باعث شود مدیریت با دقت بیشتری در مورد کیفیت فرآیندها و کنترل‌های آنها باندیشد (کاتز، ۲۰۱۳). این بیانیه نشان می‌دهد که موضوعات کلیدی حسابرسی نه تنها ممکن است شفافیت صورت‌های مالی را برای کاربران مالی بهبود بخشند، بلکه رفتار گزارشگری مالی مدیریتی را نیز تقویت می‌کند. در این مقاله به صورت مطالعه مروری بررسی می‌کنیم که آیا افشای موضوعات کلیدی حسابرسی می‌تواند رفتار گزارشگری مالی تهاجمی را کاهش دهد.

1. Public Company Accounting Oversight Board

2. International Auditing and Assurance Standards Board

3. key audit matters

4. Bruce Webb

انگیزه پیش‌بینی رابطه بین افشای موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی، تئوری پاسخگویی و یافته‌های ادبیات نظری شفافیت گزارشگری مالی می‌باشد. تئوری پاسخگویی نشان می‌دهد که انتظاری که فرد برای توجیه دیدگاه خود به دیگران دارد بر قضاوت و کیفیت تصمیم‌گیری وی تأثیر می‌گذارد، از این رو تلاش بیشتری در قضاوت و تصمیم‌گیری خود می‌کند (آنا گلد^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). پیش‌بینی می‌شود، مدیران انتظار دارند، قضاوت آنها در یک گزارش حسابرسی با افشاء موضوعات کلیدی، نسبت به یک گزارش حسابرسی اصلاح نشده بدون موضوعات کلیدی بیشتر و دقیقتر توسط سرمایه‌گذاران و حسابرسان مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های حاصل از افشاء شفافیت نشان می‌دهد که فعالیتهای مدیریت سود به دلیل ریسک بالاتر شفافیت را کاهش می‌دهد (کسِل^۲، ۲۰۱۵). بنابراین، انتظار می‌رود که توجهات بعدی ناشی از شفافیت بیشتر در گزارشهای حسابرس سطح پاسخگویی مدیریتی را افزایش می‌دهد و در نتیجه کیفیت گزارشگری را بهبود می‌بخشد.

با مطالعه ادبیات پژوهش، در این مقاله به این موضوع پرداخته می‌شود که چگونه سطوح بالاتر دقت در اطلاعات گزارش شده به عنوان معیاری برای سنجش شفافیت افشای در بخش موضوعات کلیدی حسابرسی، رفتار گزارشگری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ادبیات افشای شفافیت نشان می‌دهد که ویژگی افشای ریسک می‌تواند به طور قابل توجهی بر توانایی سرمایه‌گذاران در پردازش و ارزیابی اطلاعات تأثیر بگذارد، در نتیجه بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذار تأثیر بیشتری دارد. طبق این استدلال پیش‌بینی می‌شود که تأثیر موضوعات کلیدی حسابرسی بر رفتار گزارشگری مالی، هنگام افشای دقیق‌تر موضوعات کلیدی حسابرسی، ضعیف‌تر است، به این دلیل که انتظارات مدیران از پیش‌بینی‌های سرمایه‌گذاران کاهش می‌باید (آنا گلد و همکاران، ۲۰۲۰).

1. Anna Gold

2. Cassell

۲. مبانی نظری

۲-۱. موضوعات کلیدی حسابرسی

حسابرسی مستقل نقش مهمی در حمایت از کیفیت گزارشگری مالی دارد و گزارش حسابرس به عنوان یک بخش لاینفک فرآیند گزارشگری مالی، نقش عمده‌ای در اطلاع رسانی به استفاده کنندگان ایفا می‌کند؛ به همین دلیل لزوم نظارت و تجدیدنظر در ارزش اطلاعاتی و مربوط بودن گزارش حسابرس همواره مورد توجه استانداردارگذاران بوده است (جعفری نسب کرمانی و همکاران، ۱۳۹۸) به همین دلیل برخی از استانداردارگذاران و مقررات گذاران نظیر هیات استانداردهای بین المللی حسابرسی و اعتباربخشی و هیات نظارت بر حسابداری شرکتهای عام آمریکا به منظور بهبود گزارش حسابرس و افزایش شفافیت آن، در برخی از استانداردهای موجود خود تجدیدنظر و یا استانداردهای جدیدی را تدوین نمودند. این دو نهاد بخشی را با عنوان موضوعهای کلیدی/ اساسی حسابرسی با هدف افزایش ارزش اطلاعاتی گزارش حسابرس به گزارش جدید حسابرس اضافه نموده‌اند (جعفری نسب کرمانی و همکاران، ۱۳۹۸). طبق استاندارد بین المللی حسابرسی ۷۰۱، موضوعات کلیدی حسابرسی عبارتند از؛ موارد مهمی که بر اساس قضاوت حرفه‌ای حسابرس در فرآیند حسابرسی صورت‌های مالی دوره جاری از جایگاه ویژه و با اهمیتی برخوردار هستند. موضوعات کلیدی حسابرسی از بین موارد با اهمیتی که به اطلاع ارکان راهبری شرکت رسیده است انتخاب می‌شود (ISA 701). موضوعات کلیدی حسابرسی توسط حسابرس گزارش شده و بینش جدیدی به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی با توجه به برآوردها و ریسک‌های مهم صورت‌های مالی ارائه می‌دهد (آرجان و همکاران، ۲۰۱۶).

استاندارد بین المللی حسابرسی ۷۰۱ قابل اعمال برای مجموعه کامل صورت‌های مالی با مقاصد عمومی واحدهای تجاری پذیرفته شده در بورس و شرایطی است که حسابرس تصمیم می‌گیرد موضوعهای کلیدی حسابرسی را در گزارش خود اطلاع رسانی کند. این استاندارد

۶۰ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین◆

ضمناً در مواردی که حسابرس طبق قوانین و مقررات ملزم به اطلاع رسانی موضوع‌های کلیدی حسابرسی در گزارش خود می‌باشد، نیز هست. با این حال، استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۷۰۵ (تجدید نظر شده) حسابرس را از اطلاع رسانی موضوع‌های کلیدی حسابرسی در زمانی که اقدام به عدم اظهار نظر می‌نماید، منع کرده است؛ مگر اینکه گزارش موضوع‌های فوق طبق قوانین و مقررات الزامی شناخته شده باشد (ISA, 701).

الزام‌های استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۷۰۱ به منظور توصیف موضوع‌های کلیدی حسابرسی با هدف ارائه توصیف‌هایی اجمالی و متعادل جهت کمک به استفاده‌کنندگان بالقوه در درک اهمیت موضوع‌های یاد شده در فرایند حسابرسی و نحوه برخورد با آنها تنظیم شده است. توصیف موضوع‌های کلیدی حسابرسی همواره به موارد افشای صورت‌های مالی مربوط می‌شود. با این حال، جزئیات لازم در توصیف هر موضوع از موضوع‌های کلیدی حسابرسی به قضاوت حرفه‌ای حسابرس و شرایط و حقایق موجود و خاص آن فرایند بستگی دارد. هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اعتبار بخشی معتقد است که این انعطاف پذیری برای کمک به حسابرسان در لحاظ کردن ویژگیهای خاص واحد تجاری و عملیات حسابرسی هنگام توصیف موضوع‌های کلیدی حسابرسی ضروری است تا نگرانی‌های سرمایه‌گذاران و دیگران درباره استاندارد بین‌المللی حسابرسی ۷۰۱ کاهش دهد. این استاندارد یکنواخت شدن یا استاندارد شدن نحوه اطلاع رسانی حسابرس را توضیح داده است که حسابرس می‌تواند با توصیف موارد زیر، نحوه برخورد با موضوع‌های کلیدی حسابرسی در فرایند حسابرسی را توضیح دهد:

- ✓ ابعاد کلیدی برخورد یا رویکرد حسابرس که بیشترین ارتباط را با موضوع مورد نظر
 - یا ریسک ارزیابی شده تحریف عمده داشته‌اند؛
 - ✓ خلاصه‌ای از رویه‌های به کار گرفته شده؛
 - ✓ اشاره به نتایج رویه‌های به کار گرفته شده از سوی حسابرس؛ یا مشاهده‌های کلیدی
- درباره موضوع‌های مورد نظر و یا ترکیبی از موارد یاد شده.

اطلاع رسانی موضوع‌های کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرس جایگزینی برای موارد افشای مناسب و مربوط در صورت‌های مالی محسوب نمی‌شود؛ زیرا اطلاعات در مورد صورت‌های مالی و واحد تجاری جزو مسئولیت‌های اولیه مدیریت است؛ از اینرو، حسابرسان باید از ارائه اطلاعات بنیادی درباره واحد تجاری هنگام توصیف موضوع‌های کلیدی حسابرسی اجتناب کنند. لازم به ذکر است که بخش موضوع‌های کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرس باید دربرگیرنده بند مقدماتی باشد که توضیح دهد که حسابرس موضوع‌ها را در چارچوب حسابرسی صورت‌های مالی مورد بررسی قرار داده و در ارائه اظهارنظر خود نیز چارچوب یادشده را مدنظر قرار داده است و اظهارنظر جداگانه‌ای درباره این موضوع‌ها صادر نمی‌کند (IAASB, 2015). ارائه موضوع‌های کلیدی حسابرسی در بخش نزدیک به اظهارنظر حسابرس، دسترسی به این اطلاعات را ساده تر کرده و ارزش اطلاعات خاص عملیات را برای استفاده کنندگان پدیدار می‌کند (ISA, 701). ترتیب ارائه هر موضوع کلیدی حسابرسی در بخش موضوع‌های کلیدی حسابرسی گزارش حسابرس به قضاوت حرفه‌ای حسابرس بستگی خواهد داشت. برای نمونه، ممکن است این قبیل اطلاعات بر مبنای اهمیت نسبی به سلیقه حسابرس یا به ترتیب نحوه افشای آنها در صورت‌های مالی طبقه‌بندی شوند. در ضمن، لازم است حسابرس برای هر موضوع از موضوع‌های کلیدی حسابرسی عنوان جداگانه‌ای تعیین کند تا موضوع‌های کلیدی حسابرسی از یکدیگر تفکیک گردند (IAASB, 2015)

هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابرسی و اطمینان بخشی معتقد است که ارائه موضوع‌های کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرس موارد زیر را باعث می‌شود (IAASB, 2015):

- افزایش شفافیت فرایند حسابرسی انجام شده؛
- تمرکز توجه سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان به بخش‌هایی از صورت‌های مالی که نیازمند اعمال قضاوت‌های عمده مدیریتی و توجه ویژه حسابرس هستند، که می‌تواند به سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان کمک کند تا وضعیت واحد تجاری و صورت‌های مالی و نتیجه فرایند حسابرسی را به ترتیبی که در اظهارنظر حسابرس منعکس شده است، نمایان کند؛

- برای استفاده‌کنندگان مبنایی به منظور تعامل مدیریت و ارکان راهبری (از جمله کمیته حسابرسی) درباره موارد معینی در رابطه با واحد تجاری، صورت‌های مالی حسابرسی شده یا فرایند حسابرسی فراهم می‌کند؛

- ارتباط میان حسابرس و کمیته حسابرسی را در خصوص مهم‌ترین موضوع‌های رخداده در حسابرسی بهبود بخشیده و می‌تواند باعث توجه بیشتر به افشای موضوع‌هایی شود که مدیران و کمیته حسابرسی در صورت‌های مالی به عمل می‌آورند؛

- به افزایش تمرکز حسابرس بر موضوع‌هایی که باید اطلاع‌رسانی شود منجر می‌گردد. این امر می‌تواند به صورت غیرمستقیم به افزایش تردید حرف‌های و ارتقای کیفیت حسابرسی منجر شود (جعفری نسب کرمانی، ۱۳۹۷).

۲-۲. حوزه‌های بالقوه موضوعات کلیدی حسابرسی

استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی برای فهمیدن اینکه بیشترین ریسک‌های صورت‌های مالی کجاست به حسابرس چشم دوخته‌اند. الزام اخیر برای افشای موضوعات کلیدی حسابرسی^۱ (KAM) در گزارش‌های حسابرسی با هدف بهبود کیفیت حسابرسی و ارائه اطلاعات اضافی به کاربران بوده است (هوایان^۲ و همکاران، ۲۰۲۱). در استانداردهای جدید برای پاسخگویی به این نیاز استفاده‌کنندگان، استاندارد ۷۰۱ با عنوان موضوعات کلیدی تصویب و لازم‌الاجرا گردید (آرکان و همکاران، ۲۰۱۶).

حسابرس در تعیین موضوعات کلیدی حسابرسی می‌باید حوزه‌های با خطر تحریف بااهمیت ارزیابی شده در سطح بالا یا خطرهای عمده و حوزه‌هایی در صورت‌های مالی که مستلزم قضاوت عمده مدیران اجرایی است و تأثیر بر حسابرسی معاملات یا رویدادهای عمده

1. Key audit matters

2. Huayun

◆ موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی ◇ ۶۳

را که طی دوره رخ داده است در نظر بگیرد به این ترتیب، موضوعاتی که در تهیه‌ی شواهد حسابرسی کافی و مناسب و یا در اظهارنظر نسبت به صورت‌های مالی برای حسابرسان چالش ایجاد می‌کند، در تعیین موضوعات کلیدی حسابرسی مربوط تلقی می‌شوند. حوزه‌های مورد توجه‌ی عمده حسابرسان اغلب مربوط به حوزه‌های دارای پیچیدگی و قضاوت‌های عمده مدیریت در صورت‌های مالی است و بنابراین اغلب مستلزم قضاوت‌های مشکل یا پیچیده‌ی حسابرسان هستند. این موضوع به نوبه‌ی خود، اغلب بر طرح کلی حسابرسی، تخصیص منابع و میزان تلاش‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد. این آثار ممکن است شامل، میزان به کارگیری پرسنل ارشد در کار حسابرسی یا مشارکت کارشناس‌های رشته‌های مختلف در فرایند حسابرسی یا افراد متخصص در یک حوزه‌ی تخصصی حسابداری یا حسابرسی باشد، خواه در استخدام شرکت باشند یا نباشند. موارد و حوزه‌های بالقوه‌ای را که می‌تواند به عنوان موضوعات کلیدی حسابرسی مد نظر قرار گیرد می‌توان به طور خلاصه به شکل زیر ارائه نمود (بیرانوند و باقرآبادی، ۱۳۹۷):

- حوزه‌های پیچیده مرتبط با شناسایی درآمد
- ذخایر و بدهی‌های احتمالی
- موارد با اهمیت مرتبط با مالیات عملکرد (وجود حوزه‌های قضایی با نرخ‌های مالیاتی متفاوت، دارایی‌های مالیات انتقالی و ...)
- ارزیابی کاهش ارزش
- ارزیابی در خصوص وجود یا عدم وجود کنترل‌های مناسب در سرفصل سرمایه‌گذاری‌ها
- سیستم‌های IT
- موارد با اهمیت موجود در صنعتی که شرکت در آن فعالیت می‌کند.

نکته قابل توجه در تهیه و ارائه بخش موضوعات کلیدی توجه به این نکته است که موضوعات کلیدی حسابرسی جایگزینی برای موارد افشای ضروری در صورت‌های مالی و موضوعاتی که باعث تعدیل اظهارنظر می‌شود و همچنین جایگزینی برای ابهام بااهمیت در رابطه با تداوم فعالیت نیست، از طرف دیگر بندهای تأکید بر مطلب خاص و سایر بندهای توضیحی نمی‌توانند به عنوان جایگزین برای اطلاع‌رسانی موضوع تعیین شده به عنوان موضوع کلیدی حسابرسی قرار گیرند و باید به این نکته توجه ویژه داشت که موضوعات کلیدی باید مختص واحد تجاری باشد که مورد رسیدگی و حسابرسی قرار گرفته است. همچنین موضوعات کلیدی حسابرسی، نه دامنه‌ی حسابرسی و نه مسئولیت هیأت مدیره (ارکان راهبری) و مدیریت در رابطه با صورت‌های مالی را تغییر نمی‌دهد. در خصوص نحوه‌ی ارائه‌ی بخش موضوعات کلیدی حسابرسی باید توجه داشت که ترتیب ارائه‌ی هر یک از موضوعات کلیدی حسابرسی مستلزم اعمال قضاوت حرفه‌ای است. برای مثال، این اطلاعات ممکن است به ترتیب اهمیت نسبی یا بر مبنای قضاوت حسابرس سازماندهی شوند، یا ممکن است در تطابق با نحوه‌ی افشا در صورت‌های مالی باشد. همچنین توصیف هر یک از موضوعات کلیدی حسابرسی باید با اشاره به موارد افشای مرتبط (در صورت وجود) در صورت مالی باشد و باید عنوان شود که چرا این موضوع به عنوان یک موضوع کلیدی تعیین شده است، و چگونه به این موضوع در حسابرسی پرداخته شده است. از طرفی توجه به این نکته هم ضروری است که چنانچه حسابرس بسته به واقعیتها و شرایط واحد تجاری و انجام فرآیند حسابرسی به این نتیجه برسد که هیچ موضوع کلیدی حسابرسی برای اطلاع‌رسانی وجود ندارد، یا تنها موضوعات کلیدی حسابرسی، موضوعاتی هستند که در بخش(های) مبانی اظهارنظر مشروط (مردود) یا ابهام بااهمیت مرتبط با تداوم فعالیت آمده است، باید یادداشتی را در این خصوص در بخش جداگانه‌ای از گزارش حسابرس با عنوان «موضوعات کلیدی حسابرسی» قرار دهد. در این خصوص تنها یک استثنا وجود دارد، بدین نحو که طبق تغییرات صورت گرفته در استاندارد

◆ موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی ◇ ۶۵

۷۰۵ ، و الزامات جدید این استاندارد حسابرسی از اطلاع رسانی موضوعات کلیدی حسابرسی هنگام ارائه عدم اظهار نظر منع می شود مگر اینکه طبق قوانین یا مقررات ملزم شده باشد (بیرانوند و باقرآبادی، ۱۳۹۷).

از نظر حسابرسان، افشای موضوعهای کلیدی حسابرسی می تواند منجر به برداشت استفاده-کنندگان مبنی بر اظهار نظر جداگانه در خصوص موضوعهای کلیدی حسابرسی و عدم پذیرش اظهار نظر مقبول حسابرسی، متفاوت بودن موضوعهای کلیدی حسابرسی به دلیل اعمال قضاوت حرفه ای حسابرسان، افزایش هزینه های حسابرسی، تأثیر منفی بر رابطه صاحبکار و حسابرسی و افزایش فشار از سوی صاحبکار و تلقی استفاده کنندگان از حسابرسی به عنوان منبع اصلی اطلاعات گردد. بنابراین وجود رهنمودهایی برای شناسایی و افشای موضوعهای کلیدی حسابرسی الزامی است و این موضوعها باید در نزدیکترین محل به ارائه بند اظهار نظر حسابرسی افشا باشد و برای طبقه بندی هر موضوع از عنوان مناسبی استفاده شود (جعفری نسب و همکاران، ۱۳۹۸).

۲-۳. رفتار گزارشگری مالی

۱-۳-۲. شفافیت و رفتار گزارشگری مالی

تئوری سنتی اقتصاد پیش بینی می کند که مدیران درگیر اقداماتی هستند که سود خود را به هزینه دیگران در موقعیتها به حداکثر می رسانند جایی که رفتار آنها غیر قابل مشاهده است و عواقب شدیدی دارد، مانند به عنوان آسیب های شهرت و از دست دادن شغل، نگرانی ثانویه است (جنسن و مکلینگ^۱، ۱۹۷۶). تحقیقات قبلی نشان می دهد، زمانی که کاربران صورت های مالی، توانایی کمتری در تشخیص فعالیت های مدیریت سود دارند، مدیران در انتخاب روش های حسابداری برای تأثیر عمدی بر نتیجه مالی گزارشها، با هدف کسب منافع شخصی از انعطاف پذیری استفاده می کنند. به عنوان مثال کسل و همکاران (۲۰۱۵)

ارتباط بین شفافیت افشاها مربوط به فعالیت در کمک هزینه بدهی بد^۱، کمک هزینه موجودی، و حساب کمک هزینه دارایی‌های مالیاتی معوق و مدیریت سود تعهدی را بررسی کرده و متوجه شدند که زمانی که افشای فعالیت این حسابها شفاف باشند، شرکتها تصمیم می‌گیرند وسعت فعالیت‌های مدیریت سود خود را کاهش دهند. با استفاده از همین رویکرد، هرست و هاپکینز^۲ (۱۹۹۸) شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد عناصر مهم صورت سود زیان جامع، امکان تشخیص تحلیلگران از فعالیتهای مدیریت سود از طریق اوراق بهادار قابل فروش را فراهم می‌کند، و در نتیجه ارزیابی تحلیلگران را بهبود می‌بخشد. در مجموع، شواهد تجربی این یافته‌ها بیان می‌کند که مدیران بر این باورند، با محدود کردن سرمایه‌گذاران منافع شخصی به دست آورند. با افزایش شفافیت این مزایا کاهش یافته و توانایی تشخیص مدیریت سود و احتمال شناسایی این فعالیها توسط فعالان بازار افزایش می‌یابد (یوسفی اصل، و همکاران، ۱۳۹۳).

این مفاهیم با یافته‌های فیلدز^۳ و همکاران (۲۰۰۱) مطابقت دارد. آنها استدلال می‌کنند که مدیران آگاهانه از نواقص ذاتی بازار (به عنوان مثال، عدم تقارن اطلاعاتی) استفاده می‌کنند، که این امر نشان دهنده ناتوانی یا عدم تمایل استفاده کنندگان صورت‌های مالی در تفکیک اثرات فعالیت‌های مدیریت سود است. بدین ترتیب، شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی می‌تواند به کاهش رفتار گزارشگری تهاجمی کمک کند.

ادبیات پیشین نشان می‌دهد، یکی از مزایای بالقوه افزایش شفافیت، علاوه بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، افزایش مسئولیت‌پذیری افراد برای تصمیم‌گیری است. به عنوان مثال، رز و

۱. بدهی بد، در حسابداری و امور مالی به بدهی‌هایی در حساب دریافتی گفته می‌شود، که دارای نرخ بهره بالایی بوده و محل هزینه کردن آنها دارای ارزش افزوده نباشد، مانند بدهی به کارت‌های اعتباری.

2. Hirst and Hopkins

3. Fields et al

همکاران^۱ (۲۰۱۳) اثرات مالکیت سهام بر استقلال و عینیت مدیران را بررسی کردند. آنها دریافتند زمانی که بحث شفافیت هیئت مدیره افزایش می‌یابد، احتمال کمی وجود دارد که مدیران سهامداری عضو کمیته‌های حسابرسی با گزارشگری تهاجمی مدیریتی موافقت کنند. این به این دلیل است که وقتی بحث شفافیت هیئت مدیره بالا باشد، مدیران سهامدار نگران این موضوع هستند حمایت از مدیریت ممکن است تلاش برای مدیریت سود باشد و به اعتبار هیئت مدیره لطمه بزند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش پاسخگویی از طریق شفافیت زمانی موثر است که افراد انگیزه‌هایی برای اقدام در راستای منافع خود داشته باشند. همانطور که بخش ۲-۳-۲ توضیح داده می‌شود افشای موضوعات کلیدی حسابرسی به طور بالقوه مکانیسم‌های پاسخگویی تصمیمات مدیریتی را ارائه می‌دهد.

۲-۳-۲. نقش مکانیسم‌های پاسخگویی در قضاوت مدیریتی

مدل اقتضایی - اجتماعی قضاوت و انتخاب در روانشناسی اجتماعی بیان می‌دارد که اجبار در توجیه دیدگاه‌ها، باورها، احساسات، و اعمالی که نسبت به دیگران انجام می‌دهیم، هم بر نحوه تصمیم‌گیری و هم بر ماهیت تصمیم تأثیر می‌گذارد (تتلاک^۲، ۱۹۸۵). تتلاک (۱۹۸۵) اشاره می‌کند که اگر از فردی خواسته شود تا اقدامات خود را برای دیگران توجیه کند، این کار منجر به پردازش اطلاعات "هوشیارانه تر" می‌شود و تصمیم‌گیرنده بیشتر درگیر رویکرد تصمیم‌گیری خودانتقادی پیشگیرانه است. این رویکرد خودانتقادی به تصمیم‌گیری مستلزم در نظر گرفتن دیدگاه‌های متعدد و پیش‌بینی اعتراض بالقوه دیگران به تصمیمات است. در نتیجه، افرادی که پیش‌بینی می‌کنند باید برای تصمیم‌گیری خود پاسخگو باشند، فشار بیشتری برای ارائه توضیحات موجه احساس می‌کنند، و همچنین نیاز دارند که پیامدهای بالقوه اعمال خود را با دقت بیشتری در نظر بگیرند و در نتیجه تلاش بیشتری در قضاوت و تصمیم‌گیری خود انجام

1. Rose et al

2. Tetlock

دهند (کیم و تروتمن^۱، ۲۰۱۵). مطابق با این مفهوم، تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که افراد پاسخگو و مسئولیت‌پذیر در قضاوت دقیق‌تر هستند و اطلاعات بیشتری را در نظر می‌گیرند و با دقت بیشتری در مورد تصمیمات خود فکر می‌کنند و استراتژی‌های تصمیم‌گیری پیچیده‌تری را القا می‌کنند (تتلاک و کیم^۲، ۱۹۹۹). به عنوان مثال، مرو و موتویدو^۳ (۱۹۹۵) تأثیر مسئولیت‌پذیری بر رتبه بندی عملکرد افراد را بررسی کرده و نتیجه که ارزیابی‌های مسئولیت‌پذیر در ارزیابی زیردستان خود، توجه بیشتری به اطلاعات مرتبط، یادداشت برداری بیشتر و دقیق‌تر بودن دارند.

جریان دیگری از تحقیقات نشان می‌دهد که فشار مسئولیت‌پذیری نه تنها تلاش بیشتر و تصمیم‌گیری خودانتقادی با کیفیت بالاتر در قضاوت را القا می‌کند، بلکه به عنوان یک مکانیسم سودمند برای کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت نیز عمل می‌کند (پیتسا و تائو^۴، ۲۰۱۳). راس و همکاران (۲۰۱۲) با این استدلال که افزایش مسئولیت‌پذیری منجر به پردازش خودکار اطلاعات کمتر و در نتیجه افزایش انطباق هنجاری می‌شود دریافته‌اند که مسئولیت‌پذیر بودن در قبال تصمیم‌گیری منجر به رفتار کمتر خودخواهانه می‌شود.

در تحقیقات حسابداری، لیبی، سالتریو و وب (۲۰۰۴) اثربخشی فشار پاسخگویی را مطالعه کرده و دریافته‌اند که افزایش تلاش از طریق افزایش مسئولیت‌پذیری تصمیم‌گیری، استفاده از معیارهای منحصر به فرد را در قضاوت‌های ارزیابی عملکرد مدیریت افزایش می‌دهد. آگولیا و همکاران^۵ (۲۰۱۱) دریافته‌اند که کیفیت گزارشگری مالی با قدرت کمیته حسابرسی افزایش می‌یابد، اما تنها تحت استانداردهای مبتنی بر قوانین. در حالی که تحقیقات

-
1. Kim & Trotman
 2. Tetlock & Kim
 3. Mero & Motowidlo
 4. Pitesa & Thau
 5. Agoglia et al

◆ موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی ◇ ۶۹

قبلی شواهدی در مورد اثربخشی پاسخگویی برای تصمیم‌گیری مدیریتی در رابطه با پارامترهای مختلف، مانند دقت و قدرت استاندارد ارائه می‌دهد، تحقیقات محدودی در مورد اینکه چگونه افزایش پاسخگویی از طریق شفافیت بیشتر بر رفتار مدیریتی در تصمیمات گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد، وجود دارد.

۳-۳. تأثیر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی بر رفتار گزارشگری مدیران

مطابق با مبانی نظری شفافیت افشا و تئوری پاسخگویی، انتظار می‌رود در حضور موضوعات کلیدی حسابرسی که به رفتار گزارشگری مالی تهاجمی مرتبط است، تمایل مدیران به اتخاذ تصمیم گزارشگری مالی تهاجمی نسبت به عدم وجود آن کاهش یابد، زیرا احتمال تشخیص افزایش می‌یابد.

اولاً، مدیران ممکن است رفتار گزارش دهی خود را به علت افزایش دقت حسابرسان تغییر دهند. اگر حسابرس یک موضوع خاص در گزارش حسابرسی را به عنوان موضوع کلیدی حسابرسی افشا کند، منطقی است که فرض کنیم این حوزه نیز موضوع مورد علاقه حسابرس بعدی خواهد بود. مدیران انتظار دارند که حسابرس زمان و منابع اضافی برای بررسی کفایت موضوعات کلیدی حسابرسی هزینه کند. همانطور که حسابرس مسئول افشای موضوعات کلیدی حسابرسی است، بنابراین خود حسابرس از درک بالایی برخوردار بوده و ممکن است سطح بالاتری از تردید حرفه‌ای را نیز بروز دهد (آسبار و رانکه^۱، ۲۰۱۹).

بنابراین انتظار داریم که مدیران رفتار گزارشگری کمتر تهاجمی نشان دهند، زیرا پیش‌بینی می‌کنند زمانی که حسابرس یک موضوع کلیدی حسابرسی در گزارش سال قبل آنها افشا کرد، گزارش سال جاری آنها، با شدت بیشتری مورد مذاقه و بررسی حسابرس قرار گیرد. علاوه بر این، مدیران همچنین می‌توانند رفتار گزارشگری خود را تطبیق دهند، زیرا ممکن است

حسابرس به دلیل امکان افشای یک حوزه خاص در صورت های مالی خاص به عنوان موضوع کلیدی حسابرسی، قدرت مذاکره بیشتری داشته باشد و به یک رفتار گزارش دهی کمتر تهاجمی مدیران دست یابد (راید و همکاران^۱، ۲۰۱۹).

ثانیا، استدلال می شود که مدیران ممکن است رفتار گزارش دهی خود را به دلیل توجه بیشتر سرمایه گذاران تغییر دهند. سیروس^۲ و همکاران (۲۰۱۸) با استفاده از فناوری ردیابی چشم، اثبات کردند که سرمایه گذاران بزرگتر، به افشای صورت های مالی مربوط به موضوعات کلیدی حسابرسی توجه بیشتری دارند. با توجه به مهم بودن این حوزه از حسابرسی، منطقی است که فرض کنیم توانایی سرمایه گذاران برای تشخیص رفتار گزارشگری مالی تهاجمی افزایش می یابد. اگر تشخیص موضوعات کلیدی در گزارشگری آسان باشد، مدیران بیشتر از گزارشگری تهاجمی اجتناب می کنند (رز و همکاران^۳، ۲۰۱۳)، بنابراین می توان استدلال نمود مدیران ممکن است نسبت به حوزه هایی افشاء شده موضوعات کلیدی حسابرسی با رویکرد محافظه کارانه تر عمل میکنند. به دلیل افزایش شفافیت، مدیران ممکن است از درگیر شدن در گزارشگری مالی تهاجمی بپراسند، چرا که احتمالا به کیفیت گزارشگری و شهرت آنها لطمه خواهد خورد. بنابراین همانطور که انتظار دارند سرمایه گذاران موارد شناسایی شده موضوعات کلیدی حسابرسی را با دقت بیشتری بررسی خواهند کرد، ممکن است کیفیت گزارش خود را افزایش دهند (PCAOB, 2017). علاوه بر این، مدیران ممکن است از افشای برخی از حوزه های صورت های مالی در گزارش حسابرس هراس داشته باشند، از اینرو، ممکن است تصمیمات گزارش دهی خود را تغییر دهند و محافظه کارانه تری عمل کنند (راید و همکاران، ۲۰۱۹). به طور خاص، راید و همکاران (۲۰۱۹) استدلال می کنند مدیران به منظور جلوگیری از اظهار نظر

1. Reid et al

2. Sirois

3. Rose et al

◆ موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی ◇ ۷۱

منفی حسابرس حوزه‌هایی که نیازمند قضاوت ذهنی مدیریتی است محافظه کارانه تر رفتار می‌کنند. آنا گلد^۱ (۲۰۲۰) بیان می‌کنند که در حضور کاهش موضوعات کلیدی حسابرسی، مدیران تمایل به ارائه گزارشگری مالی تهاجمی دارند. این اثر حتی زمانی که توصیف مسائل کلیدی حسابرسی از دقت اطلاعاتی پایینی برخوردار است، باقی می‌ماند.

تأثیر افشای موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرس و ریسک گزارش شده توسط مدیریت و تخمین‌ها و قضاوت‌های وی در تحقیق آرجان^۲ و همکاران (۲۰۱۹) نیز به اثبات رسیده است. آنها بیان می‌کنند که حسابرسان تمرکز زیادی روی اقلام ترازنامه به عنوان موضوعات کلیدی حسابرسی دارند. بسیاری از شرکت‌ها ریسک مسائلی مانند قابلیت اطمینان و تداوم سیستم‌های فناوری اطلاعات و رعایت آنها را تشخیص می‌دهند، اما اینها به سختی به عنوان موضوعات کلیدی حسابرسی ذکر می‌شوند. مطالعه آنها نشان داد که موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرس اغلب با رویه‌ها و برآوردهای مهم حسابداری مطابقت دارد زیرا این گزارشها توسط مدیریت در یادداشتهای صورت‌های مالی گزارش می‌شود. با این حال، تنها در ده درصد موارد، ریسک ارائه شده در گزارش‌های مدیران به عنوان موضوعات کلیدی حسابرسی در گزارش جدید حسابرس ذکر شده است (آرجان و همکاران، ۲۰۱۹).

به طور کلی، در نتیجه افزایش بررسی‌های پیش‌بینی شده توسط حسابرس و سرمایه‌گذاران، شفافیت بیشتر با افشای موضوعات کلیدی حسابرسی توسط حسابرس و افزایش پاسخگویی مدیریتی که ارزیابی انتقادی‌تر و کامل‌تر از را موجب می‌شود، منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (گاینور^۳ و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Anna Gold

2. Arjan

3. Gaynor

۴. بحث و نتیجه‌گیری

گزارش حسابرس تنها ابزاری ارتباط حساب‌برسان و ارائه نتیجه حسابرسی به اشخاص ثالث است. تنظیم‌کنندگان استاندارد در سراسر جهان استانداردهای گزارشگری حسابرسی جدید و بازنگری شده را منتشر کرده‌اند. افزایش ارزش اطلاعاتی و سودمندی تصمیم‌گیری گزارش حسابرس برای سرمایه‌گذاران یک تغییر قابل توجه در جریان اجرای استاندارد جدید موضوعات کلیدی حسابرسی است. مسائل کلیدی حسابرسی، با اهمیت‌ترین موضوعات حسابرسی صورت‌های مالی دوره جاری است. بارزترین نوع مسائل کلیدی موضوعات مرتبط با قضاوت‌های مدیران و رفتار گزارشگری مالی است.

این مقاله با مرور مبانی نظری، به حوزه جدید گزارش حسابرسی یعنی افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی، و تأثیر آن بر رفتار گزارشگری مالی پرداخت. بیشتر مباحث مقاله حاضر برگرفته از کار آنا گلد و همکاران (۲۰۲۰) می‌باشد. این نوشتار به ادبیات رو به رشد در موضوعات کلیدی حسابرسی کمک می‌کند. با بررسی مزایای بالقوه شفافیت بیشتر در گزارش حسابرس و قضاوت و تصمیم‌گیری مدیریتی بر اساس تئوری پاسخگویی، پیش‌بینی می‌شود که هرچه نگران‌های احتمالی ناشی از شفافیت بیشتر باشد و سطح پاسخگویی مدیریتی بالاتر باشد، منجر به بهبود کیفیت گزارشگری مالی مدیریتی خواهد شد. اثربخشی موضوعات کلیدی بر رفتار گزارشگری مالی تحت تأثیر سطح دقت اطلاعات افشا شده در گزارش حسابرس قرار می‌گیرد. یافته‌های تجربی تحقیقات پیشین (از جمله آنا گلد و همکاران، ۲۰۲۰) نشان می‌دهد که مدیرانی که گزارش حسابرسی با موضوعات کلیدی حسابرسی دریافت کرده‌اند، نسبت به کسانی که گزارش حسابرسی بدون موضوعات کلیدی حسابرسی بوده است رفتار گزارشگری محافظه‌کارانه تری را نشان می‌دهند و هنگام پیش‌بینی وجود موضوعات کلیدی حسابرسی تمایل به اتخاذ تصمیمات گزارشگری مالی تهاجمی کاهش می‌یابد. همچنین یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که موضوعات کلیدی حسابرس به عنوان یک

♦..... موضوعات کلیدی حسابرسی و رفتار گزارشگری مالی ◇ ۷۳

مکانیسم سودمند برای کاهش رفتار گزارشگری تهاجمی مالی عمل می‌کند و در نهایت منجر به کیفیت بالاتر گزارشگری مالی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج راید و همکاران (۲۰۱۹) همخوانی دارد، که نشان دادند که کیفیت گزارشگری مالی در بریتانیا از طریق افشای موضوعات کلیدی حسابرسی بهبود قابل توجه‌ای داشته است. علاوه بر این، یافته‌ها همسو با ادبیات شفافیت نشان می‌دهد که افشای شفاف می‌تواند منجر به مدیریت کمتر سود شود

در مجموع، به مدیران شرکت‌ها پیشنهاد می‌شود فرض کنند، سرمایه‌گذاران قادر به حدس قضاوت مدیریتی بدون توجه به لحن حسابرسی در موضوعات کلیدی حسابرسی هستند. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که برجسته بودن اطلاعات، مهم‌تر از محتوای خاص اطلاعات است و اینکه به نظر می‌رسد شرایط ارائه ریسک خارجی در گزارش حسابرسی، رفتار گزارشگری تهاجمی را کاهش می‌دهد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت موضوعات کلیدی حسابرسی به عنوان یک مکانیسم پاسخگویی مفید برای کاهش رفتار فرصت طلبانه مدیریت عمل می‌کنند.

منابع و ماخذ

۱. بیرانوند، مهدی، باقرآبادی، سید محمد (۱۳۹۷). تغییرات استانداردهای حسابرسی. مجله حسابداری رسمی، شماره ۴۱، ۴۵-۵۲
۲. جعفری نسب کرمانی، ندا، ملانظری، مهناز، رحمانی، علی، عزیزخانی، مسعود، بزرگ اصل، موسی (۱۳۹۸). شناسایی و افشای موضوع‌های کلیدی حسابرسی در گزارش حسابرسی؛ دیدگاه حسابرسان ایرانی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۸ (۲۹)، ۲۲۸-۲۴۲.
۳. جعفری نسب کرمانی، ندا (۱۳۹۷). موضوع‌های کلیدی حسابرسی، مجله حسابرسی شماره ۹۶.
۴. ملکان، محدثه، کرملو، میثم، حاتمی، علی (۱۴۰۱). بررسی ارتباط چرخش حسابرسی و افشاء موضوعات کلیدی حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نهمین کنفرانس بین المللی توسعه مدیریت، حسابداری و اقتصاد، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲، تفلیس، گرجستان.
۵. یوسفی اصل، فرزانه، ملانظری، مهناز، سلیمانی، غلامرضا (۱۳۹۳). تبیین مدل شفافیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۱۴)، ۱-۳۸.
6. Agoglia, C. P., Douppnik, T. S., & Tsakumis, G. T. (2011). Principles-Based versus Rules-Based Accounting Standards: The Influence of Standard Precision and Audit Committee Strength on Financial Reporting Decisions The Accounting Review, 86(3), 747-767. <https://doi.org/10.2308/accr.00000045>

7. Asbahr, K., & Ruhnke, K. (2019). Real effects of reporting key audit matters on auditors' judgment and choice of action. *International Journal of Auditing*, 23(2), 165–180. <https://doi.org/10.1111/ijau.12154>
8. Ashton, R. H. (1992). Effects of justification and a mechanical aid on judgment performance. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 52(2), 292–306. [https://doi.org/10.1016/0749-5978\(92\)90040-E](https://doi.org/10.1016/0749-5978(92)90040-E)
9. Anna Gold1, Melina Heilmann, Christiane Pott, Johanna Rematzki (2020). Do key audit matters impact financial reporting behavior, *International Journal of Auditing*, 1-13, DOI: 10.1111/ijau.12190
10. Arjan Brouwer, Peter Eimers and Henk Langendijk (2016). The relationship between key audit matters in the new auditor's report and the risks reported in the management report and the estimates and judgments in the notes to the financial statements, (MAB, www.mabonline.nl).
11. Cassell, C. A., Myers, L. A., & Seidel, T. A. (2015). Disclosure transparency about activity in valuation allowance and reserve accounts and accruals-based earnings management. *Accounting, Organizations and Society*, 46, 23–38. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2015.03.004>
12. Christensen, B. E., S. M. Glover, and C. J. Wolfe. 2014. Do Critical Audit Matter Paragraphs in the Audit Report Change Nonprofessional Investors' Decision to Invest? *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 33 (4):71-93.
13. Fields, T. D., Lys, T. Z., & Vincent, L. (2001). Empirical research on accounting choice. *Journal of Accounting and Economics*, 31(1–3), 255–307. [https://doi.org/10.1016/S0165-4101\(01\)00028-3](https://doi.org/10.1016/S0165-4101(01)00028-3)
14. Huayun Z., Meiting Lu, Yaowen Sh., Qingzhuo, L, Ying Zh, (2021). Key audit matters and stock price synchronicity: Evidence from a quasi-natural experiment in China, *International Review of Financial Analysis*, 75 , 101747.

15. IAASB (2015). International standard on auditing (ISA) 701, communicating key audit matters in the independent Auditor's report. New York, N.Y.
16. IAASB (2017). A comparison between IAASB and the US PCAOB standards. New York, N.Y.
17. International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB), Auditor Reporting – illustrative Key Audit Matters, at www.iaasb.org / auditor reporting, 2015.
18. ISA 701, Communication Key Audit Matters in the Independent Auditors report, Available at: https://www.nba.nl/Documents/Weten_Regelgeving/Adviescollege_voor_Beroepsreglementering/naar_een Uitgebreide_controleverklaring/ISA701_0.pdf, 2015.
19. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360. [https://doi.org/10.1016/0304-405X\(76\)90026X](https://doi.org/10.1016/0304-405X(76)90026X).
20. Karsten A., Klaus R. (2019). Real effects of reporting key audit matters on auditors' judgment and choice of action, *Int J Audit.*;23:165–180, DOI: 10.1111/ijau.12154
21. Libby, T., Salterio, S. E., & Webb, A. (2004). The Balanced Scorecard: The Effects of Assurance and Process Accountability on Managerial Judgment. *The Accounting Review*, 79(4), 1075–1094. <https://doi.org/10.2308/accr.2004.79.4.1075>.
22. Key Audit Matters (KAM), June 2016 .30. International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB), Auditor Reporting– Key Audit Matters, at www.iaasb.org / auditor-reportin, 2015 .
23. Kim, S., & Trotman, K. T. (2015). The comparative effect of process and outcome accountability in enhancing professional skepticism. *Accounting and Finance*, 55(4), 1015–1040. <https://doi.org/10.1111/acfi.12084>

24. Pitesa, M., & Thau, S. (2013). Masters of the universe: How power and accountability influence self-serving decisions under moral hazard *Journal of Applied Psychology*, 98(3), 550–558. <https://doi.org/10.1037/a0031697>
25. Public Company Accounting Oversight Board, The Auditor's Report on an Audit of Financial Statements when the Auditor Expresses an Unqualified Opinion and Related Amendments to PCAOB Standards, PCAOB Release No. 2017-001, June 1, 2017.
26. Reid, L. C., Carcello, J. V., Li, C., & Neal, T. L. (2019). Impact of Auditor Report Changes on Financial Reporting Quality and Audit Costs: Evidence from the United Kingdom. *Contemporary Accounting Research*, 31(4), 3–1539. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12486>
27. Rose, J. M., Mazza, C. R., Norman, C. S., & Rose, A. M. (2013). The influence of director stock ownership and board discussion transparency on financial reporting quality. *Accounting, Organizations and Society*, 38(5), 397–405. <https://doi.org/10.1016/j.aos.2013.07.003>
28. Rus, D., van Knippenberg, D., & Wisse, B. (2012). Leader power and self-serving behavior: The Moderating Role of Accountability. *The Leadership Quarterly*, 23(1), 13–26. <https://doi.org/10.1016/j.leaqua.2011.11.002>
29. Tetlock, P. E., & Lerner, J. (1999). *The social contingency model: Identifying empirical and normative boundary conditions on the error-and-bias portrait of human nature*. New York, NY: Guilford Press.
30. Tetlock, P. E. (1985). Accountability: A social check on the fundamental attribution error. *Social Psychology Quarterly*, 48(3), 227–236. Retrieved from <https://journals.sagepub.com/home/spq>
31. Wuttichindanon, S. and Issarawornrawanich, P. (2020). Determining factors of key audit matter disclosure in Thailand, *Pacific Accounting Review*, <https://doi.org/10.1108/PAR-01-2020-0004>

تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس

□ □ □

محمد نبوی^۱

چکیده

بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی و توانایی مدیریت بر روی سیاست‌های شرکت از قبیل خط‌مشی و سیاست‌های حسابداری شرکت موضوع مهمی است؛ چرا که اعتماد بیش از حد می‌تواند منجر به تصمیماتی گردد که ارزش شرکت را از بین می‌برد و تداوم فعالیت شرکت‌ها با خطر ورشکستگی روبه‌رو می‌کند؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت و همچنین آزمون بیشتر به منظور بررسی اثر توانایی مدیریت بر رابطه بیش اطمینانی و اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس صورت گرفته است. در همین راستا نمونه‌ای شامل ۱۱۷ شرکت طی دوره ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ (۸۱۹ شرکت - سال) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند و بر اساس رگرسیون لجستیک فرضیه‌ها آزمون شد. نتایج نشان داد که با افزایش بیش اعتمادی مدیران، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس افزایش پیدا می‌کند و توانایی مدیریتی این ارتباط را تعدیل می‌کند. همچنین، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، بر افزایش میزان اخراج حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر تعدیل شده، تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد که اثرات بیش اطمینانی مدیران بر اخراج حسابرس پس از اظهار نظر حسابرس برای شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف، بیشتر است. **واژگان کلیدی:** بیش اطمینانی مدیران، اظهار نظر حسابرس، تغییر حسابرس، کمیته حسابرسی، توانایی مدیران.

۱. محمد نبوی کد ملی: ۰۰۲۱۵۷۰۱۰۸ شماره تماس: ۰۹۱۲۰۸۹۶۸۴۹

رایانامه: Mohammadrezanbi@gmail.com

۱. مقدمه

محصول نهایی حسابرسی یک واحد تجاری، گزارشی است که در آن، حسابرسان نظر خود را نسبت به اوضاع مالی صاحبکار اظهار می‌کنند. حسابرسان مستقل از طریق اعتبار دهی به صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مورد رسیدگی، آلودگی‌ها را از اطلاعات مالی می‌زدایند و موجب شفافیت و قابل اطمینان اطلاعاتی شرکت‌ها می‌شوند. پس گزارش حسابرس درباره صورت‌های مالی و سایر اطلاعات مالی از مهم‌ترین ابزارهای حصول اطمینان از قابلیت اطمینان اطلاعات شرکت‌ها به شمار می‌رود (هربار و یانگ^۱، ۲۰۱۶). بنابراین اگر حسابرسی در صورت‌های مالی به طور معقول فرض کند که ممکن است اشتباهی در آن‌ها وجود داشته باشد و مدیران شرکت از اصلاح صورت‌های مالی سرباز زنند حسابرس باید یک اظهارنظر مشروط یا اظهارنظر مردود و یا عدم اظهارنظر را بسته به شرایط مربوطه صادر نماید (کریشنن و وانگ^۲، ۲۰۱۵). با این حال، علی‌رغم تعاملات مکرر بین حسابرسان و مدیریت ارشد (به عنوان مثال، مدیر اجرایی و مدیر ارشد مالی) در فرآیند حسابرسی، ادبیات نسبتاً کمی در مورد اینکه آیا حسابرسان در تصمیمات حسابرسی خود ویژگی‌های مدیران صاحبکار را در نظر می‌گیرند یا اینکه چگونه ویژگی‌های مدیریتی همچون بیش اعتمادی و توانایی مدیریت بر روابط حسابرسان و مشتری تأثیر می‌گذارد، وجود دارد (بن دیوید و همکاران^۳، ۲۰۱۳؛ مالمندیر و تیت^۴، ۲۰۰۸).

بیش اعتمادی پدیده‌ای شناخته‌شده در روانشناسی است که بیان می‌کند افراد درباره توانایی‌هایی خود، از جمله قدرت پیش‌بینی، ادراک اطلاعاتی و دانش خود، اغراق می‌کنند.

-
1. Hribar and Yang
 2. Krishnan and Wang
 3. Ben-David et al
 4. Malmendier and Tate

به بیان دیگر به توانایی‌ها و دانش خود اعتماد بیش از حد دارند (احمد و دوئلمن^۱، ۲۰۱۳). از طرفی، حسابرسان شایستگی مدیر را در هنگام ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط صاحبکار در نظر می‌گیرند. حسابرسان در موقعیتی قرار دارند که آنها را قادر می‌سازد مدیران واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس را از مدیران بسیار شایسته تشخیص دهند. از یک سو، ممکن است، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، چشم انداز بیش از حد مثبت را حتی در طول دوره پریشانی مالی حفظ می‌کنند. اگر برنامه مدیریت برای اصلاح شرایط مضطرب منعکس کننده درک آنها باشد، حسابرسان به احتمال زیاد به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیر قابل اعتماد است تصمیم به صدور نظر تعدیل شده می‌گیرند (اندرسون و همکاران^۲، ۲۰۱۲). از سوی دیگر، اگر ویژگی‌های شرکت، منعکس کننده تصمیمات تهاجمی اتخاذ شده توسط مدیریت بیش از حد اعتماد به نفس باشد و شرکت ریسک بالاتر را در فعالیت‌ها و عملکرد خود تجربه کرده است و در این جهت به موفقیت رسیده باشد، پس اعتماد بیش از حد مدیریتی منجر به تعدیل گزارش حسابرس نمی‌شود. همچنین، اگر حسابرسان متقاعد شوند که این مدیران به خاطر داشتن صلاحیت و دیدگاه مثبت دارای اعتماد به نفس هستند و به این نتیجه برسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر تردید اساسی در مورد توانایی شرکت مشتری کافی است، به صدور گزارش تعدیل نشده می‌پردازد (کیم^۳، ۲۰۲۱).

با این حال، مدیران که بیش از حد اعتماد به نفس به نظر می‌رسند همیشه توانایی‌های یکسانی ندارند. از آنجایی که حسابرسان به قابلیت اطمینان شواهد حسابرسی حساس هستند و مدیریت مشتری یکی از منابع اصلی شواهد است، حسابرسان شایستگی مدیر را در هنگام

۱. Ahmed and Duellman

۲. Anderson

۳. Kim

ارزیابی اطلاعات ارائه شده توسط صاحبکار در نظر می‌گیرند. بنابراین به نظر می‌رسد حسابرسان، توانایی تشخیص شخصیت به ظاهر اعتماد به نفس بالای مدیران را داشته باشند پس اگر مدیران را با توانایی بالا شناسایی کنند سعی می‌کنند اظهار نظر غیرقبول کمتری را ارائه نمایند (کریشن و وانگ، ۲۰۱۵).

تحقیقاتی قبلی نشان می‌دهد که زمانی که حسابرس از رفتارهای حسابداری شرکت پشتیبانی نمی‌کند یا نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که یک شرکت رابطه خود را با حسابرس خاتمه دهد. مدیرانی که دارای اعتماد به نفس بیش از حد هستند، به نظر می‌رسند تمایل دارند که سوگیری خوش بینانه‌ای نسبت به آینده نشان دهند. مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد که رفتارهای پیش بینی سود خوشبینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش بینی ناشی از خوش بینی آنها تغییر دهند. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهار نظر زمانی که مدیریت ظاهراً بیش از حد مطمئن است، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است (بانرجی و همکاران^۱، ۲۰۱۸). از طرفی وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر یا کمیته حسابرسی با تخصص بیشتر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد (کیم، ۲۰۲۱).

بر اساس آنچه مطرح شد، تا به امروز پژوهش‌های زیادی در خصوص تأثیر عوامل مختلفی بر نوع گزارش حسابرس صورت گرفته است. اما تاکنون موضوع، مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد و اظهار نظر حسابرس و خاتمه فعالیت حسابرس با تأکید بر توانایی مدیریتی و کمیته حسابرسی توسط پژوهشگران مورد مطالعه و بررسی قرار نگرفته است و برای نخستین بار در ایران به آن پرداخته شده است.

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۸۳

در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه و فرضیه‌ها تدوین شده‌اند. سپس، روش پژوهش شامل نمونه پژوهش و مدل‌های پژوهش تدوین شده است. همچنین یافته‌های پژوهش شامل آمار توصیفی و برآزش مدل‌های پژوهش گزارش شده است. بخش‌هایی نیز به نتیجه‌گیری اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و اظهار نظر حسابرس

مطالعات متعددی بدنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه اعتماد به نفس بیش از حد مدیر بر تصمیمات سرمایه‌گذاری شرکت تأثیر می‌گذارد. در این راستا گوئل و تاکور (۲۰۰۸) بیان کردند که شرکت‌ها به طور متوسط یک مدیر عامل با اعتماد به نفس بیش از حد را ترجیح می‌دهند، زیرا هزینه کمتری جهت انگیزه دادن به مدیر برای انجام پروژه‌های مخاطره‌آمیز دارند. با این حال، از آنجایی که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد توانایی خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند و در تولید اطلاعات، سرمایه‌گذاری کمتری می‌کنند، اعتماد بیش از حد، اگر از یک نقطه بهینه فراتر برود می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیر منفی بگذارد. مالمندیر و تیت (۲۰۰۸) دریافتند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، به احتمال بیشتری خرید انجام می‌دهند و تمایل به پرداخت اضافی برای هدف شرکت دارند. آنها همچنین شواهدی را ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد، سرمایه‌گذاری داخلی را به سرمایه‌گذاری خارجی ترجیح می‌دهند، زیرا بر اساس این تصور که ارزش شرکت‌شان کمتر ارزش‌گذاری شده است، منابع مالی خارجی را پرهزینه می‌دانند. هیرشلیفر و همکاران^۱ (۲۰۱۲) دریافتند مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد می‌توانند منجر به افزایش ارزش شرکت در صنایع بسیار نوآور شود. در حالی که بانرجی و همکاران (۲۰۱۸) دریافتند که

1. Hirshleifer et al.

سرمایه‌گذاران بیشتر احتمال دارد که علیه شرکت‌هایی با مدیریت بیش اعتماد، پرونده‌های حقوقی تشکیل دهند. بازارهای بدهی نیز به اعتماد بیش از حد مدیریتی واکنش نشان می‌دهند. ساندر و همکاران^۱ (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که دارندگان اوراق قرضه زمانی که شرکت مدیر بیش اعتماد دارد، محدودیت‌های پیمانکاری بیشتری را طلب می‌کنند. به علاوه، هریبار و همکاران^۲ (۲۰۱۲) نشان می‌دهند اعتماد بیش از حد مدیریتی با رتبه‌های اعتباری پایین تر همراه است. در مجموع، این مطالعات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و نهاد‌های نظارتی، اعتماد بیش از حد مدیریتی را به عنوان یک عامل خطر افزایش دهنده، ریسک شرکت می‌دانند.

تعدادی از مطالعات تأثیر اعتماد بیش از حد مدیران بر گزارشگری مالی و کیفیت افشا را بررسی می‌کنند. برای مثال، هریبار و یانگ (۲۰۱۶) نشان می‌دهند مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد به احتمال زیاد به پیش بینی سود بیش از حد خوش بینانه می‌پردازد. کوه و همکاران^۳ (۲۰۱۸) نشان دادند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد به احتمال زیاد هزینه‌های تحقیق و توسعه بیشتری را گزارش می‌کنند. در حالی که آنها نسبت به سایر گروه شرکت‌های کنترل نتوانستند نوآوری بیشتری از خود نشان دهند. در رابطه با حساب‌برسان، هریبار و همکاران (۲۰۱۲) و دولمن و همکاران^۴ (۲۰۱۵) بیان کردند که حساب‌برسان حق الزحمه حسابرسی بالاتری را از شرکت‌هایی با مدیریت بیش اعتماد دریافت می‌کنند، که نشان می‌دهد حساب‌برسان تشخیص می‌دهند که ریسک حسابرسی و یا تلاش آنها در حضور مدیریت بیش اعتماد افزایش می‌یابد.

-
1. Sunder et al.
 2. Hribar et al.
 3. Koh et al.
 4. Duellman et al.

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۸۵

خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای نشان دادند بین بیش اعتمادی مدیریت با اظهار نظر حسابرس رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بیش اعتمادی مدیریت با احتمال تغییر حسابرس پس از صدور اظهار نظر حسابرس رابطه معنی‌داری دارد. کیمیایی (۱۳۹۶) نیز نشان می‌دهد که هرچه اطمینان مدیریت در شرکت‌ها بیشتر باشد، حسابرس بیشتر در مورد تداوم عملیات اظهار نظر خواهد کرد.

در کل دوروش وجود دارد که اعتماد بیش از حد مدیریتی می‌تواند بر تصمیم حسابرس برای صدور نظر تداوم، فعالیت تأثیر بگذارد. اولاً، افراد با اعتماد به نفس، ذاتاً نسبت به آینده خوش بین هستند و عدم اطمینان آتی را دست کم می‌گیرند. احتمالاً، مدیران بیش اعتماد، چشم انداز بیش از حد مثبت را حتی در طول دوره پریشانی مالی حفظ کنند. اگر برنامه مدیریت برای اصلاح شرایط پریشانی مالی منعکس کننده تصور آنها باشد، حسابرسان به احتمال زیاد به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیرقابل اعتماد است و تصمیم به صدور اظهار نظر حسابرس می‌گیرند (کیم، ۲۰۲۱). ثانیاً، صرف نظر از برنامه‌های ارائه شده، حضور مدیریت بیش اعتماد، در صورتی که حسابرس اعتماد بیش از حد را عاملی بداند که ریسک تجاری مشتری را افزایش می‌دهد، می‌تواند شک حرفه‌ای حسابرس را افزایش دهد و ارزیابی حسابرس از توانایی شرکت برای ادامه فعالیت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، دلایل متعددی وجود دارد که چرا اعتماد بیش از حد مدیریتی ممکن است تأثیر مثبتی بر نوع اظهار نظر حسابرس نداشته باشد. اول، پاسخ حسابرس به مدیری که بیش از حد اعتماد به نفس دارد بستگی به این دارد که حسابرس، شخصیت بیش اعتمادی را کارآمد می‌داند یا قادر به تشخیص سوگیری افراد و ارزیابی تأثیر آن بر عملکرد شرکت است. ادبیات روانشناسی نشان می‌دهد که مردم به طور کلی یک فرد با اعتماد به نفس بیش از حد را به عنوان بسیار شایسته درک می‌کنند (اندرسون و همکاران، ۲۰۱۲). تحقیقات رفتاری در حسابرسی همچنین

شواهدی را نشان می‌دهد که قضاوت‌های حرفه‌ای حسابرسان می‌تواند تحت تأثیر مشتریان باشد.

در مجموع، این امکان وجود دارد که حضور مدیریت بیش اعتماد بتواند بر حسابرسان تأثیر بگذارد تا به این نتیجه برسند که شرکت می‌تواند برای مدت معقولی به فعالیت خود ادامه دهد. با این حال، به دنبال یافته‌های ادبیات قبلی مبنی بر اینکه طرف‌های نظارتی که با یک شرکت معامله می‌کنند، نسبت به اعتماد بیش از حد مدیریتی (یا خوش‌بینی) واکنش منفی (یا بدبینانه) نشان می‌دهند، پیش‌بینی می‌شود که حسابرس احتمال بیشتری دارد که اظهارنظر حسابرس را برای شرکت با مدیرانی که بیش از حد مطمئن هستند صادر کند.

۲-۲- توانایی مدیریتی، اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و اظهارنظر حسابرس

تعدادی از مطالعات در مورد اعتماد بیش از حد نشان می‌دهد افرادی که رفتارهای بیش اعتمادی از خود نشان می‌دهند را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: (۱) افراد با اعتماد به نفس که توانایی بالایی نیز دارند و (۲) افرادی که به اشتباه معتقدند توانایی بالایی دارند. در حالی که هر دو گروه به ظاهر بیش اعتماد هستند، می‌توان نتیجه گرفت که فقط گروه دوم باور نابجا در مورد توانایی خود دارند. از آنجایی که اعتماد بیش از حد نشان دهنده عدم تطابق بین ادراک و واقعیت است، گروه اول واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس ندارند (مرکل و وبر، ۲۰۱۱). اگر یک مدیر به ظاهر بیش اعتماد نیز توانایی بالایی داشته باشد و بنابراین تفاوت کمتری بین توانایی درک شده و توانایی واقعی آنها وجود داشته باشد، ممکن است این مدیر نسبت به آینده بیش از حد خوشبین باشد یا عدم اطمینان ذاتی آن را دست کم بگیرد. با توجه به رابطه نزدیک بین حسابرسان و مدیریت صاحبکار، حسابرسان فرصت‌هایی برای مشاهده اقدامات مدیران و ارزیابی توانایی آنها دارند. بنابراین، حسابرسان می‌توانند بین یک مدیر با

◆..... تأثیر ویژگی های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۸۷

توانایی بالا و یک مدیر با توانایی پایین، که هر دو رفتارهای بیش اعتمادی را از خود نشان می دهند، تمایز قائل شوند.

مطالعات اخیر یافته های متفاوتی را ارائه کرده است. در حالی که بایک و همکاران^۱ (۲۰۱۸) رابطه مثبتی بین توانایی مدیریتی و محیط اطلاعاتی یک شرکت پیدا کردند، دمرجیان و همکاران^۲ (۲۰۲۰) گزارش می دهند که مدیران با توانایی بالا به احتمال زیاد عمداً سود را هموار می کنند. گل و همکاران^۳ (۲۰۱۸) همچنین دریافتند که مدیران با توانایی بالاتر، زمانی که شرکت از نظر مالی دچار مشکل است، بیشتر در گزارشگری مالی فرصت طلبانه شرکت می کنند. در ایران نیز علی مرادی و عبدی (۱۳۹۹) بیان کردند که بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داده است که رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس در شرکت هایی با کمیته حسابرسی قوی، نسبت به شرکت هایی با مدیریت قوی، قوی تر است. همچنین یافته های این پژوهش حاکی از آن هست که توانایی مدیران بر رابطه بین بیش اطمینانی و صدور گزارش حسابرس اثر معناداری نداشته است. بهار مقدم و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین توانایی مدیریت و حق الزحمه حسابرسان و همچنین توانایی مدیریت با امکان انتشار گزارش حسابرس، رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین، می توان بیان کرد که توانایی مدیریتی می تواند ارتباط بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و احتمال اظهار نظر غیر مقبول را کاهش دهد، زیرا حسابرسان احتمالاً می توانند مدیران مطمئنی را که توانایی بالایی دارند از مدیرانی که در واقع بیش از حد به توانایی های خود اطمینان دارند متمایز کنند.

1. Baik et al.

2. Demerjian et al.

3. Gul et al.

۲-۳- اعتماد به نفس بیش از حد مدیران، خاتمه فعالیت حسابرس و کمیته حسابرسی قوی

تحقیقات قبلی نشان می‌دهد زمانی که حسابرس از روش‌های حسابداری شرکت پشتیبانی نمی‌کند یا اظهار نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، یک شرکت به احتمال زیاد رابطه خود را با حسابرس خاتمه می‌دهد (لنوکس، ۲۰۰۰). سیترون و تافلر (۱۹۹۲) متوجه شدند که شرکت‌ها به احتمال زیاد حسابرسان خود را پس از دریافت اظهار نظر غیرمقبول اخراج می‌کنند. تغییر حسابرس پس از اظهار نظر تعدیل شده می‌تواند به دلیل تضاد بین مدیریت و حسابرس در رابطه با اظهار نظر حسابرسی باشد. اگرچه قانون سایبرز اوکسلی ۲ در سال ۲۰۰۲ کمیته‌های حسابرسی کاملاً مستقل را ملزم می‌کند که مسئول مستقیم انتصاب، جبران خسارت و نظارت بر کار هر شرکت حسابداری عمومی ثبت شده باشند. دهلیوال و همکاران (۲۰۱۵) مطرح می‌نمایند که مدیران همچنان بر تصمیمات انتخاب حسابرس در دوره پس از قانون سایبرز اوکسلی تأثیر می‌گذارند، بر این اساس، انتظار بر این است که ویژگی‌های شخصی مدیران می‌تواند بر تصمیم شرکت برای خاتمه دادن به رابطه با حسابرس پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده تأثیر بگذارد.

همانطور که در بالا مورد بحث قرار گرفت، مدیرانی که بیش اعتماد به نظر می‌رسند تمایل دارند سوگیری خوش بینانه‌ای نسبت به آینده نشان دهند. چن همکاران (۲۰۱۵) مشاهده کردند که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد نسبت به سایر مدیران کمتر احتمال دارد که رفتارهای پیش بینی سود خوشبینانه خود را پس از مواجهه با خطاهای پیش بینی منتسب به

-
1. Taffler & Citron
 2. Sarbanes-Oxley
 3. Dhaliwal et al
 4. Chen

خوش بینی آنها تغییر دهند. این نشان می‌دهد که مدیران با اعتماد به نفس بیش از حد تمایل دارند تعصب خوش بینانه خود را حتی پس از دریافت بازخورد اصلاحی (مثلاً اظهار نظر تعدیل شده حسابرسان) حفظ کنند. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهار نظر غیرمقبول، زمانی که مدیریت ظاهراً بیش اعتماد باشد، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است.

علاوه بر این، ارتباط بین یک ویژگی مدیریتی و خاتمه حسابرس پس از اظهار نظر تعدیل شده، زمانی که یک کمیته حسابرسی قوی بتواند تعارض را کاهش دهد، ضعیف تر می‌شود. کارسلو و نیل (۲۰۰۳) دریافتند که وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر یا کمیته حسابرسی با تخصص بیشتر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد. بک و مولدین (۲۰۱۴) از کاهش حق الزحمه حسابرسی در طول رکود اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۹ استفاده کردند و نشان دادند که قدرت نسبی بین یک مدیر مالی و کمیته حسابرسی می‌تواند بر مذاکرات حق الزحمه حسابرسی تأثیر بگذارد. یک شرکت می‌تواند تصمیم بگیرد که حق الزحمه حسابرسی خود را برای کاهش هزینه‌ها و بهبود سود خالص (که مدیر مالی ترجیح می‌دهد) کاهش دهد. یا عدم کاهش حق الزحمه حسابرسی و احتمالاً حفظ کیفیت حسابرسی بالاتر را مدنظر بگیرد (که در خدمت هدف کمیته حسابرسی است). بر اساس این مطالعات، پیش بینی می‌شود که وقتی کمیته حسابرسی شرکت قوی باشد، ارتباط قوی‌تری بین اعتماد بیش از حد مدیریتی و احتمال خاتمه فعالیت حسابرس وجود دارد، زیرا مدیریت قدرتمندتر اختیار تصمیم‌گیری بیشتری در شرکت دارد. در ایران نیز کنعانی و همکاران (۱۳۹۸) نشان دادند که بین کارایی مدیریت و تغییر

حسابرس رابطه معنی داری وجود ندارد. با این حال، متغیر تعدیل کننده عدم تقارن اطلاعات، رابطه بین کارایی مدیریت و تغییر حسابرس را به صورت معناداری تعدیل نمود.

۲-۴- فرضیه های پژوهش

بر اساس مطالعات و مبانی نظری مطرح شده فرضیه های پژوهش به شرح زیر است:

فرضیه ۱: بیش اعتمادی مدیران با اظهار نظر حسابرس ارتباط مثبت دارد.

فرضیه ۲: توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و صدور اظهار نظر حسابرس را تعدیل می نماید.

فرضیه ۳: در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد.

فرضیه ۴: در شرکت های با کمیته حسابرسی ضعیف، رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و تغییر حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، مثبت است.

۳- روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۴-۱۴۰۰ است که پس از اعمال محدودیت های زیر، ۱۱۷ شرکت (۸۱۹ مشاهده سال - شرکت) از مجموع شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی ماند که برای جامعه در دسترس مطالعه شدند. شایان ذکر است داده ها از روی صورت های مالی حسابرسی شده شرکت های بورسی منتشره در سایت های کدال و اطلاعات اعلام شده از سوی جامعه حسابداران رسمی به صورت دستی جمع آوری شده است. همچنین تجزیه و تحلیل نهایی داده ها به کمک نرم افزار Stata انجام گرفته است.

شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

♦..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۹۱

شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.

به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها به پایان اسفند ختم شود. اطلاعات و داده‌های آن‌ها در دسترس باشد.

۳-۱- مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

بر اساس مطالعات کیم (۲۰۲۱) برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل ۱ تا ۳ استفاده می‌شود.

مدل ۱:

$$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Over_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_1 در صورتی که معنادار باشد آنگاه فرضیه اول، تأیید می‌شود.

مدل ۲:

$$GC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Over_{i,t} + \beta_2 Ability_{i,t} + \beta_3 Over_{i,t} * Ability_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_3 در صورتی که معنادار باشد آنگاه فرضیه دوم، تأیید می‌شود.

مدل‌های مربوط به فرضیه سوم و چهارم بر اساس رابطه زیر آزمون می‌شود.

مدل ۳:

$$TERMINATED_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 OVER_{i,t} + \beta_2 GC_{i,t} + \beta_3 OVER_{i,t} \times GC_{i,t} + Contorols_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

ضریب β_3 در صورتی که مثبت و معنادار باشد آنگاه فرضیه سوم، تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم را با برآورد مدل بالا به طور جداگانه برای گروه "کمیته حسابرسی قوی و گروه

کمیته حسابرسی ضعیف، آزمون می‌کنیم. پیش بینی می‌شود که برآورد ضریب

برای گروه کمیته حسابرسی ضعیف، قوی تر باشد زیرا به احتمال زیاد مدیران $OVER_{i,t} \times GC_{i,t}$

قدرتمند می‌توانند از اختیار خود در مورد استخدام/اخراج یک حسابرس استفاده کنند و این

شرایط در صورت وجود کمیته حسابرسی ضعیف اتفاق خواهد افتاد. انتظار می‌رود که β_3 برای

گروه کمیته حسابرسی ضعیف از لحاظ آماری و اقتصادی معنادار باشد.

متغیر وابسته:

اظهار نظر حسابرس (GC)؛ در صورتی که شرکت، اظهار نظر غیر مقبول دریافت کرده باشد برابر با یک و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

در مدل ۳، متغیر وابسته به شرح زیر است:

تغییر حسابرس (Terminated): اگر حسابرس در سال بعد از گزارش تعدیل شده تغییر کند یک و در غیر اینصورت صفر می‌شود (کیم، ۲۰۲۱).

متغیر مستقل:

بیش اعتمادی مدیران (Over): برای اندازه‌گیری بیش اطمینانی مدیر ابتدا متغیر سرمایه‌گذاری بر روی دارایی‌ها و رشد فروش محاسبه می‌گردد سپس مدل زیر تخمین زده شده، و باقیمانده‌ها حاصل می‌شود. در صورتی که مقدار باقیمانده مثبت باشد نشان دهنده سرمایه‌گذاری بیش از حد بر دارایی‌ها و بیش اطمینانی مدیر که این متغیر مقدار ۱ را اختیار می‌کند در غیر این صورت صفر. در واقع شرکت‌هایی که دارایی‌ها با نرخ بالاتری نسبت به فروش رشد می‌کنند مدیران نسبت به هم‌تایان خود بیشتر در شرکت سرمایه‌گذاری می‌کنند یعنی بیش سرمایه‌گذار هستند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۹).

مدل ۴:

$$\Delta Assets_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta Sales Growth_{i,t} + \varepsilon$$

$\Delta Assets_{i,t}$: جمع کل دارایی‌های سال جاری منهای جمع کل دارایی‌های سال قبل تقسیم

بر جمع کل دارایی‌های سال قبل.

$\Delta Sales Growth_{i,t}$: فروش سال جاری منهای فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل

متغیر تعدیلگر:

توانایی مدیریت (Ability): برای اندازه‌گیری توانایی مدیریت بر اساس مدل دمرجیان و

همکاران (۲۰۱۲)، عمل می‌شود. در مدل مذکور، با استفاده از کارایی شرکت، بعنوان متغیر

◆ تأثیر ویژگی های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۹۳

وابسته و کنترل ویژگیهای ذاتی شرکت، توانایی مدیریت محاسبه خواهد شد. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، برای اندازه گیری کارایی شرکت، از الگوی تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده کردند (بصورت هر صنعت جداگانه) که بر اساس آن، درآمد حاصل از فروش بعنوان خروجی (sale) و متغیرهای بهای تمام شده کالای فروش رفته (COGS)، هزینه‌های عمومی، اداری و فروش (SG&A)، خالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات (PPE)، هزینه اجاره عملیاتی (OPSLEASE)، هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D)، سرقفلی (GoodWill) و داراییهای نامشهود (OtherIntan)، بعنوان ورودی در نظر گرفته شده‌اند که به مقدار زیادی، حق انتخاب مدیریت در دستیابی به درآمد مورد نظر را پوشش می‌دهند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). با توجه به اینکه اغلب شرکت‌ها سرقفلی، هزینه تحقیق و توسعه و هزینه اجاره عملیاتی را گزارش نمی‌کنند در حین تحلیل پوششی این دو متغیر حذف می‌گردد.

$$\text{مدل ۵:} \quad \max_{y_8} \quad \text{sale} \\ = \frac{\text{sale}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{OPSLEASE} + v_5 \text{R\&D} + v_6 \text{GoodWill} + v_7 \text{OtherIntan}}$$

هدف از محاسبه کارایی شرکت، اندازه گیری توانایی مدیریت می‌باشد و از آنجایی که در محاسبات مربوط به کارایی (رابطه ۲)، ویژگی های ذاتی شرکت نیز دخالت دارد، نمی‌توان توانایی مدیریت را به درستی اندازه گیری نمود. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، به منظور کنترل ویژگیهای ذاتی شرکت در الگوی ارائه شده، کارایی شرکت را به دو بخش جداگانه، یعنی کارایی بر اساس ویژگی های ذاتی شرکت و توانایی مدیریت تقسیم نموده‌اند. آنان این کار را با استفاده از کنترل پنج ویژگی خاص شرکت شامل اندازه شرکت، سهم بازار از شرکت، جریان نقدی شرکت، عمر پذیرش شرکت در بورس و صادرات انجام دادند. هر کدام از متغیرهای مذکور که ویژگی های ذاتی شرکت هستند، میتوانند به مدیریت کمک نمایند تا تصمیمات بهتری را اتخاذ کرده یا در جهت عکس عمل کرده و توانایی مدیریت را محدود سازند.

$$\text{مدل ۶:} \quad \text{FirmEfficiency} = \beta_0 + \beta_1 \text{Size} + \beta_2 \text{Market Share} + \beta_3 \text{Free Cash Flow Indicator} \\ + \beta_4 \text{Age} + \beta_5 \text{Foreign Currency Indicator} + \varepsilon$$

مدل ۶ بر اساس یک الگوی رگرسیونی توبیت برآورد می‌شود. در این مدل: **Firm Efficiency**، کارایی شرکت، که از مدل ۵، استخراج شده است. **Size**، اندازه شرکت، که بیانگر لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت است، **Market Share**، سهم بازار شرکت ز در سال t که برابر است با نسبت فروش شرکت به فروش صنعت. **Free Cash Flow Indicator**، افزایش (کاهش) در جریان‌های نقدی عملیاتی شرکت ز در سال t ، نسبت به سال قبل می‌باشد که در صورت افزایش در جریان‌های نقدی، امتیاز یک و در صورت کاهش، امتیاز صفر به شرکت تعلق می‌گیرد.

Age، عمر شرکت که عبارت است از تفاوت سال‌های پذیرفته شدن شرکت در بورس تا دوره مورد بررسی، **Foreign Currency Indicator**، صادرات بوده و در صورتی که شرکت، صادرات داشته باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت، به شرکت امتیاز صفر تعلق می‌گیرد و ϵ ، پسماند مدل بوده و نشان دهنده توانایی مدیریت می‌باشد. بر اساس این اندازه‌گیری، دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲)، رتبه‌های مختلفی از توانایی‌های مدیریتی را براساس سال و صنعت ایجاد می‌کنند تا امتیاز را در طول زمان و صنایع قابل مقایسه‌تر کنند و تأثیر عوامل پرت را کاهش دهد. قدرت کمیته حسابرسی (AC): قدرت کمیته حسابرسی بر اساس اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE)، تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP) و استقلال کمیته حسابرسی (ACIND) اندازه‌گیری می‌شود. سپس متغیرهای مورد نظر بر اساس روش تحلیل مولفه اساسی (PCA) تجمیع شده و در نهایت بر اساس میانه به متغیر دو ارزشی برای کمیته حسابرسی قوی و ضعیف محاسبه می‌شود.

استقلال کمیته حسابرسی (ACIND): درصد اعضای غیر موظف به کل اعضای کمیته حسابرسی است.

اندازه کمیته حسابرسی (ACSIZE): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد اعضای کمیته حسابرسی.

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۹۵

تخصص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP): برابر است با نسبت اعضای دارای تخصص مالی به کل اعضای کمیته حسابرسی.

متغیرهای کنترلی نیز به شرح زیر است:

اندازه شرکت (Size): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛ اهرم مالی (Leverage): نسبت مجموع بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ نوسانات بازده (Volatility): واریانس بازده ماهانه سهام در طول سال مالی؛ زیان ده بودن (Loss): متغیر شاخص برابر با یک در صورتی که شرکت در سال قبل سود منفی داشته باشد. صفر در غیر این صورت؛ سرمایه‌گذاری (Invest): اوراق بهادار سرمایه‌گذاری کوتاه مدت و بلندمدت (شامل وجه نقد و معادل‌های نقدی) که در پایان سال تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ نسبت جریان نقدی عملیاتی (CFO): جریان نقدی عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ رشد (Growth): تغییر در فروش سال جاری و سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل؛ نگهداشت وجه نقد (Cash): وجه نقد تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ بازده دارایی (ROA): بازده دارایی‌ها (درآمد خالص قبل از اقلام فوق العاده تقسیم بر دارایی‌ها)؛ موجودی و حساب دریافتی (InvRec): مجموع موجودی‌ها و حساب‌های دریافتی تقسیم بر کل دارایی‌ها؛ دوره تصدی حسابرس (Tenure): تعداد سال‌های متوالی که مؤسسه حسابرسی یک شرکت را حسابرسی می‌کند؛ نوع مؤسسه حسابرسی (AudType): متغیر شاخص برابر با یک اگر شرکت توسط یک شرکت حسابرسی بزرگ (سازمان حسابرسی) شود. صفر در غیر این صورت؛ سال و صنعت (Ind&Year): سال و صنعت متغیرهای دو ارزشی برای کنترل سال‌ها و صنایع مختلف است.

۴- یافته‌های پژوهش

در جدول (۱) آماره‌های توصیفی مرتبط با مدل‌ها درج شده است. مطابق با نتایج به دست آمده، میانگین توانایی مدیریت برابر با ۰/۰۰۵- است. این نتایج در راستای پژوهش سرلک و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد. سایر پارامترهای توصیفی برای متغیرها نیز در جدول قابل ملاحظه است. برای متغیرهای گسسته نیز فراوانی و درصد فراوانی آورده شده است.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پنل الف) متغیرهای پیوسته						
متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
توانایی مدیریت	Ability	-0.005	-0.030	0.342	-0.358	0.222
اندازه شرکت	Size	14.657	14.566	17.061	12.602	1.170
اهرم مالی	Leverage	0.592	0.584	1.065	0.209	0.225
نوسانات بازده	Volatility	0.036	0.025	0.124	0.002	0.033
سرمایه‌گذاری	Invest	0.121	0.075	0.417	0.006	0.119
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	0.101	0.086	0.331	-0.072	0.108
رشد	Growth	0.295	0.198	1.321	-0.291	0.429
نگهداشت وجه نقد	Cash	0.039	0.025	0.137	0.002	0.038
بازده دارایی	ROA	0.113	0.090	0.406	-0.145	0.138
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	0.547	0.548	0.849	0.195	0.187
دوره تصدی حسابرس	Tenure	2.232	2.000	7.000	1.000	1.425
پنل ب) متغیرهای گسسته						
متغیر	نماد	فراوانی		درصد فراوانی		
		یک	صفر	یک	صفر	
اظهارنظر حسابرس	GC	425	394	51.89	48.11	
تغییر حسابرس	Terminated	241	578	29.43	70.57	
بیش اعتمادی مدیران	Over	262	557	31.99	68.01	
قدرت کمیته حسابرسی	AC	398	421	48.60	51.40	
زیان ده بودن	Loss	119	700	14.53	85.47	
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	164	655	20.02	79.98	

◆ تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۹۷

برای آزمون فرضیه اول پژوهش مبنی بر اینکه بیش اعتمادی مدیران با دریافت اظهار نظر حسابرس ارتباط مثبت دارد، از نتایج مدل ارائه شده در جدول ۲ استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، آماره والد برابر با $155/46$ است و مقدار احتمال (سطح معناداری) آماره والد برابر $0/000$ بوده و چون این مقدار کمتر از $0/05$ است، فرض صفر در سطح اطمینان 95% رد می‌شود، یعنی مدل در حالت کلی معنادار است. نتایج مربوط به ضریب تعیین پسودو نشان می‌دهد که $18/3$ درصد از تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند. لازم به ذکر است ضریب تعیین پسودو در رگرسیون لجستیک دارای مقادیر کوچک است لذا نگرانی از این بابت نیست. با بررسی ضرایب مدل ارائه شده، مشاهده می‌شود که ضریب بیش اعتمادی مدیران برابر با $0/356$ است که طبق آماره Z در سطح احتمال 95 درصد این متغیر معنادار نیست اما در سطح 90 درصد معنادار است. بنابراین می‌توان بیان کرد که با افزایش بیش اعتمادی مدیران، میزان اظهار نظر غیرمقبول افزایش پیدا می‌کند. لذا فرضیه اول تأیید می‌شود.

با بررسی سایر متغیرها می‌تواند دریافت که افزایش اهرم مالی، نسبت جریان نقدی عملیاتی، نگهداشت وجه نقد و بازده دارایی منجر به کاهش احتمال اظهار نظر حسابرس می‌شود. با این حال افزایش سرمایه‌گذاری منجر به افزایش احتمال اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت می‌شود. سایر عوامل تأثیر معناداری بر اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت ندارد. سال و صنعت نیز متغیرهای دو ارزشی مربوط به سال‌ها و صنایع مختلف (مجموعاً 18 متغیر) است که در مدل قرار گرفتند و به دلیل تعداد زیاد متغیرها، از ارائه نتایج آنه صرف نظر شد.

جدول ۲: آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره Z	احتمال آماره Z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.356	0.190	1.870	0.061
اندازه شرکت	Size	0.095	0.098	0.970	0.331
اهرم مالی	Leverage	-	-	-	-
نوسانات بازده	Volatility	2.922	2.958	0.990	0.323
زیان ده بودن	Loss	0.437	0.331	1.320	0.187
سرمایه‌گذاری	Invest	3.796	0.835	4.550	0.000
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-	-	-	-
		2.990	0.973	3.070	0.002
رشد	Growth	-	-	-	-
		0.445	0.402	1.110	0.268
نگهداشت وجه نقد	Cash	-	-	-	-
		5.761	2.640	2.180	0.029
بازده دارایی	ROA	-	-	-	-
		4.815	1.129	4.260	0.000
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	0.863	0.601	1.430	0.151
دوره تصدی حسابرس	Tenure	-	-	-	-
		0.040	0.070	0.570	0.570
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	0.219	0.252	0.870	0.384
مقدار ثابت	C	-	-	-	-
		0.650	1.560	0.420	0.677
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
155.460	0.000	0.183			

برای آزمون دوم پژوهش مبنی بر اینکه توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر حسابرس غیر مقبول را تعدیل می‌نماید، از نتایج مدل ارائه‌شده در جدول ۳ استفاده می‌شود. با بررسی ضرایب مدل ارائه‌شده، مشاهده می‌شود که ضریب متغیر اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و توانایی مدیریت برابر با $-۱/۶۴۲$ است که طبق آماره z در سطح احتمال ۹۵ درصد این متغیر معنادار است. بنابراین می‌توان بیان کرد که توانایی مدیریت ارتباط بین بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر حسابرس را تعدیل می‌نماید. چراکه ضریب اثرات تعاملی منفی و در خلاف جهت ضریب بیش اطمینانی مدیران (مثبت) است. لذا فرضیه دوم تأیید می‌شود.

جدول ۳: آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره z	احتمال آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.370	0.192	1.930	0.054
توانایی مدیریت	Ability	1.141	0.481	2.370	0.018
بیش اعتمادی مدیران* توانایی مدیریت	Over*Ability	-1.642	0.762	-2.150	0.031
اندازه شرکت	Size	0.086	0.098	0.870	0.383
اهم مالی	Leverage	-1.150	0.550	-2.090	0.036
نوسانات بازده	Volatility	2.754	2.949	0.930	0.350
زیان ده بودن	Loss	0.423	0.332	1.270	0.203
سرمایه‌گذاری	Invest	3.728	0.853	4.370	0.000
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-2.967	0.982	-3.020	0.003
رشد	Growth	-0.479	0.411	-1.160	0.244
نگهداشت وجه نقد	Cash	-6.140	2.678	-2.290	0.022
بازده دارایی	ROA	-5.077	1.163	-4.370	0.000
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	0.821	0.612	1.340	0.179
دوره تصدی حسابرس	Tenure	-0.044	0.070	-0.620	0.532
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	0.240	0.253	0.950	0.342
مقدار ثابت	C	-0.382	1.576	-0.240	0.809
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
160.960	0.000	0.189			

۱۰۰ ♦ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین ♦

برای آزمون فرضیه سوم پژوهش مبنی بر اینکه در سال بعد از اظهارنظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد، از نتایج مدل ارائه شده در جدول ۴ استفاده می‌شود. بررسی ضرایب مدل ارائه شده، مشاهده می‌شود که ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت ۰/۷۵ است. این ضریب بر اساس آماره z در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. بنابراین می‌توان گفت که در شرایط اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت، اثر بیش اعتمادی مدیران بر تغییر حسابرس بیشتر می‌شود. لذا فرضیه سوم مبنی بر اینکه "در سال بعد از صدور اظهار نظر غیرمقبول، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد" تأیید می‌شود.

جدول ۴: آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	نماد	ضرایب	خطا	آماره z	احتمال آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.167	0.288	0.580	0.561
اظهارنظر پیرامون تداوم فعالیت	GC	0.518	0.224	2.320	0.021
بیش اعتمادی مدیران* اظهارنظر تداوم فعالیت	Over*GC	0.750	0.377	1.990	0.047
اندازه شرکت	Size	-0.175	0.103	-1.700	0.090
اهرم مالی	Leverage	0.303	0.553	0.550	0.584
نوسانات بازده	Volatility	-2.071	3.185	-0.650	0.516
زیان ده بودن	Loss	0.223	0.308	0.730	0.468
سرمایه‌گذاری	Invest	-1.078	0.927	-1.160	0.245
نسبت جریان نقدی عملیاتی	CFO	-0.733	1.044	-0.700	0.483
رشد	Growth	-0.381	0.430	-0.880	0.376
نگهداشت وجه نقد	Cash	3.180	2.913	1.090	0.275
بازده دارایی	ROA	-0.157	1.274	-0.120	0.902
موجودی و حساب دریافتی	InvRec	-1.688	0.657	-2.570	0.010
دوره تصدی حسابرس	Tenure	0.329	0.092	3.560	0.000
نوع مؤسسه حسابرسی	AudType	-1.215	0.344	-3.530	0.000
مقدار ثابت	C	1.685	1.657	1.020	0.309
سال و صنعت	Ind&Year	کنترل شد			
آماره والد	احتمال آماره والد	ضریب تعیین پسودو			
59.150	0.001	0.091			

برای آزمون چهارم پژوهش مدل فرضیه سوم در دو حالت شرکت‌های با کمیته حسابرسی قوی و ضعیف آزمون می‌شود. نتایج مدل‌های مورد نظر در جدول ۵ آورده شده است. با بررسی ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت در مدل با کمیته حسابرسی قوی مشاهده می‌شود که ضریب مورد نظر $0/84$ است. این ضریب بر اساس آماره Z در هیچ یک از سطوح احتمال معنادار نیست. در مدل با کمیته حسابرسی ضعیف ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت برابر با $0/94$ است. این ضریب بر اساس آماره Z در سطح احتمال 90% درصد معنادار است. لذا می‌توان دریافت که تفاوت معناداری در ضریب اثرات تعاملی بیش اعتمادی مدیران و اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت در مدل با کمیته حسابرسی قوی و ضعیف وجود دارد. در واقع در شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف به دلیل قدرت بالاتر مدیران در شرکت، اثرات بیش اعتمادی بر تغییر حسابرس پس از اظهار نظر غیرمقبول حسابرس پررنگ تر است. لذا فرضیه چهارم پژوهش نیز تأیید می‌شود و می‌توان گفت که در شرکت‌های با کمیته حسابرسی ضعیف، رابطه بین اعتماد به نفس بیش از حد مدیران و تغییر حسابرس در سال بعد از صدور اظهار نظر حسابرس، مثبت است.

جدول ۵: آزمون فرضیه چهارم پژوهش

متغیر	نماد	کمیته حسابرسی قوی		کمیته حسابرسی ضعیف	
		ضرایب	آماره z	ضرایب	آماره z
بیش اعتمادی مدیران	Over	0.090	0.180	0.297	0.720
اظهار نظر پیرامون تداوم فعالیت	GC	0.814**	2.280	0.239	0.730
بیش اعتمادی مدیران* اظهار نظر تداوم فعالیت	Over*GC	0.840	1.310	0.940*	1.720
اندازه شرکت	Size	-0.168	-0.990	-0.262*	-1.660
اهرم مالی	Leverage	1.207	1.240	-0.188	-0.220
نوسانات بازده	Volatility	2.206	0.400	-4.559	-1.060

۱۰۲ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری‌های نوین ♦

-0.500	-0.225	0.850	0.431	Loss	زیان ده بودن
-0.910	-1.237	-0.460	-0.649	Invest	سرمایه‌گذاری
0.650	1.040	-1.550	-2.428	CFO	نسبت جریان نقدی عملیاتی
0.980	0.670	-2.550	-1.877**	Growth	رشد
1.100	4.673	0.450	2.139	Cash	نگهداشت وجه نقد
-1.410	-3.148	0.900	1.824	ROA	بازده دارایی
-2.200	-2.132**	-1.570	-1.655	InvRec	موجودی و حساب دریافتی
1.330	0.178	3.930	0.636**	Tenure	دوره تصدی حسابرس
-1.860	-0.954*	-2.580	-1.346**	AudType	نوع مؤسسه حسابرسی
1.530	3.869	-0.030	-0.069	C	مقدار ثابت
			کنترل شد	Ind&Year	سال و صنعت
54.160			43.900		آماره والد
0.002			0.049		احتمال آماره والد
0.099			0.166		ضریب تعیین پسودو
362			340		تعداد مشاهدات

** و * به ترتیب معناداری در سطح احتمال ۹۵ درصد و ۹۰ درصد

۵. نتیجه‌گیری

حسابرسان در موقعیتی هستند که مدیران واقعاً بیش از حد اعتماد به نفس را از مدیران بسیار شایسته تشخیص می‌دهند. اگر مدیران، بیش از حد به توانایی‌های مدیریتی خود باور داشته و تصمیمات نامعقولی اتخاذ کنند در این موقعیت حسابرسان، برنامه‌های مدیریت را غیر قابل اعتماد می‌دانند لذا، تصمیم به صدور اظهار نظر تعدیل شده می‌گیرند. اما، اگر حسابرسان متقاعد شوند که این مدیران به خاطر داشتن صلاحیت است و به این نتیجه برسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر تردید اساسی در مورد توانایی شرکت مشتری کافی است، به صدور گزارش تعدیل نشده می‌پردازد. از طرفی، زمانی که حسابرس از رفتارهای حسابداری شرکت

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۰۳

پشتیبانی نمی‌کند یا نظر حسابرسی تعدیل شده صادر می‌کند، احتمال بیشتری وجود دارد که یک شرکت رابطه خود را با حسابرس خاتمه دهد. بنابراین، تعارض بین مدیریت و حسابرس پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده، زمانی که مدیریت ظاهراً بیش از حد مطمئن است، تشدید می‌شود و بنابراین احتمال برکناری حسابرس توسط صاحبکار بیشتر است. همچنین، وقتی شرکت دارای کمیته حسابرسی مستقل تر است، حسابرسان پس از صدور اظهار نظر تعدیل شده، کمتر احتمال دارد که اخراج شوند. این نشان می‌دهد که وقتی یک کمیته حسابرسی قوی وجود دارد، مدیریت نسبت به تصمیمات شرکتی اختیار کمتری دارد.

نتایج حاکی از آن است که بیش اعتمادی مدیران با دریافت اظهار نظر غیرمقبول حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد. این نتایج همراستا با مطالعات هریبار و یانگ (۲۰۱۶)، کوه و همکاران (۲۰۱۸)، دولمن و همکاران (۲۰۱۵)، خوشکار و همکاران (۱۴۰۰) و کیمیایی (۱۳۹۶) است. همچنین توانایی مدیریت ارتباط میان بیش اعتمادی مدیران و صدور گزارش‌های حسابرس مربوط به اظهار نظر حسابرس را تعدیل می‌نماید که همراستا با مطالعات بایک و همکاران (۲۰۱۸) و دمرجیان و همکاران (۲۰۲۰) است. علاوه بر این نتایج نشان داد که در سال بعد از صدور اظهار نظر اظهار نظر حسابرس، بیش اعتمادی مدیران با تغییر حسابرس ارتباط مثبت و معناداری دارد و قدرت بیشتر مدیریت به کمیته حسابرس بر ارتباط میان ویژگی‌های مدیریتی (بیش اعتمادی و توانایی) و تغییر حسابرس اثر مثبت و معنادار دارد که در این راستا دهلیوال و همکاران (۲۰۱۵) و بک و مولدین (۲۰۱۴) نیز به همین مساله اشاره نمودند.

بر مبنای این نتیجه می‌توان گفت با توجه به بیش ارزیابی این مدیران از واقعیت‌ها و اینکه آن‌ها همیشه حتی نسبت به ریسک شرکت و خطرات موجود وقایع را دست کم می‌گیرند، حسابرسان با توجه به درک این واقعیت و شخصیت آن‌ها، اعتماد کمتری به گزارشات آن‌ها دارند و به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌های مدیریت برای غلبه بر بحران ناکافی و غیرقابل اعتماد

است و تصمیم به اظهارنظر غیرمقبول می‌گیرند. مضاف بر اینکه معمولاً وجود مدیریت بیش اعتماد شک حرفه‌ای حسابرسان را افزایش دهد و ارزیابی حسابرسان از توانایی شرکت برای ادامه فعالیت شرکت را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین منجر به صدور بند ابهام در فعالیت می‌کنند. همچنین به دلیل تضاد ایجاد شده میان مدیریت و حسابرسان در رابطه با اظهارنظر قبلی حسابرسان، احتمال تغییر حسابرسان افزایش می‌یابد. در این حالت مدیران برای اجتناب از دریافت اظهارنظر مشروط و یا مردود، اقدام به تغییر حسابرسان می‌کنند در حالی که حاضر به تغییر در نظرات خود نیستند.

با توجه به اینکه در زمینه حسابرسان، ترازوی قدرت تقریباً همیشه به طرف صاحبکاران می‌باشد. در صورت وجود مجادله بین حسابرسان و صاحبکار، مدیریت امکان دارد از طریق تهدید به خاتمه کار با حسابرسان، وی را مجبور به پذیرش رویه‌های حسابداری نماید. درحالی که مدیریت در انجام این کار نتواند موفق شود، با اعمال قدرت خود ممکن است حسابرسان را برکنار کرده و حسابرسان انعطاف پذیرتری را پیدا نماید.

از طرفی، انتظار می‌رود وقتی مدیران اعتماد بیش از حد داشته باشند، احتمال اینکه حسابرسان در مورد گزارش‌های شرکت اظهارنظر کنند، افزایش می‌یابد و احتمال تغییر حسابرسان توسط مدیریت در سال بعد از صدور گزارش تداوم فعالیت نیز افزایش می‌یابد. در حال حاضر مدیرانی که بیش اطمینانی دارند و از طرف دیگر دارای توانایی بالایی هستند، این توانایی رابطه بین بیش اطمینانی و اظهارنظر حسابرسان را تعدیل می‌کند و بر آن تأثیر منفی می‌گذارد. البته در این مطالعه، قدرت مدیریت و کمیته حسابرسان در ارتباط با یکدیگر و تأثیر آن بر روابط فوق الذکر نیز مورد بررسی قرار گرفته است. داشتن یک کمیته حسابرسان قوی می‌تواند از مداخله مدیران در فرآیند حسابرسان یا ابتیاع خدمات حسابرسان بیشتر به منظور تهاتر ریسک‌های منتسب به بیش اطمینانی مدیران جلوگیری نماید. با ادعای اینکه کمیته حسابرسان قوی نفوذ مدیریت را کاهش می‌دهد، هالیوان و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که شرکت‌هایی با کمیته

◆..... تأثیر ویژگی‌های مدیریت بر اظهار نظر حسابرس و تغییر حسابرس ◇ ۱۰۵

حسابرسی قوی، کمتر حسابرسان وابسته به مدیر را استخدام می‌کنند. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که اگر یک شرکت مدیریت دارای قدرت بیشتری نسبت به کمیته حسابرسی باشد، احتمال تغییر حسابرس در سال بعد از گزارش افزایش نمی‌یابد و در حالت عکس این قضیه، انتظار است که از حسابرس در مقابل تغییر در سال بعد از صدور گزارش حفاظت شود؛ پس پیش‌بینی می‌شود که در این حالت ارائه اظهار نظر حسابرسی غیرمقبول افزایش پیدا کند.

منابع

۱. بهار مقدم، مهدی، صالحی، تابنده، اعظمی، زینب، (۱۳۹۶)، رابطه بین توانایی مدیریت، حق الزحمه حسابرسی و تداوم فعالیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹(۲)، ۲۳-۴۴.
۲. خوشکار، فرزین، خان محمدیان، امیر، طاهری، محمد. (۱۴۰۰)، تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر اظهار نظر ابهام در تداوم فعالیت در شرکت و تغییر حسابرس، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵(۱۹)، ۱۴۷۳-۱۴۸۶.
۳. علیمرادی، مهران، عبدی، حدیث. (۱۳۹۹)، مطالعه تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه بین بیش اطمینانی مدیران و صدور گزارش حسابرس حاوی بند تداوم فعالیت، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۶(۴۵)، ۹۰-۱۰۹.
۴. کنعانی، اکبر، حجازی، رضوان، قنبری، مهرداد، جمشیدی نوید، بابک، (۱۳۹۸)، بررسی ارتباط بین کارآیی مدیریت و تغییر حسابرس با تأکید بر نقش عدم تقارن اطلاعاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۴۳، ۲۳-۴۰.
۵. کیمیایی، معصومه، (۱۳۹۶)، تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر نظر حسابرس در مورد تداوم فعالیت واحد اقتصادی، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی پرندهک.

6. Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2013). Managerial overconfidence and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*, 51(1), 1–30.
7. Anderson, C., Brion, S., Moore, D. A., & Kennedy, J. A. (2012). A status-enhancement account of overconfidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 103(4), 718–735.
8. Anderson, U. L., Koonce, L., & Marchant, G. (1994). The effects of source-competence information and its timing on auditors' performance of analytical procedures. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 13(1), 137–148.
9. Baik, B., Brockman, P. A., Farber, D. B., & Lee, S. (2018). Managerial ability and the quality of firms' information environment. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 506-527.
10. Baik, B., Brockman, P. A., Farber, D. B., & Lee, S. (2018). Managerial ability and the quality of firms' information environment. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 33(4), 506–527.
11. Banerjee, S., Humphery-Jenner, M., Nanda, V., & Tham, T. M. (2018). Executive overconfidence and securities class actions. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53(6), 2685.
12. Beck, M. J., & Mauldin, E. G. (2014). Who's really in charge? Audit committee versus CFO power and audit fees. *The Accounting Review*, 89(6), 2057–2085.
13. Ben-David, I., Graham, J. R., & Harvey, C. R. (2013). Managerial miscalibration. *The Quarterly Journal of Economics*, 1547–1584.
14. Carcello, J. V., & Neal, T. L. (2003). Audit committee characteristics and auditor dismissals following “new” going-concern reports. *The Accounting Review*, 78(1), 95–117.
15. Chen, G., Crossland, C., & Luo, S. (2015). Making the same mistake all over again: CEO overconfidence and corporate resistance to corrective feedback. *Strategic Management Journal*, 36(10), 1513–1535.

16. Citron, D. B., & Taffler, R. J. (1992). The audit report under going concern uncertainties: An empirical analysis. *Accounting and Business Research*, 22(88), 337–345.
17. Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (2020). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability? *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 35(2), 406–437.
18. Dhaliwal, D. S., Lamoreaux, P., Lennox, C. S., & Mauler, L. M. (2015). Management influence on auditor selection and subsequent impairments of auditor independence during the post-SOX period. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 575–607.
19. Duellman, S., Hurwitz, H., & Sun, Y. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 11(2), 148–165.
20. Eutsler, J., Norris, A. E., & Trompeter, G. M. (2018). A live simulation-based investigation: Interactions with clients and their effect on audit judgment and professional skepticism. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 37(3), 145-162.
21. Goel, A. M., & Thakor, A. V. (2008). Overconfidence, CEO selection, and corporate governance. *The Journal of Finance*, 63(6), 2737–2784.
22. Gul, F. A., Khedmati, M., Lim, E. K., & Navissi, F. (2018). Managerial ability, financial distress, and audit fees. *Accounting Horizons*, 32(1), 29–51.
23. Hirshleifer, D., Low, A., Teoh, S.H., 2012. Are overconfident CEOs better innovators? *J. Financ.* 67, 1457–1498.
24. Hirst, D. E. (1994). Auditors' sensitivity to source reliability. *Journal of Accounting Research*, 32(1), 113–126.
25. Hribar, P., & Yang, H. (2016). CEO overconfidence and management forecasting. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 204–227.
26. Hribar, P., Kim, J., Wilson, R., & Yang, H. (2012). Counterparty responses to managerial overconfidence. Working paper. University of Iowa and University of Pennsylvania.

27. Kim, T. (2021). Does a Manager Respond to a Going-Concern Audit Opinion with an Asymmetry in Gain and Loss?. *Sustainability*, 13(8), 4425.
28. Koh, P. S., Reeb, D. M., & Zhao, W. (2018). CEO confidence and unreported R&D. *Management Science*, 64(12), 5725–5747.
29. Krishnan, G. V., & Wang, C. (2015). The relation between managerial ability and audit fees and going concern opinions. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 34(3), 139–160.
30. Lennox, C. (2000). Do companies successfully engage in opinion-shopping? Evidence from the UK. *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), 321–337.
31. Malmendier, U., Tate, G., 2008. Who makes acquisitions? CEO overconfidence and the market's reaction. *J. Financ. Econ.* 89, 20–43.
32. McDaniel, L. S., & Kinney, W. R. (1995). Expectation-formation guidance in the auditor's review of interim financial information. *Journal of Accounting Research*, 59–76.
33. Merkle, C., & Weber, M. (2011). True overconfidence: The inability of rational information processing to account for apparent overconfidence. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116(2), 262–271.
34. Sunder, J., Sunder, S. V., & Tan, L. (2010). The role of managerial overconfidence in the design of debt covenants. Working Paper. University of Arizona.
35. The effect of management characteristics on going-concern decisions and auditor turnover

Abstract

Investigating the impact of management overconfidence and management ability on company policies such as the company's policy and accounting policies is an important issue; Because too much trust can lead to decisions that destroy the value of the company and make the continuation of the company's activity face the risk of bankruptcy; Therefore, the purpose of this research is to examine the relationship between managers' overconfidence and the issuance of an auditor's report containing the continuity of activity clause, as well as a further test to investigate the effect of management ability on the overconfidence relationship and the issuance of an audit report based on the continuity of activity and the change of the auditor. . In this regard, a sample of 117 companies during the period of 1394 to 1400 (819 company-years) was selected as the research sample and the hypotheses were tested based on logistic regression. The results showed that with the increase of managers' overconfidence, the amount of auditor's comments about the continuity of the company's activity increases and managerial ability moderates this relationship. Also, managers' overconfidence has a positive effect on increasing the auditor's dismissal rate in the year after issuing the adjusted opinion. In addition, the results showed that the effects of managers' overconfidence on the auditor's dismissal after commenting on the continuation of activity are greater for companies with a weak audit committee.

Keywords: Managerial overconfidence, auditor's opinion about Going concern, Auditor turnover, Audit committee, Managerial ability.

تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثر بخشی نظام کنترل‌های داخلی



سیدعباس برهانی^۱؛ مسعود بختیاری^۲

چکیده

شناختن پیشینه نهادی و الزامات نظارتی در زمینه تحت بررسی، منبع مجموعه داده‌های منحصر به فرد در مطالعه حاضر مهم است. در این تحقیق بر مبنای مدل پیشنهادی چانگ و همکاران، تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثر بخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری به روش رگرسیونی خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی مورد مطالعه واقع شده است. این تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی با طرح تحقیق پس روی دادی به انجام رسیده است. تعداد ۱۳۶ شرکت از بین شرکت‌های بورسی تهران به روش حذفی سیستماتیک در بازه زمانی ۸ ساله منتهی به سال ۹۷، به عنوان ۱۰۸۸ سال-شرکت، مورد مطالعه قرار گرفته است. پس از انجام آزمون‌های آماری نتایج تحلیل روابط بین متغیرها نشان می‌دهد که الف) تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد. ب) اندازه مؤسسه حسابرسان بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد. در نهایت اعتبار سنجی رابطه برآوردی نشان داد که طی روابط برآوردی بیش از ۵۰ درصد از تغییرات بین ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران s.borhani1352@gmail.com

۲. استادیار، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mbakhtiari1363@pnu.ac.ir

اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری در رابطه برآوردی تبیین شده است. در نهایت آزمون‌های تی استیودنت و فیشر از قابلیت تعمیم روابط بین متغیرها در سطح ۹۵ درصد اطمینان، به جامعه آماری حمایت نمود.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های حسابرسان داخلی، اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی، عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری.

۱. مقدمه

عملکرد موثر و اثربخش حسابرسی داخلی می‌تواند با کمک مدیریت در بهبود نظام کنترل‌های داخلی، کیفیت نظام راهبرد شرکتی را تضمین کند. وظایف اصلی حسابرسان داخلی عبارت از بررسی، ارزیابی و نظارت بر کفایت و اثربخشی اهداف کنترل داخلی نسبت به عملیات، گزارش دهی و بررسی رعایت اصول پذیرفته شده و استانداردهای حسابداری است. نظام کنترل داخلی عبارت از فرایندی است که به منظور کمک به مدیریت در دست یابی به سه هدف سازمانی انجام می‌شود. این اهداف عبارت از: (۱) اثربخشی، (۲) کارایی عملیات و (۳) قابلیت اطمینان گزارشگری و رعایت قوانین و مقررات قابل اجرا می‌باشد.

بررسی ادبیات در مورد عملکرد حسابرسی داخلی و اثربخشی کنترل داخلی نشان می‌دهد که اکثر مطالعات پیشین در زمینه بررسی تأثیر عوامل تعیین کننده و یا پیامدهای اقتصادی اثر بخشی کیفیت گزارش گری مالی، سرمایه‌گذاری کرده‌اند (به عنوان مثال در این زمینه به پژوهش‌هایی چون: دلای و اوامری ۲۰۱۶؛ دوپل و همکاران ۲۰۰۷؛ فنگ و همکاران ۲۰۰۹؛ گی و مک وی ۲۰۰۵؛ هامرسلی و همکاران ۲۰۰۸؛ لین و همکاران ۲۰۱۱؛ نیکر و شارما ۲۰۰۹؛ رایس و وبر ۲۰۱۲، می‌توان اشاره کرد). تمرکز بر هدف گزارش دهی منجر به درک ناقص از عملکرد حسابرسی داخلی و اثربخشی کنترل داخلی می‌شود، زیرا فعالیت‌های کنترلی مربوط به این سه هدف باید از یک دیگر پشتیبانی یا هم پوشانی داشته باشند.

مطالعه ای که اخیراً توسط فنگ و همکاران (۲۰۱۵) به انجام رسیده به بررسی ارتباط مثبت بین اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی مالی و عملکرد یک شرکت، از این وابستگی متقابل را پشتیبانی می‌کند. نتایج این تحقیق نشان داد که شرکت‌هایی که دارای ضعف کنترل‌های داخلی در زمینه موجودی‌های مواد و کالا هستند، نسبت گردش مالی موجودی کمتری داشته و به احتمال زیاد نقص موجودی را گزارش می‌کنند. طی پژوهش دیگری مبتنی بر یک طرح پیمایشی، در مصاحبه‌ای با استفاده از مزایای تجدیدنظر در چارچوب کنترل داخلی تصریح

شده است که نظام کنترل های داخلی مالی و عملیاتی: "فرصتی برای استفاده از چارچوب نظام کنترل های داخلی مالی و عملیاتی برای دست یابی به اهداف گزارش گری مالی و حتی نیل به اهداف مربوط به عملکرد کسب و کار و مطابق با قوانین و مقررات است" (تیسیاک ۲۰۱۲).

در حالی که مطالعات متعددی، ارتباط بین کیفیت حسابرسی داخلی با تمرکز بر کیفیت گزارش گری مالی را مورد بررسی قرار داده اند، طی پژوهش حاضر با گسترش بررسی کیفیت نظام کنترل های داخلی در راستای دو هدف مهم اما کمتر مورد مطالعه قرار گرفته در پژوهش های قبلی، یعنی بررسی تاثیر آن بر عملیات و انطباق بوده که از این جهت با تحقیقات قبلی متفاوت است. به طور خاص، انتظار می رود یافته های به دست آمده از این پژوهش با بررسی اثرات ویژگی های حوزه حسابرسی داخلی، بتواند از جهت کاربردی شرکت ها را در دست یابی به اهداف عملیاتی و اهداف انطباق کمک کرده و از لحاظ نظری یا علمی به پر کردن خلاء موجود در ادبیات تحقیق و توسعه درک از ارتباط بین عملکرد حوزه حسابرسی داخلی و نظام کنترل های داخلی و توسعه اهداف کنترل داخلی، بپردازد.

علاوه بر این، انتظار می رود مجموعه داده منحصر به فرد به دست آمده از مراجع نظارتی در این کشور به این امکان را فراهم کند تا به زدودن برخی از کاستی های مقالات و پژوهش های قبلی آرشیوی که عمدتاً به بانک اطلاعات جهانی در زمینه اطلاعات حسابرسی پرداخته شود. داده هایی که وابسته به اظهار نظر مدیران ارشد حسابرسی نسبت به نظام کنترل های داخلی و اثربخشی حسابرسی داخلی است. پرسشنامه هایی که در مطالعات مرتبط، مشمول محدودیت اندازه نمونه کوچک بوده (لین و همکاران ۲۰۱۱؛ پراویت و همکاران ۲۰۰۹) و در عین حال از مشکل نمونه غیر تصادفی نیز رنج می برد. زیرا شرکت های بزرگ با کارکردهای حسابرسی داخلی طی پژوهش های مبتنی بر بانک های اطلاعات جهانی نسبتاً پیشرفته از جمله شرکت هایی هستند که تمایل به مشارکت دارند.

◆..... تأثیر ویژگی های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۱۵

داده های مورد استفاده از این تحقیق، در ارتباط با گزارش های شرکت های پذیرفته شده در سازمان بورس اوراق بهادار تهران است و بنابراین از تعصب احتمالی در انتخاب شرکت های خاص و مبتنی بر یک سوگیری جلوگیری می کند. علاوه بر این، نیوتن و همکاران (۲۰۱۶) بر پایه یافته های به دست آمده از پژوهش خود پیشنهاد می کند که بنگاه ها با موفقیت بتوانند نظرات خود را بیان کرده تا پیش داورهای مربوط به کنترل داخلی را مرتفع سازند. به رغم اینکه در بسیاری از مطالعات، به بررسی تاثیر نظام های کنترل داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداخته اند (به عنوان مثال: ابوت و همکاران ۲۰۱۶؛ لین و همکاران ۲۰۱۱؛ پراویت و همکاران ۲۰۰۹)، بر مبنای محدودیت های داده ها می توان مطمئن شد که تاکنون در زمینه نظام کنترل های داخلی عملیاتی و اثربخشی آن در زمینه عملیات شرکت و سازگاری آن با اصول و استانداردهای از پیش تعریف شده، پژوهشی صورت نگرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر بر پایه الگوی پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی ارتباط بین ویژگی های حسابرسی داخلی و اثربخشی کنترل داخلی بر عملیات و رعایت استانداردها پرداخته است. درک این ارتباط از آن جهت حائز اهمیت است که احتمالاً دست یابی به اهداف عملیاتی و اهداف انعطاف پذیری نشان دهنده قدرت حاکمیت شرکتی و فرهنگ شرکت است، به طور متقابل این کارآمدی بر کنترل کیفیت گزارشگری مالی شرکت تأثیر گذاشته و در نهایت به موفقیت کلی شرکت کمک می کند.

بنابراین، مطالعاتی که از افشای ضعف های مربوط به نظام کنترل داخلی که توسط ساربنیز آکسلی اجباری شده، استفاده می کنند می تواند مستقل از تأثیرات خرید عقاید باشند. داده های مورد استفاده در این پژوهش از گزارش های مالی حسابرسی شده شرکت های تحت بررسی به دست آمده و فرض می شود که شرکت ها هیچ انگیزه های پنهان کردن یا جعل در افشای چنین مواردی ندارند. زیرا گزارشات این شرکت ها در دسترس عموم است. در مجموع، این پژوهش از فرصتی برای مطالعه موضوع کنترل داخلی با مجموعه ای از داده های بدون پیش

داوری و کامل تر استفاده می‌کند. انتظار می‌رود یافته‌های این پژوهش، پی‌آمدهای مورد انتظار مدیریتی و ذی‌نفعان در مورد استخدام کارکنان حوزه حسابداری داخلی و دست‌یابی سازمان به نظام کنترل داخلی مؤثر را تسهیل نماید. بر این اساس پژوهش حاضر در راستای پاسخ به پرسش اساسی زیر به انجام خواهد رسید که:

"ویژگی‌های حسابداری داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های تحت بررسی، چه تأثیری دارد؟"

بنابراین پرسش‌های زیر تدوین شده‌اند:

سؤال اصلی

ویژگی‌های حسابداری داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری چه اثراتی دارند؟

سؤالات فرعی

- ویژگی حسابداری داخلی (تجربه حسابسان داخلی) بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت چه تأثیری دارد؟

- سطح ویژگی حسابداری داخلی (مدت زمان وجود حسابداری داخلی) بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت چه تأثیری دارد؟

۲. مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

حسابداری داخلی

طی سالیان اخیر خدمات حسابداری داخلی به جهت تلقی آن به عنوان یک تخصص و فعالیت حرفه‌ای و تأثیر آن بر حسابداری مالی خارجی و نهایتاً کیفیت گزارش‌گری مالی، از رشد فزاینده‌ای برخوردار شده است. رسوایی‌های مالی در دهه‌های اخیر باعث شده تا شرکت‌های

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۱۷

دولتی و عمومی سیستم‌های نظارتی داخلی خود را حفظ کنند و کمیسیون مبارزه با تقلب نیز توصیه می‌کند که همه شرکت‌های دولتی باید واحد حسابرسی داخلی را در سازمان خود تاسیس کنند. کمیته سازمان‌های نظارتی نیز، حسابرسی داخلی را در بردارنده نقش مهمی در زمینه نظارت بر نظام‌های کنترل داخلی در سازمان تلقی می‌نماید. حسابرسی داخلی فقط در زمینه تطبیق گزارش‌گری مالی بر رویه‌ها و استانداردهای حسابداری نبوده، بلکه در مورد موفقیت شرکت‌ها و جلوگیری از تقلب و سوء استفاده نیز نقشی حیاتی ایفا می‌کند.

یکی از تغییراتی که نقش حسابرسان داخلی را افزایش داده است الزام در بخش ۳۰۲ قانون ساربنز اکسلی است که بر مبنای آن افراد مسئول صدور تأییدیه یا مجوزهای مالی که معمولاً مدیران اجرایی و مدیر مالی هستند باید اعلام کنند که مسئول ایجاد و نگه‌داری از نظام کنترل‌های داخلی در راستای تضمین سلامت گزارش‌گری مالی هستند. آنها هم چنین به عنوان بخشی از این مجوزها، باید نشان دهند که کنترل‌های داخلی برای اطمینان منطقی در مورد قابلیت اطمینان گزارش‌گری مالی و تهیه صورت‌های مالی منطبق بر اصول پذیرفته شده حسابداری طراحی شده‌اند.

بخش ۳۰۲ از قانون اکسلی بر این باور است که تأییدیه‌ها باید در صورت‌های مالی سالیانه شرکت گنجانده شود. بخش ۴۰۴ قانون ساربنز اکسلی همچنین مسئولیت حسابرسان داخلی را افزایش داد. این بخش نیاز به پشتیبانی مدیریت دارد که در گزارش‌های مالی سالیانه شرکت، گزارشاتی را درباره کنترل‌های داخلی ارائه می‌دهد. گزارش مزبور باید نشان دهد که مدیریت مسئولیت ایجاد و حفظ نظام کنترل‌های داخلی در راستای تضمین کیفیت گزارش‌های مالی و تأثیر مدیریت در زمینه اثربخشی این کنترل‌های داخلی (دایره‌المعارف کسب و کار ۲۰۱۰) است.

بخش حسابرسی داخلی در یک شرکت به غیر از حسابرسی مالی، بررسی رعایت آیین‌نامه‌ها و مقررات مالی سازمان و حسابرسی عملیاتی را انجام می‌دهد. حسابرسی رعایت

اطمینان می‌دهد که فعالیت‌های شرکت مطابق با قوانین و مقررات مربوط به شرکت صورت پذیرفته است. حسابرسی عملیاتی به بررسی اثربخشی و کارایی فعالیت‌های شرکت پرداخته و به دنبال کاهش خطراتی است که شرکت خاصی با آن مواجه می‌شود.

در انجام یک حسابرسی عملیاتی، استانداردهای عملکرد ممکن است شامل معیارهای مختلفی به غیر از سنج‌های پولی مانند درصد تأخیر و یا زمان بیکاری باشد. مسئولیت حسابرس داخلی برای انجام اقدامات مناسب بر اساس تجربه و بینش نسبت به عملکرد یک پارچه فعالیت‌های شرکت است. محدوده حسابرسی داخلی که به طور سنتی در مقوله حسابداری مالی و در راستای افزایش کیفیت گزارش‌گری مالی متمرکز بود، طی سه دهه گذشته به طور قابل توجهی گسترش یافته به طوری که امروزه تقریباً هر جنبه‌ای از یک سازمان را شامل می‌شود.

الزام به رعایت چنین قوانینی و در دسترس بودن یک گواهینامه معتبر در زمینه حسابرسی داخلی، نسبتاً سازمان‌هایی که از حسابداری داخلی استفاده می‌کنند را به طور قابل توجهی افزایش داده و در حال حاضر واحدهای حسابداری داخلی بیشتر درگیر فعالیت‌های کلی و کارایی سازمان هستند. در نتیجه رهنمود ساربنیز آکسلی در ایالات متحده، بودجه حسابرسی داخلی و میزان کارکنان آن در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ به طور میانگین بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است. علاوه بر این در راستای اجرای الزام مزبور، کم و کیف جلسات مشترک حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی به طور متوسط بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته است. حسابرسی داخلی خدماتی گسترده، مستقل و ارزش افزوده‌ای فراهم می‌کند که برای مدیریت موثر یک شرکت ضروری است. نیاز و مزیت افزایش همکاری بین حسابرس داخلی و خارجی در زمینه امور حسابرسی صورت‌های مالی می‌تواند به عنوان یک توسعه منطقی و طبیعی دیده شود. حسابرس داخلی می‌تواند با توجه به عمق آشنایی حسابرس داخلی با کل عملیات واحد، یک شریک بسیار کارآمد برای حسابرس خارجی تلقی گردد.

حسابرسی داخلی يك کارکرد مهم و حیاتی در حاکمیت و عملیات سازمان است. سازمان‌هایی که از يك واحد حسابرسی داخلی اثربخش برخوردارند، ارزیابی بهتری نسبت به شناسایی خطرهای کسب و کار، فرایندها و سیستم تجاری خود دارند. از همین رو، اقدام‌های اصلاحی مناسب را به منظور بهبود مستمر محیط کسب و کار خود به کار می‌بندند.

طی دو دهه اخیر، شرایط محیطی کسب و کار دچار تغییر و تحول‌های بنیادین شده و آهنگ این تغییرها تندتر می‌شود. از جمله عمده‌ترین این تغییرها می‌توان به موضوع‌هایی مانند تشدید رقابت، افزایش ریسک و مخاطرات در بنگاه‌ها، تحول‌های فناوری و پیدایش اقتصاد دیجیتال، اهمیت یابی دارایی‌های نامشهود و غیره اشاره کرد.

این تغییرها تأثیرهایی کلی بر فعالیت بنگاه‌ها و به تبع آن بر کارکرد حسابرسی داخلی گذاشته، اما برخی موضوع‌ها آثار خاصی بر کارکرد حسابرسی داخلی به جا گذاشته که عمده‌ترین آن‌ها چنین است؛ اهمیت یابی مفهوم حاکمیت شرکتی، شکل یابی و فعالیت کمیته حسابرسی در سازمان‌ها، انتشار استانداردهای بین‌المللی حسابرسی داخلی، بررسی کارایی عملیات، قابلیت اتکای فناوری اطلاعات، کمک به بهبود فرایندها و عملیات شرکت، نظارت بر روند کیفیت محصولات و خدمات و همچنین نظارت بر سطح رضایت مندی مشتریان و خدمات پس از فروش به نحوی که با ایفای خدمات جدید، حسابرسی داخلی نقشی پویاتر و اساسی در سازمان ایفا می‌کند.

دامنه وسیع و جامع فعالیت‌های حسابرسی داخلی، بررسی ضمنی و ادواری فعالیت‌های سازمان، حسابرسی داخلی را مرجعی مناسب و دارای صلاحیت به منظور کنترل و ارزیابی عملکرد مدیران ساخته است. طراحی و پیاده‌سازی حسابرسی داخلی، نقطه‌ای برای شروع يك نظام مدیریت نوین و همچنین برقراری يك نگرش مناسب برای حسابرسی داخلی است. به منظور دستیابی به این هدف‌ها، حسابرسی داخلی باید دارای سطح بالایی از کارایی و اثربخشی باشد.

نظام کنترل‌های داخلی شرکت

امروزه، کمیسیون نظارت مالی، وظیفه تنظیم دو بازار اصلی اوراق بهادار را بر عهده دارد که مشتمل بر شرکت بورس اوراق بهادار و بازار اوراق بهادار است. از سال ۱۹۸۶، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه سازمان‌های نظارتی، استاندارد و مقررات دولت مربوط به نظام کنترل‌های داخلی مالی را اجرا کرده است که شرکت‌های را ملزم می‌سازد تا سیستم‌های کنترل داخلی را ایجاد کنند. در سال ۱۹۹۲، قانون گذاران و ارکان نظارتی علاوه بر نظام کنترل‌های داخلی، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس را موظف کرد تا حسابرسی داخلی تمام وقت را حفظ کرده و مشخصات دموگرافیک آن‌ها مشتمل بر: اسامی، سن، سابقه تحصیلی، تجربه، سنوات تصدی یا تجربه در شرکت را تا پایان سال مالی افشا کنند.

با این حال، منافع چنین گزارش‌گری در کشورهای در حال توسعه ای چون ایران، فقط به نفع نهادهای قانونی و قانون گذاران و ارکان نظارتی در این کشورها بوده و کمتر منافع و انتظارات مردم را برآورده می‌سازد. در سال ۲۰۰۲، آیین نامه حاکم بر ایجاد سیستم‌های کنترل داخلی توسط شرکت‌های دولتی صادر شد، که بر اساس چارچوب کنترل داخلی ایجاد شده در استاندارد جهانی است. آیین نامه کنترل‌های داخلی تصریح می‌کند که کنترل داخلی باید تضمین معقولی را در مورد دست‌یابی به اهداف در مقوله‌های زیر فراهم کند: الف) اثربخشی و کارایی عملیات، ب) قابلیت اطمینان، به موقع بودن، شفافیت و رعایت الزامات نظارتی گزارش‌گری و ج) انطباق گزارش‌گری مالی با قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی از یک طرف و اصول پذیرفته شده حسابداری از طرف دیگر است.

ضمن تصویب چارچوب کنترل داخلی کوزو، آیین نامه کنترل‌های داخلی در برخی از کشورهای در حال توسعه، این آیین نامه با الزامات گزارش‌دهی کنترل‌های داخلی در ایالات متحده (یعنی بخش‌های ۳۰۲ و ۴۰۴ قانون سارابونز اکسلی (۲۰۰۲) از نظر دامنه گزارش‌گیری متفاوت است. به عنوان مثال، آیین نامه نظام کنترل‌های داخلی مزبور صرفاً محدود به

◆..... تأثیر ویژگی های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۲۱

شرکت های پذیرفته شده در بورس است در حالی که قانون اکسلی (۲۰۰۲)، شرکت های بیشتری را ملزم به رعایت نظام کنترل های داخلی نموده است.

اگرچه نظام کنترل های داخلی استاندارد جهانی کوزو (۱۹۹۲) شبیه به ادعاهای منعقد شده مندرج در بخش ۳۰۲ قانون سارابونز اکسلی (۲۰۰۲) است و در این زمینه می توان به الزامات مشابه در زمینه: تایید اعضای هیات مدیره، تایید مدیرعامل و مدیر کل حسابرس داخلی، است، اما مستلزم افشای اضافی نقاط ضعف یک شرکت، در صورت وجود وضعی در زمینه کنترل داخلی در ابعاد عملیات و انطباق، نیز هست.

با توجه به نقش حسابرسان خارجی، بخش ۴۰۴ قانون ساربنیز آکسلی (۲۰۰۲) حسابرس را ملزم به تأیید و صدور نظر در مورد نظام کنترل های داخلی شرکت در ارتباط با گزارش گری مالی (اما نه در مورد عملیات یا انطباق) به عنوان بخشی از گزارش سالانه این شرکت می کند. در حالی که آیین نامه نظام کنترل های داخلی در برخی از کشورها به سایر موارد نیز اشاره دارد. حسابرسان برای کنترل نظرات داخلی در مورد هر سه هدف از عملیات، گزارش گری مالی و انطباق، اما فقط به عنوان بخشی از فرآیند درخواستی به هنگام عرضه اولیه سهام شرکت صادر می کنند.

مطابق آیین نامه نظام کنترل های داخلی در بسیاری از کشورها، یک شرکت دولتی باید سیستم کنترل داخلی خود را ارزیابی کرده و هرگونه نقص را به صورت سالانه گزارش دهد. شرکت موظف است اطلاعات زیر را در این زمینه تهیه و ارسال نماید: الف) یک برنامه حسابرسی برای سال بعد، که تا پایان سال مالی جاری ارائه می شود. ب) گزارشی از نتایج اجرای برنامه حسابرسی سالانه سال گذشته خود، که باید در دو ماه اول سال مالی بعدی ارسال شود. ج) گزارشی در مورد اصلاحات نقص یا عدم نظارتی کنترل داخلی سال قبل که در پنج ماه اول سال مالی بعدی ارسال شود.

آیین نامه نظام کنترل‌های داخلی هم چنین بیان می‌کند که شرکت باید ده مورد حسابرسی زیر را در برنامه حسابرسی سالانه خود قرار دهد و هرگونه نقص کنترل داخلی را از نظر فعالیت‌های کنترلی گزارش کند: (۱) تملک یا فروش دارایی‌ها، (۲) مبادلات و معاملات مشتقات، (۳) افزایش جذب تسهیلات بانکی، (۴) صدور تأییدیه یا ضمانت نامه برای دیگران، (۵) مدیریت معاملات مربوط به اشخاص مرتبط، (۶) نظارت و مدیریت شرکت‌های تابعه، (۷) رویه حاکم بر جلسات هیئت مدیره، (۸) بازرسی امنیت اطلاعات و ارتباطات، (۹) چرخه فروش و تحویل و (۱۰) چرخه خرید و پرداخت. باید توجه داشت که قوانینی وجود دارند که صریحاً هفت فعالیت اول ذکر شده در بالا را تصریح می‌نمایند. یعنی یک شرکت موظف است در ارزیابی آن فعالیت‌های کنترلی و گزارش هرگونه نقص یا بی‌نظمی مرتبط با آن، قوانین خاصی را رعایت کند.

توجه به این نکته مهم است که آیین نامه نظام کنترل‌های داخلی در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۷ برای تنظیم ارزیابی شرکت‌های دولتی از کنترل داخلی بر گزارش‌گری مالی اصلاح شده است. به عبارت دیگر، پیش از اصلاحات سال ۲۰۰۷، شرکت‌های دولتی در برخی از کشورها موظف بودند در برنامه‌های حسابرسی سالانه خود نقایص مربوط به عملیات و انطباق را گزارش دهند. بررسی ادبیات تحقیق نشان می‌دهد: مطالعاتی که عوامل تعیین‌کننده نقایص شرکت در زمینه نظام کنترل‌های داخلی را مورد بررسی قرار داده‌اند، چندین ویژگی کیفیت حسابرسی داخلی و خصوصیات شرکت را بررسی کرده‌اند. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به پژوهش‌هایی چون: آسباق-اسکایف و همکاران (۲۰۰۸)؛ برانسون و همکاران (۲۰۰۶)؛ دلالی و امری (۲۰۱۶)؛ دویله و همکاران (۲۰۰۷)؛ گی و مک‌وی (۲۰۰۵)؛ لین و همکاران (۲۰۱۱)؛ نایکر و شارما (۲۰۰۹)، اشاره کرد.

شناسایی عوامل تعیین‌کننده بسیار مهم است، زیرا بسیاری از مطالعات تجربی نشان دهنده عواقب اقتصادی چشم‌گیر به این عوامل باز می‌گردد. محققان نشان داده‌اند که نقاط ضعف در

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۲۳

کنترل‌های داخلی گزارش‌گری مالی بر واکنش بازار نسبت به اعلام سود (آشباق-اسکایف و همکاران ۲۰۰۹؛ هامرسلی و همکاران ۲۰۰۸)، هزینه سرمایه (بنیش و همکاران ۲۰۰۸)، کیفیت گزارش‌گری مالی (آشباق-اسکایف و همکاران ۲۰۰۸؛ هایتاش و همکاران ۲۰۰۸؛ رایس و وبر ۲۰۱۲)، صحت پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران مالی (فنگ و همکاران ۲۰۰۹) و تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی (مونسیف و همکاران ۲۰۱۲)، تأثیر منفی می‌گذارد.

۲-۲. پیشینه پژوهش

تحقیقات خارجی

چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، طی مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های عمومی در دسترسی که از سازمان نظارتی تایوان به دست آمده است، یک تحقیق تقریباً ناشناخته از تحقیقات مربوط به افشای یک شرکت از نقص کنترل داخلی در عملیات و انطباق را بررسی می‌کند. به طور خاص، تحقیق حاضر نیز به پیروی از پژوهش یاد شده به بررسی تأثیر اندازه و صلاحیت حسابرسی داخلی بر کیفیت کنترل داخلی‌ها بر عملیات و انطباق آن‌ها بر قوانین و مقررات پرداخته است. بر مبنای یافته‌های پژوهش چانگ و همکاران، انتظار می‌رود که اندازه حوزه حسابرسی داخلی بر مبنای تعداد کارکنان آن با بروز نواقص کنترل داخلی در زمینه عملیات و انطباق بر قوانین و مقررات منفی باشد. علاوه بر این، صلاحیت و شایستگی کارکنان حوزه حسابرسی (یعنی سطح آموزشی جمعی، مهارت‌ها مبتنی بر گواهینامه‌های حرفه‌ای و تجربه کار حسابرسی خارجی) با نواقص کنترل داخلی در زمینه انطباق عملکرد بر قوانین و مقررات سازمانی، ارتباط منفی داشته ولی این ارتباط در مورد عملیات صادق نیست. انتظار می‌رود نتایج به دست آمده از این تحقیق، تا حدی از این ادعا حمایت کند که کیفیت حسابرسی داخلی و اثربخشی کنترل داخلی بر روی عملیات و انطباق تأثیر مثبتی داشته باشد.

چن و همکاران (۲۰۱۹)، نتایج متفاوتی با پژوهش‌های قبلی مشاهده کردند و تفاوت آن با این موارد است که (۱) نظام کنترل‌های داخلی و تاثیر آن بر عملیات و انطباق نظارتی مورد بررسی قرار داده، (۲) در این پژوهش تاثیر نظام کنترل‌های داخلی بر اهداف مدیریتی از طریق داده‌های واقعی یعنی نتایج مستقیم و تحقق یافته، بر خلاف اندازه‌گیری غیرمستقیم ضعف‌های کنترل عملیاتی فاش می‌شود. در این مورد از الگوی پیشنهادی لارنس و همکاران (۲۰۱۷)، بهره گرفته شده است. و (۳) در این نمونه نقاط ضعف کنترل‌های داخلی در بخش عظیمی از نمونه آماری، بیش از نیمی از نمونه، ملاحظه شده است.

چنگ و همکاران (۲۰۱۷)، شواهد سیستماتیکی از ارتباط بین نظام کنترل‌های داخلی مالی مؤثر و بهره‌وری عملیاتی شرکت ارائه داده‌اند. کدیا و همکاران (۲۰۱۶)، نیز بر پایه نتایج به دست آمده از پژوهش خود، بین فرهنگ عدم رعایت قوانین و مقررات در شرکت و ریسک گزارش نادرست مالی، ارتباط قابل توجهی پیدا کرده‌اند. علاوه بر این، مطالعه جدیدی که توسط لارنس و همکاران (۲۰۱۷) به انجام رسیده، شواهدی ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد ریسک کنترل عملیاتی نقاط ضعف کنترل گزارش‌گری مالی شرکت را نشان می‌دهد.

لارنس و همکاران (۲۰۱۷) ریسک کنترل عملیاتی را از دو طریق اندازه‌گیری کرده است که عبارت از: (۱) نقض داده (یعنی حملات امنیتی سایبری) و (۲) شاخص ریسک کنترل که از طریق آنالیز متنی فرم K-10 ایجاد شده است. یافته‌های آنها حاکی از آن است که سنج‌های مربوط به ریسک کنترل عملیاتی با نقصان گزارش‌های مالی بعدی، اعاده مجدد، نامه‌های اظهار نظر ارکان نظارتی و هزینه حسابرسی در یک شرکت، با یک دیگر ارتباط مثبتی دارند.

ابوت و همکاران (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که کیفیت حوزه حسابرسی داخلی، که با حضور مشترک شایستگی و استقلال اندازه‌گیری می‌شود، بر کیفیت گزارش‌گری مالی تاثیر مثبت می‌گذارد. در حالی که به همین ترتیب اثرات صلاحیت حسابرسی داخلی را بر نظام کنترل‌های داخلی و نقاط ضعف آن نیز طی پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۹)، مورد بررسی قرار گرفته و از

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۲۵

این جهت با تحقیقات فوق متفاوت است. به طور عمده در این پژوهش نیز به پیروی از الگوی چن و همکاران (۲۰۱۹)، افشای نقاط ضعف کنترل داخلی مربوط به عملیات و انطباق مورد بررسی قرار گرفته است.

فنگ و همکاران (۲۰۱۵) بر پایه شواهد به دست آمده از پژوهش خود تصریح کرده‌اند، از آنجا که برخی از کنترل‌های داخلی نقش گزارش‌گری عملیاتی و مالی را ایفا می‌کنند، باید تأثیرات مفیدی بر کیفیت گزارش‌گری مالی و عملکرد شرکت‌ها داشته باشد. این پژوهش از طریق بررسی ارتباط بین ضعف‌های مربوط به موجودی‌های مواد و کالا با کیفیت گزارش‌گری مالی و مدیریت موجودی بنگاه‌ها، نشان دادند که پیوند مثبتی بین کیفیت نظام کنترل‌های داخلی مالی و عملکرد شرکت‌ها وجود داشته است.

لین و همکاران (۲۰۱۱)، طی پژوهشی بر پایه شواهد به دست آمده از پژوهش خود نشان دادند که ویژگی‌های حوزه حسابرسی داخلی در ابعادی نظیر: سطح آموزش و فعالیت‌ها (یعنی ترکیب تکنیک‌های تضمین کیفیت، فعالیت‌های حسابرسی مربوط به گزارش‌گری مالی و نظارت بر اصلاحات مالی) می‌تواند احتمال افشای ضعف‌های مادی گزارش شده مثبتی بر بند ۴۰۴ از قانون اکسلی را کاهش دهد.

تحقیقات داخلی

لاری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تاخیر در گزارش حسابرسی" به بررسی ارتباط میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی با ارائه به موقع گزارش حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. مطابق با تئوری علامت دهی، ارائه به موقع صورت‌های مالی از سوی شرکت‌ها، دارای محتوای اطلاعاتی بوده و بر ارزش بنگاه اثرگذار است؛ در نتیجه، بررسی عوامل تعیین‌کننده تاخیر در گزارش حسابرسی حائز اهمیت است. تشکیل کمیته حسابرسی و افشاء مشخصات آن از سال ۱۳۹۱ طبق

دستورالعمل سازمان بورس الزامی شد؛ بنابراین، در این پژوهش از اطلاعات ۲۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که مشخصات کمیته حسابرسی خود را افشاء کرده‌اند؛ استفاده شده تا رابطه میان ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی آزمون گردد. روش پژوهش، شبه تجربی و از نوع توصیفی - همبستگی می باشد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیونی چندمتغیره بهره گرفته شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که اندازه و سابقه تشکیل کمیته حسابرسی و وجود اعضای دارای تخصص مالی در کمیته‌های حسابرسی با کاهش تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی همراه است؛ ولیکن استقلال کمیته حسابرسی و تجربه اعضای کمیته حسابرسی موجب افزایش تاخیر در ارائه گزارش حسابرسی می گردد.

کوکبی و همکاران (۱۳۹۶)، به بررسی تاثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ بوده که حجم نمونه با توجه به روش غربالگری و پس از حذف مشاهدات پرت برابر با ۹۴ شرکت می باشد. در این پژوهش کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده تا تاثیر آنها بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش که از داده‌های تلفیقی و پانل (تابلویی) با اثرات ثابت استفاده شده، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های شرکت با استفاده از رگرسیون چند متغیره در سطح اطمینان ۹۵٪ نشان می دهد کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها تاثیر معکوس دارد.

قربان پور و همکاران (۱۳۹۶)، هدف از انجام این تحقیق، تحلیل تأثیر تعهد سازمانی بر عملکرد حسابرسیان عضو جامعه حسابداران رسمی می باشد. جامعه آماری این تحقیق

◆ تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۲۷

شامل ۶۲۰ نفر از افراد عضو جامعه حسابداران رسمی تهران و شیراز است که از بین آنها ۲۵۶ نفر به صورت تصادفی ساده و با استفاده از فرمول کوکران به عنوان نمونه در نیمه اول سال ۱۳۹۲ انتخاب شدند. روش تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی بوده و بر حسب روش تحقیقی توصیفی همبستگی است و جهت جمع آوری داده‌ها، از پرسشنامه اسمیت و همکاران (۲۰۱۲)، استفاده شده است. بررسی پرسش نامه‌ها حاکی از آن بود که ابزارهای اندازه‌گیری، از روایی محتوایی و پایایی خوبی برخوردار هستند. جهت تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و آنالیز رگرسیون چندگانه با روش گام به گام در نرم افزار SPSS استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی و گام به گام در سطح ۳۵ درصد نشان داد که تعهد سازمانی با متغیر عملکرد کارکنان رابطه مثبت و معنی داری دارد. همچنین نتایج در مدل معادلات ساختاری جهت آزمون مدل مفهومی تحقیق، حاکی از برازش مطلوب مدل بود و به همین دلیل به عنوان مدل تجربی ارایه شده است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۶)، بررسی رابطه بین مدیریت دانش شخصی و عملکرد شغلی حسابداران سعی دارد نقش و میزان تأثیرگذاری مدیریت دانش شخصی را بر روی عملکرد شغلی حسابداران سازمانهای مختلف بررسی نماید. این پژوهش از نوع مطالعات توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری آن شامل دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد رشته حسابداری دانشگاه‌های سطح شهر مشهد و گروه نمونه حاوی تعداد ۲۰۸ نفر بود و برای گردآوری اطلاعات از پرسشنامه خودارزیابی مدیریت دانش شخصی دورسی، پرسشنامه محقق ساخته عملکرد زمینه‌ای و وظیفه‌ای حسابداران استفاده شد. همچنین به جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی و رگرسیون خطی با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۶ بهره گرفته شد. نتایج مطالعه حاکی از آن است که بین مهارت مدیریت دانش شخصی و دو بعد عملکرد شغلی وظیفه‌ای و زمینه‌ای حسابداران ارتباط مثبت و معنادار وجود دارد. از نتایج حاصل شده چنین استنباط می‌شود که تلاش دانشگاه‌ها و سازمان‌ها در جهت ارتقای هر چه بیشتر مهارت

مدیریت دانش شخصی، گام شایان توجهی در راستای بهبود کیفیت خدمات ارائه دهنده اعضای حرفه حسابداری ایفا می نماید.

لاری و اورادی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران" به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی پرداختند. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ استخراج شدند. آزمون فرضیه‌های پژوهش به کمک مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند. ولی ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد. همچنین، در ارتباط با متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش، یافته‌ها نشان از ارتباط مثبت و معنادار بین اهرم مالی، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی دارد.

رویایی و ابراهیمی (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای داوطلبانه اخلاق شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۲ پرداختند. آن‌ها دریافتند که تنها دو ویژگی استقلال کمیته حسابرسی و تخصص اعضای کمیته بر افشای داوطلبانه اخلاق تأثیر می‌گذارد.

۳. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع تحقیقات همبستگی، از انواع تحقیقات توصیفی می‌باشد (در پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، محقق به بررسی روابط بین دو یا چند متغیر می‌پردازد). شیوه استدلال پژوهش، قیاسی استقرایی می‌باشد. قیاسی به این دلیل که برای

◆ تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۲۹

چارچوب نظری و پیشینه پژوهش از مسیر کتاب‌خانه، مقالات و اینترنت استفاده شده است و استقرایی به دلیل آن‌که جمع‌آوری اطلاعات از مسیر داده‌های اولیه برای قبول یا رد فرضیه‌ها انجام پذیرفته است. در این پژوهش با توجه به نوع داده و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش «داده‌های تابلویی دیتا» استفاده می‌شود. زیرا به منظور ارزیابی تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری مبتنی بر مدل پیشنهادی آندرسون و همادی (۲۰۱۶)، متغیرهای پیش‌بینی و برآورد شده از دو جنبه متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند. از یک سو، این متغیرها در میان شرکت‌های مختلف و از سوی دیگر، در دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷ آزمون می‌شوند. در این پژوهش برای مطالعه مبانی نظری و بررسی پیشینه تحقیق، از روش کتابخانه‌ای با بهره‌گیری از کتب و مقالات تخصصی فارسی و لاتین و پایان‌نامه‌ها استفاده می‌شود. از آنجایی که اطلاعات مربوط به متغیرهای این پژوهش شامل بسیاری از اقلام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها می‌باشد، داده‌های مورد نیاز از صورت‌های مالی موجود در سایت‌های مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار به نشانی www.rdis.ir و شبکه کدال، سیستم‌های جامع اطلاع‌رسانی ناشران به نشانی www.codal.ir، مرکز پردازش اطلاعات مالی ایران به نشانی www.fipiran.com و لوح‌های فشرده سازمان بورس و اوراق بهادار به صورت دستی استخراج می‌شود. تجزیه و تحلیل اطلاعات، فرآیندی چند مرحله‌ای است که طی آن داده‌هایی که از طریق ابزارهای جمع‌آوری در نمونه آماری، فراهم آورده‌اند خلاصه، کدبندی و دسته‌بندی می‌شوند و در نهایت پردازش می‌گردند تا برقراری انواع تحلیل و ارتباط‌ها بین این داده‌ها به منظور آزمون فرضیه‌ها فراهم آید. در مرحله تجزیه و تحلیل، مهم این است که پژوهش‌گر باید اطلاعات و داده‌ها را در مسیر هدف پژوهش، پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش و نیز ارزیابی فرضیه‌های پژوهش خود، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد (حافظ نیا، ۱۳۸۹).

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌ها، اطلاعات مورد نیاز از طریق صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های مورد رسیدگی برای یک دوره هشت ساله (۱۳۹۰-۱۳۹۷) جمع‌آوری خواهد شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز شرکت‌های مورد رسیدگی، فرضیه‌های تحقیق با استفاده از تحلیل همبستگی و رگرسیون و روش آماری تابلویی دیتا، مورد بررسی قرار گرفته و ابتدا محاسبات اولیه در صفحه گسترده نرم افزار اکسل انجام گرفته و داده‌ها برای تجزیه و تحلیل آماده خواهند گردید، سپس به منظور انجام تجزیه و تحلیل‌های نهایی از نرم‌افزار EViews استفاده می‌گردد.

۳-۱- جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. بنابر اعلام سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار تهران کلیه شرکت‌های پذیرفته شده تا پایان سال ۱۳۹۷ شامل ۴۸۸ شرکت در ۳۷ گروه صنعتی بوده‌اند. بنابراین در تحقیق حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۰ لغایت پایان سال ۱۳۹۷ می‌باشد. محدودیت‌های بالا به عنوان روش نمونه‌گیری تلقی نشده و بر اساس محدودیت‌های اعمال شده و به عبارتی مرزهای تعریف شده آماری، حجم جامعه آماری نهایی یا N برابر ۴۸۸ شرکت بوده است.

۳-۲. تعیین نمونه پژوهش

در این مطالعه برای این‌که نمونه پژوهش یک نماینده مناسب از جامعه آماری مورد نظر باشد، برای انتخاب نمونه از روش غربال‌گری (حذفی) استفاده شده است. برای این منظور معیارهای زیر در نظر گرفته شده و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است. برخلاف بسیاری از پژوهش‌ها که شرکت‌های زیان‌ده که بسیاری از آن‌ها سهامشان در برخی از سال‌ها در بیش از سه ماه مورد معامله قرار نگرفته و

◆..... تأثیر ویژگی های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۳۱

زیان دهی متوالی داشته اند را حذف کرده اند در این پژوهش به جهت بررسی بحران مالی این دسته از شرکت ها حذف نشده است. نحوه انتخاب نمونه به شرح زیر است:

۱- با توجه به اطلاعات مورد نیاز از سال ۱۳۹۰، شرکت هایی که حداکثر تا پایان اسفند ماه سال ۱۳۹۷ در بورس و اوراق بهادار تهران پذیرفته شده اند و نام آنها تا پایان سال ۱۳۹۷ از فهرست شرکت های یاد شده، حذف نشده باشد.

۳- به منظور افزایش قابلیت مقایسه شرکت های مورد بررسی، دوره مالی آنها باید منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد و در دوره مورد مطالعه تغییر دوره مالی نداشته باشند.

۴- جزء شرکت های واسطه گری مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک ها و بیمه ها) به دلیل متفاوت بودن عملکرد آنها، نباشند.

۵- اطلاعات مورد نیاز در دسترس باشد.

بر مبنای شرایط فوق جامعه آماری شامل شرکت های منتخب بورسی با شرایط ذکر شده در بالا که در یک بازه زمانی پنج ساله ۱/۱/۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ به عنوان ۸ نمونه آماری وابسته ۱۳۶ تا ۱۰۸۸ سال شرکت به عنوان مجموع مشاهدات مورد مطالعه قرار گرفته اند.

با توجه به شرایط تعریف شده در انتخاب شرکت های مورد مطالعه به عنوان نمونه آماری،

طی جدول شماره ۱ و به شرح زیر فرآیند انتخاب نمونه آماری تصویر گردیده است:

جدول شماره ۱: روند انتخاب نمونه آماری پژوهش

تعداد	شرح فرآیند
۴۸۸	کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس در تاریخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۹
(۴۵)	شرکت هایی که بعد از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده اند
(۵۱)	شرکت هایی که سال مالی آنها به ۲۹ اسفند ختم نمی شود و با تغییر سال مالی داده اند
(۴۵)	شرکت های واسطه گری مالی (سرمایه گذاری، هلدینگ، لیزینگ و بانک ها)
(۱۷۰)	شرکت هایی که در طول دوره مورد نظر، سهام آنها به طور فعال در بورس معامله نشده است
(۴۱)	شرکت هایی که اطلاعات آنها برای بدست آوردن برخی متغیرهای تحقیق کافی نبود
۱۳۶	کل نمونه آماری قابل آزمون با در نظر گرفتن پیش فرض ها

۳-۳- مدل پژوهش و نحوه اندازه گیری متغیرها

مدل پژوهش

جهت آزمون فرضیه های تحقیق، از یک رابطه پارامتری خطی با الگوی پروبیت، جهت تعیین ارتباط بین کیفیت حسابرسی داخلی و کارآمدی نظام کنترل های داخلی شرکت های تحت بررسی در ابعاد عملیاتی و رعایت قوانین و مقررات، به شرح معادله زیر و به صورت زیر بهره گرفته شده است:

$$\Pr(\text{ICD} | x) = \Phi(\alpha_0 + \alpha_1 \text{INAUDEXP} + \alpha_2 \text{INAUDTEN} + \alpha_3 \text{BOARDSIZE} + \alpha_4 \\ + \alpha_6 \text{SIZE} + \alpha_7 \text{ARINVENTORY} + \alpha_8 \text{LEV} + \alpha_9 \text{ROA} + \alpha_{10} \text{LOSS BIGN} + \alpha_5 \text{AGE} \\ + \alpha_{11} \text{CFO} + \alpha_{12} \text{SALESGROWTH})$$

که در این رابطه متغیر وابسته عبارت از احتمال ضعف در نظام کنترل های داخلی (ICD) و بر پایه برآورد رگرسیون پروبیت به دست می آید. INAUDEXP تجربه حسابرسی داخلی بر مبنای نسبت کارکنان باتجربه به کل کارکنان، INAUDTEN مدت زمان وجود حسابرسی داخلی به سال، BOARDSIZE اندازه هیات مدیره به نفر، BIGN بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی به عنوان یک متغیر مصنوعی که در صورت تعلق مؤسسه حسابرسی شرکت به مجموعه مؤسسات حسابرسی مرتبط با ۵۰ شرکت بورس ۱ و در غیر این صورت صفر، AGE سن شرکت از بدو تاسیس بر حسب لگاریتم طبیعی، SIZE اندازه شرکت بر حسب لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها در پایان دوره، SALESGROWTH رشد شرکت بر حسب درصد تغییر در خالص فروش یا درآمدهای عملیاتی شرکت نسبت به سال گذشته، ARINVENTORY پیچیدگی حساب های شرکت بر مبنای نسبت مجموع حساب های دریافتی و موجودی های مواد و کالا به جمع دارایی ها در ۱۰۰، LEV ساختار یا اهرم مالی بر مبنای نسبت کل بدهی به دارایی ها بر حسب درصد، ROA سودآوری شرکت بر حسب بازده دارایی ها یا سود خالص به جمع دارایی ها در ۱۰۰، LOSS زیان دهی شرکت به عنوان یک متغیر مصنوعی که در صورت داشتن زیان ۱ و در

◆..... تأثیر ویژگی های حسابر س داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۳۳

غیر اینصورت صفر، CFO جریانات نقدی بر مبنای خالص جریانات نقدی عملیاتی طی دوره به جمع دارایی ها در ۱۰۰ و دو مورد باقی مانده اثرات ثابت سال و صنعت است که به عنوان باقی مانده الگوی برآوردی تعریف شده اند.

متغیر وابسته؛ احتمال گزارش نقص در کنترل های داخلی عملیاتی شرکت:

بر اساس ماهیت فعالیت ها و الزامات نظارتی مربوط، فعالیت های کنترلی مورد نیاز ارکان نظارتی یا نهادهای قانونی را می توان به دو گروه تقسیم کرد که عبارت از ۱) فعالیت های عملیاتی و ۲) فعالیت های رعایت قوانین و مقررات. به طور خاص، اگر یک ضعف کنترل داخلی مشخص شده مربوط به فعالیتی باشد که توسط مجموعه خاصی از قوانین که توسط کمیسیون نظارت بر بورس اوراق بهادار الزام شده است، عینیت یابد به عنوان نقص در گروه فعالیت های رعایت قوانین و مقررات طبقه بندی می شود (یعنی ICD_LAW)، در غیر این صورت به عنوان یک نقص در گروه فعالیت های عملیاتی (یعنی ICD_OP) طبقه بندی می شود. بر این اساس، نواقص مربوط به فعالیت های دسته اول تا هفتم را به عنوان نقص نظام کنترل های داخلی در زمینه رعایت قوانین و مقررات و موارد هشتم تا دهم، به عنوان نواقص در کنترل های عملیاتی طبقه بندی شده اند.

جهت اندازه گیری متغیر وابسته نقص در کنترل های داخلی: الف) اگر اقلایك نقص در هر يك از گروه های کنترل های رعایت یا عملیاتی وجود داشته باشد متغیر مصنوعی ICD برابر با ۱ و الا صفر خواهد بود. ب) اگر اقلایك نقص در کنترل های رعایت داشته باشد متغیر مصنوعی ICD_LAW برابر با ۱ و الا صفر خواهد بود. نهایتاً ج) اگر اقلایك نقص در کنترل های عملیاتی وجود داشته باشد، متغیر مصنوعی ICD_OP برابر با ۱ و الا صفر است. به جهت استفاده از سه متغیر دو وضعیتی یا باینری در اندازه گیری متغیر وابسته، رابطه بین متغیرها بر حسب يك تابع پارامتری پروبیت یا احتمالی تعریف گردیده که در این صورت متغیر وابسته احتمال افشای

نقایص در کنترل های داخلی شرکت در هر يك از ابعاد عملیاتی یا رعایت قوانین و مقررات بیان خواهد کرد و از توزیع نرمال استاندارد پیروی می کند.

متغیرهای مستقل؛ ویژگی های حسابرسی داخلی:

در این پژوهش به پیروی از الگوی پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰) از دو سنجه مختلف به منظور اندازه گیری ابعاد کیفیت حسابرسی داخلی شرکت بر مبنای ویژگی های حسابرسی داخلی بهره گرفته شده است. این ویژگی ها عبارتند از:

تجربه حسابرس داخلی: اولین معیار برپایه مبنای نسبت کارکنان باتجربه به کل کارکنان تعریف شده است.

مدت زمان وجود حسابرس داخلی: دومین معیار بر پایه کیفیت ورودی یعنی مدت زمان وجود حسابرس داخلی تعریف گردیده است. بر این اساس، نسبت کارمندان مؤسسه حسابرس داخلی دارای تجربه حسابرسی نسبت به کل کارکنان آن. انتظار می رود تاثیر مثبت کیفیت حسابرسی داخلی در هر يك از ابعاد بر احتمال افشای ضعف در نظام کنترل داخلی به معنی منفی بودن هر يك از پارامترهای α_1 ، α_2 ، باشد.

متغیرهای کنترلی:

اندازه هیات مدیره: اندازه بزرگتر هیئت مدیره معمولاً نشان گر هزینه های نمایندگی بیشتر یا انجام عملیات پیچیده تر است (بونه و همکاران ۲۰۰۷)، که هر دو ممکن است باعث افزایش بیشتر نقایص احتمالی در نظام کنترل های داخلی شوند. این متغیر با نماد $BOARDSIZE$ ، به عنوان تعداد اعضای هیئت مدیره، نشان داده شده است.

کیفیت مؤسسه حسابرسی: مطالعات نشان می دهد که شرکت در صورت حسابرسی توسط یکی از مؤسسات معتبر و بزرگ (مؤسساتی که ۵۰ شرکت برتر بورسی را حسابرسی کرده اند)، تعریف شده است. $BIGN$ بزرگ بودن مؤسسه حسابرسی به عنوان يك متغیر مصنوعی که در

◆..... تأثیر ویژگی های حسابر س داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۳۵

صورت تعلق مؤسسه حسابرسی شرکت به مجموعه مؤسسات حسابرسی مرتبط با ۵۰ شرکت بورس ۱ و الا صفر، منظور گردیده است.

اندازه و سن شرکت: شرکت های بزرگتر و قدیمی تر، تمایل به ضعف کمتری در کنترل داخلی دارند(آشباق- اسکایف و همکاران ۲۰۰۷؛ دویله و همکاران ۲۰۰۷؛ لین و همکاران ۲۰۱۱). بنابراین، AGE سن شرکت از بدو تاسیس بر حسب لگاریتم طبیعی، SIZE اندازه شرکت بر حسب لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها در پایان دوره، تعریف گردیده اند.

رشد شرکت و پیچیدگی فعالیت های شرکت: شرکت هایی که رشد سریع فروش را تجربه کرده و یا دارای سطح بالایی از حساب های دریافتی یا موجودی هستند، پیچیده تر هستند(آشباق- اسکایف و همکاران ۲۰۰۷؛ دویله و همکاران ۲۰۰۷؛ لین و همکاران ۲۰۱۱). برای کنترل تأثیر پیچیدگی کسب و کار شرکت از SALES GROWTH رشد شرکت بر حسب درصد تغییر در خالص فروش یا درآمدهای عملیاتی شرکت نسبت به سال گذشته، AR INVENTORY پیچیدگی حساب های شرکت بر مبنای نسبت مجموع حساب های دریافتی و موجودی های مواد و کالا به جمع دارایی ها در ۱۰۰، به عنوان دو متغیر کنترلی بهره گرفته شده است.

ساختار یا اهرم مالی: فرض شده است که هر چه شرکت اهرمی تر بوده و از تامین مالی خارجی بیشتری بهره گیرد نسبت به شرکت های مشابه، به جهت نظارت و حساسیت بیشتر اعتبار دهندگانی چون بانک ها، ضعف های کمتری در نظام کنترل داخلی خواهند داشت(چانگ و همکاران ۲۰۲۰). لذا از LEV ساختار یا اهرم مالی بر مبنای نسبت کل بدهی به دارایی ها بر حسب درصد، به عنوان متغیر کنترلی دیگر بهره گرفته شده است.

سودآوری و جریانات نقدی: از آنجا که شرکت هایی که سودآوری بیشتری دارند یا گردش نقدی عملیاتی ضعف های کمتری را در کنترل داخلی نشان می دهند(لین و همکاران ۲۰۱۱). لذا ROA سودآوری شرکت بر حسب بازده دارایی ها یا سود خالص به جمع دارایی ها در ۱۰۰، LOSS زیان دهی شرکت به عنوان یک متغیر مصنوعی که در صورت داشتن زیان ۱ و الا صفر،

CFO جریانات نقدی بر مبنای خالص جریانات نقدی عملیاتی طی دوره به جمع دارایی ها در ۱۰۰، در نظر گرفته شده است.

۴- فرضیه های پژوهش

با توجه به استفاده از نمونه گیری در مطالعه جامعه آماری و بر اساس آن استفاده از استقرای آماری در استنتاج، در تناظر با پرسش های تحقیق، فرضیه های ذیل عنوان شده است:

فرضیه اصلی:

شایستگی (ویژگی های شخصیتی) حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری، تاثیر مثبت دارد.

فرضیه های فرعی:

ویژگی حسابرسین داخلی (تجربه حسابرس داخلی) بر احتمال گزارش نقص در کنترل های داخلی عملیاتی شرکت تاثیر مثبت دارد.

ویژگی حسابرسین داخلی (مدت زمان وجود حسابرس داخلی) بر احتمال گزارش نقص در کنترل های داخلی عملیاتی شرکت تاثیر مثبت دارد.

۵- یافته های پژوهش

آمار توصیفی

آمار توصیفی تنظیم و طبقه بندی داده ها، نمایش ترسیمی، و محاسبه مقادیری از قبیل نما، میانگین، میانه و مواردی مشابه است که مشخصات اعضای جامعه آماری یا نمونه تصادفی مورد مطالعه را توصیف می نماید.

در این تحقیق بر مبنای مدل پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، تاثیر ویژگی های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت

◆ تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۳۷

استانداردهای حسابداری به روش رگرسیونی خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی مورد مطالعه واقع شده است.

بر این اساس در ابتدا آماره‌های توصیفی داده‌های گردآوری شده عملکردی در ارتباط با متغیرهای مستقل و وابسته شرکت محاسبه گردیده است. بر اساس این محاسبه که در جدول شماره ۲ خلاصه شده است، توصیف یافته‌ها یا متغیرهای تحقیق بر مبنای شاخص‌های اساسی پراکندگی و مرکزی مشتمل بر کمینه، بیشینه، متوسط و انحراف معیار بیان شده است:

جدول شماره ۲: توصیف یافته‌های تحقیق

ردیف	شرح متغیر	نماد	کمینه	بیشینه	متوسط	S. D
۱	کارآمدی نظام کنترل داخلی	ICD	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۳۲	۰/۲۵
۲	تخصص مؤسسه حسابرسی	AS	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۴۴	۰/۴۹
۳	تجربه حسابرس داخلی	INAUDEX P	۰/۵۰	۱/۰۰	۰/۸۵	۰/۲۳
۴	مدت زمان وجود حسابرس داخلی	INAUDTE N	۱/۰۰	۶/۰۴	۵/۳۳	۶/۰۴
۵	اندازه مؤسسه حسابرسی	BIGN	۰/۰۰	۱/۰۰	۰/۲۳	۰/۴۲
۶	سن	AGE	۹/۰۰	۶۴/۰۰	۳۷/۲۷	۱۳/۰۴
۷	اندازه شرکت	SIZE	۱۰/۵۰	۱۹/۱۱	۱۴/۰۸	۱/۴۸
۸	پیچیدگی حساب‌های شرکت	ARINVEN TORY	۴/۳۸	۶۷/۳۲	۴/۰۰	۱۰/۱۲
۹	اهرم مالی (بدهی)	LEV	۹/۰۲	۲۰۷/۷۵	۶۱/۳۵	۲۱/۹۰
۱۰	سودآوری	ROA	-۰/۲۴	۰/۶۲	۰/۱۳	۰/۱۲

۱۳۸ ◇ فصلنامه علمی - تخصصی حسابداری و فناوری های نوین

۰/۱۴	۰/۲۳	۱/۰۰	۰/۰۰	LOSS	زیان دهی	۱۱
۲/۷۹	۰/۱۳	۶۵/۲۲	۰/۲۸	CFO	جریانان نقد	۱۲
۶۲/۷۲	۳۴/۶۹	۴۳۶/۵۸	/۶۵	SALESGR	رشد شرکت	۱۳
			-۳۲۵	OWTH		

در این مطالعه جهت آزمون نرمال بودن توزیع متغیرها از آزمون جاکرک برا استفاده شده که

در این آزمون فرضیه های آماری به صورت جدول شماره ۳ تنظیم گردیده اند:

جدول شماره ۳: فرضیه های آماری در آزمون کولموگروف

فرضیه	شرح فرضیه	قاعده پذیرش فرضیه
صفر	توزیع متغیر مورد مطالعه نرمال است.	بیش از ۵ درصد بودن سطح معنی دار
مخالف	توزیع متغیر مورد مطالعه نرمال نیست.	کمتر یا مساوی ۵ درصد بودن سطح معنی دار

بر اساس قاعده تعریف شده و به کمک نرم افزار آماری، محاسبات لازم و آزمون ناپارامتریک

کولموگروف - اسمیرونوف انجام و نتیجه به صورت جدول شماره ۴ خلاصه شده است:

جدول شماره ۴: خلاصه نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرونوف

شرح متغیر	نماد	آماره	احتمال	نتیجه
کارآمدی نظام کنترل داخلی	ICD	۹۰۵۸/۸۹	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
تجربه حسابرس داخلی	INAUDEXP	۹۰/۷۱	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
مدت زمان وجود حسابرس داخلی	INAUDTEN	۳۴۹۶/۵۶	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
اندازه هیات مدیره	BOARDSIZE	۱۳۸/۳۳	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
اندازه مؤسسه حسابرسی	BIGN	۵۲/۷۲	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
سن	AGE	۱۷۳/۹۸	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
اندازه شرکت	SIZE	۰/۷۵	۰/۳۲۵	توزیع متغیر نرمال ایست.
پیچیدگی حساب های شرکت	ARINVENTORY	۵۰/۸۴	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
اهرم مالی (بدهی)	LEV	۲۲۵۴/۰۹	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.

◆ تأثیر ویژگی های حسابر س داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۳۹

سودآوری	ROA	۱۳/۸۹	۰/۰۰۱	توزیع متغیر نرمال نیست.
زیان دهی	LOSS	۵۵۶/۸۹	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
جریانان نقدی	CFO	۱۵۱۱۴۷	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.
رشد شرکت	SALESGROWTH	۱۵۱/۸۶	۰/۰۰۰	توزیع متغیر نرمال نیست.

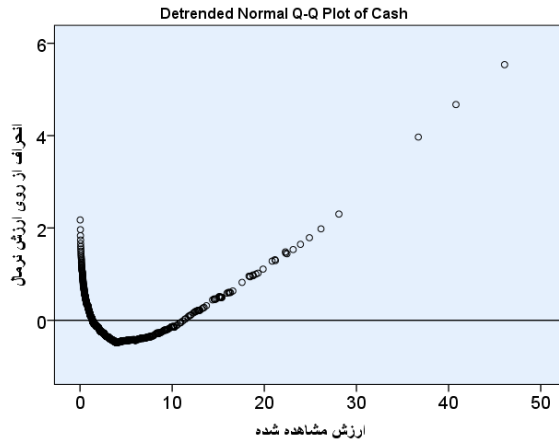
علاوه بر این در تحقیق حاضر به پیروی از بسیاری از تحقیقات صرفاً نرمال بودن توزیع متغیرهای وابسته ارزش شرکت و سطح نگه داشت وجه نقد از طریق آماره کولموگروف-اسمیرنف با نماد (K-S) مورد بررسی قرار گرفته است. اگر سطح اهمیت آماره این آزمون بیشتر از ۰/۰۵ باشد (Prob>.05) فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیر پذیرفته می شود. در جدول ۵ نتایج آزمون K-S برای متغیر وابسته شرکت های نمونه ارائه شده است.

جدول شماره ۵: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
کارامدی نظام کنترل داخلی	۱۰۸۸	۵/۶۱۴	۰/۰۰۰

با توجه به این که برای متغیر وابسته کارامدی نظام کنترل داخلی، سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می باشد، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیانگر این است که متغیر وابسته از توزیع نرمال برخوردار نبوده اند. علاوه بر این بررسی نرمال نبودن توزیع متغیر وابسته کارامدی نظام کنترل داخلی، به صورت عینی نیز بررسی گردیده است. در این راستا از نمودار (Q-Q plot)، بهره گرفته شده و طی نمودار شماره ۱ خلاصه است. در این نمودار مقادیر واقعی در مقابل مقادیر انتظاری با فرض نرمال به نمایش گذاشته شده که در صورت انطباق پراکندگی نقاط بر نیمساز ۴۵ درجه توزیع غیر نرمال متغیر وابسته را به نمایش گذاشته است:

نمودار شماره ۱: نرمال بودن توزیع متغیر کارآمدی نظام کنترل داخلی



نرمال بودن متغیر وابسته،

شرط لازم برای مدل‌های

رگرسیون است، بنابراین لازم

است قبل از آزمون فرضیه‌ها

این متغیر نرمال سازی شود.

در این پژوهش برای نرمال

سازی داده‌های مربوط به

کارآمدی نظام کنترل داخلی

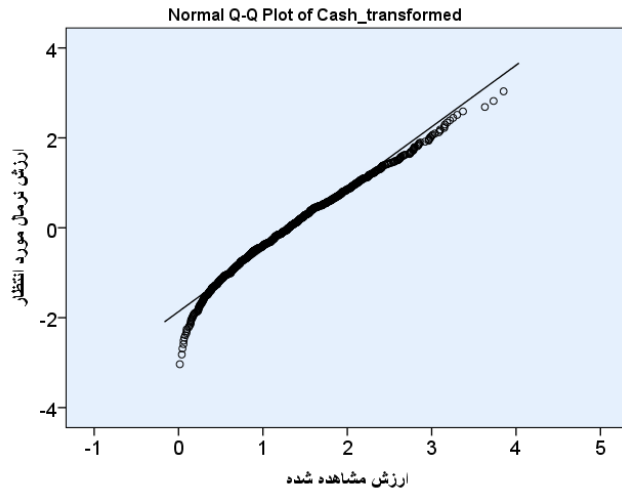
از تبدیل لگاریتم طبیعی و برای داده‌های مربوط به متغیر ارزش شرکت از تبدیل باکس-کاکس استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S بعد از فرآیند نرمال سازی داده‌ها به شرح جدول شماره ۶ می‌باشد.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون نرمالیتی بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد سال-شرکت	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
کارآمدی نظام کنترل داخلی	۱۰۸۸	۱/۳۰۵	۰/۰۶۶

با توجه به جدول شماره ۶، از آنجایی که بعد از نرمال سازی داده‌ها سطح اهمیت (Sig) آماره کولموگروف-اسمیرنف برای متغیر وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۰۶۶)، بنابراین فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر وابسته بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می‌باشند. نمودار ۲ نرمال بودن توزیع نرمال متغیر وابسته را بعد از فرآیند نرمال سازی توسط تبدیل لگاریتم طبیعی و تبدیل باکس-کاکس، به نمایش گذاشته است. تقریباً منطبق شدن بر نیمساز ۴۵ درجه حاکی از نرمال بودن این متغیرهاست:

نمودار ۲: نرمالیتی متغیر وابسته بعد از نرمال سازی



بر مبنای نتایج به دست آمده از آزمون ناپارامتری یک کولموگروف - اسمیرونوف پس از فرآیند انتقال باکس - کاکس جهت نرمال سازی داده‌ها، توزیع متغیر وابسته نرمال و اولین پیش فرض استفاده از رگرسیون خطی

مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، پذیرفته شده است.

فقدان خودهمبستگی متغیرهای توضیحی

در این تحقیق بر اساس مدل پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، جهت تعیین ارتباط بین ارزیابی تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی بهره گرفته شده است. به جهت استفاده از ترکیب خطی در تبیین رابطه بین متغیرها، باید متغیرهای توضیحی یا عوامل موثر، خود مستقل از یک دیگر بوده و به تعبیری بین آن‌ها فرض جمع پذیری برقرار و خود همبستگی خطی در بینشان وجود نداشته باشد.

با استفاده از نرم افزار آماری بین عوامل موثر بر سطح نگه داشت وجه نقد یا ارزش شرکت و به تعبیری متغیرهای توضیحی، به صورت دو دویی مقایسه و استقلال خطی متغیرهای مستقل

◆ تأثیر ویژگی های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی ◇ ۱۴۳

پیچیدگی										
حساب	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۱۰	۰/۰۱	۰/۱۷	۰/۲۰	۱			
های	-	-	-	-	-	-				
شرکت										
اهرم	۰/۰۵	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۱۵	۱	۰/۳۶		
مالی (بدنه)	-	-	-	-	-	-				
(ی)										
سودآوری	۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۲۵	۰/۶۰	۱	۰/۱۶	۰/۵۷	۰/۱۶
	-	-	-	-	-	-		-	-	-
زیان دهی	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۲۲	۰/۲۶	۱	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۱
	-	-	-	-	-	-		-	-	-
جریانهای	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۲	۱	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۲
نقدی	-	-	-	-	۰/۰۷	۰/۰۱		-	-	-
رشد	۰/۷۳	۰/۵۳	۰/۵۳	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۰۲	۱	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۵
شرکت	-	-	-	-	-	-		-	-	-

به جز متغیرهای ضربی که از تعامل برخی از دیگر متغیرها به دست آمده‌اند، سایر متغیرهای توضیحی به جهت نظری ترکیب خطی یک دیگر نبوده و مستقل از هم تعریف شده‌اند. با استفاده از همبستگی پیرسون نیز به بررسی استقلال خطی متغیرهای توضیحی پرداخته شده و نتایج به دست آمده از تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که غالب متغیرهای توضیحی دارای ضرایب همبستگی نزدیک به صفر برخوردار بوده و تقریباً از یک دیگر مستقل بوده‌اند.

بنابراین بر مبنای نتایج به دست آمده از تحلیل همبستگی پیرسون، استقلال خطی متغیرهای توضیحی از یک دیگر یا فقدان خود همبستگی در بین آن‌ها و دومین پیش فرض استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی جهت تعیین ارتباط بین ارزیابی تأثیر ویژگی های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی شرکت در زمینه عملیات و

رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران پذیرفته شده است.

شناسایی الگوی تحلیل داده‌ها

در این تحقیق بر اساس مدل پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، تعیین ارتباط بین ارزیابی تاثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به طوری که در تبیین نمونه آماری عنوان شد، به دلیل تعدد متغیرهای مستقل از ۸ نمونه وابسته ۱۳۶ تایی در یک بازه زمانی ۸ ساله منتهی به ۱۳۹۷/۱۲/۲۹ بهره گرفته شده است. به این جهت در تعیین ارتباط بین متغیرهای توضیحی و وابسته برآورد رگرسیونی به ازای هر سال مبتنی بر تحلیل داده‌های مقطعی معنی دار نبوده است.

با توجه به استفاده از ۸ نمونه تصادفی وابسته و به عبارتی داده‌های ۸ سال مالی متعلق به نمونه‌های وابسته، علاوه بر مفروضات ۵ گانه کلاسیک به شرحی که گذشت، در تعیین رابطه بین ویژگی‌های حسابرسان داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی و متغیرهای توضیحی، فرض دیگری که باید مورد بررسی قرار گیرد نوع الگوی تحلیل داده‌هاست.

یک) آزمون چاو

در تعیین رابطه بین تعیین ارتباط بین ارزیابی تاثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به روش رگرسیونی خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، اولین گام در تعیین نوع الگوی تحلیل داده‌ها، تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از الگوی تحلیل داده‌ها به روش تابلویی یا تلفیقی است. در این راستا طی تحقیق حاضر از آزمون چاو با آماره F لیمر استفاده شده است. در انجام آزمون چاو با معیار F لیمر جهت

◆ تأثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۴۵

انتخاب نوع الگوی تحلیل داده‌ها، فرضیه‌های آماری به صورت جدول شماره ۱۵ تنظیم گردیده است:

جدول شماره ۸: فرضیه‌های انتخاب الگوی تلفیقی یا تابلویی

فرضیه	شرح فرضیه	قاعده پذیرش فرضیه
صفر	مناسبت الگوی تحلیل داده‌های تابلویی در	بیش از ۵ درصد بودن سطح معنی داری
	تعیین رابطه متغیرها	
مخالف	مناسبت الگوی تحلیل داده‌های تلفیقی در	کمتر یا مساوی ۵ درصد بودن سطح معنی داری
	تعیین رابطه متغیرها	

بر مبنای قاعده تعریف شده به شرح جدول شماره ۹ و به کمک نرم افزار آماری محاسبات و آزمون چاو انجام و نتایج این آزمون در انتخاب الگوی تحلیل داده‌ها از بین روش های تلفیقی و تابلویی به صورت جدول شماره ۹ خلاصه گردیده است:

جدول شماره ۹: خلاصه نتایج آزمون چاو

شرح رابطه برآوردی	آماره F لیمر	احتمال	نتیجه
ویژگی‌های حسابرس داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی	۵/۲۸۱۴	۰/۱۶۳۵	مناسبت الگوی تابلویی

بنابراین با توجه به رد فرض مخالف و پذیرش فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان، فرض مناسبت روش تابلویی در برآورد رابطه بین ویژگی‌های حسابرس داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی و متغیرهای توضیحی به روش رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی را نمی‌توان رد کرد.

(دو) آزمون هاسمن:

به پیروی از تحقیقات مشابه در حوزه مالی یا حسابداری در تعیین ارتباط بین ارزیابی تاثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و

رعایت استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به روش رگرسیونی خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، دومین گام در تعیین نوع الگوی تحلیل داده‌ها، تصمیم‌گیری نسبت به استفاده از الگوی تحلیل داده‌ها به روش اثرات ثابت یا تصادفی است. در این تحقیق به پیروی از تحقیقات مشابه انجام شده در حوزه حسابداری و مالی جهت انتخاب از بین الگوی تحلیل اثرات ثابت یا تابعی از آزمون هاسمن با آماره کای دو استفاده شده که فرضیه‌های آماری آن به صورت جدول شماره ۱۰ تنظیم گردیده است:

جدول شماره ۱۰: تبیین فرضیه‌های آماری در آزمون هاسمن

فرضیه	شرح فرضیه	قاعده پذیرش فرضیه
صفر	مناسبت الگوی اثرات تصادفی در تعیین رابطه	بیش از ۵ درصد بودن سطح معنی داری
متغیرها		
مخالف	مناسبت الگوی اثرات ثابت در تعیین رابطه	کمتر یا مساوی ۵ درصد بودن سطح معنی داری
متغیرها		

بر مبنای محاسبات آماری انجام شده به کمک نرم افزار آماری آزمون هاسمن در انتخاب الگوی تحلیل داده‌ها از بین روش‌های اثرات تصادفی و ثابت انجام و نتایج این آزمون به صورت جدول شماره ۱۱ خلاصه گردیده است:

جدول شماره ۱۱: نتایج آزمون هاسمن

شرح رابطه برآوردی	آماره کای دو	احتمال	نتیجه
ویژگی‌های حسابرس داخلی و اثربخشی	۶/۱۱۲۳	۰/۱۳۸۱	مناسبت الگوی اثرات تصادفی
نظام کنترل‌های داخلی			

بنابراین با توجه به رد فرض مخالف و پذیرش فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان، فرض مناسبت استفاده از روش اثرات تصادفی در تعیین ارتباط بین ارزیابی تاثیر ویژگی‌های حسابرس داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی شرکت در زمینه عملیات و رعایت

◆ تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۴۷

استانداردهای حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران به روش رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی را نمی‌توان رد کرد.

ویژگی‌های حسابرسان داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌هایی داخلی

در این تحقیق به اتکای مدل پیشنهادی در پژوهش چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، رابطه بین کارآمدی نظام کنترل‌های داخلی به عنوان متغیر وابسته و ویژگی‌های حسابرسان داخلی به روش رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی مورد مطالعه واقع شده است. در این تحقیق به منظور تعیین ارتباط بین متغیرها از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی بهره گرفته شده است. در این راستا در تناظر با فرضیات اول و دوم تحقیق از ۱ رابطه رگرسیونی بهره گرفته شده که در این قسمت بر مبنای خروجی نرم افزار آماری EVIWES نسبت به تحلیل ارتباط بین متغیرها بر اساس روابط برآوردی مبادرت شده است:

$$\text{Pr}(\text{ICD} | x) = \Phi(\alpha_0 + \alpha_1 \text{INAUDEXP} + \alpha_2 \text{INAUDTEN} + \alpha_3 \text{BOARDSIZE} + \alpha_4 \text{BIGN} + \alpha_5 \text{AGE} + \alpha_6 \text{SIZE} + \alpha_7 \text{ARINVENTORY} + \alpha_8 \text{LEV} + \alpha_9 \text{ROA} + \alpha_{10} \text{LOSS} + \alpha_{11} \text{CFO} + \alpha_{12} \text{SALESGROWTH})$$

با توجه به برقراری پیش شرط‌های کلاسیک و نتایج آزمون چاو و هاسمن، با استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی با الگوی اثرات تصادفی، پارامترهای رابطه بین ویژگی‌های حسابرسان داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی، ارزیابی معنی داری روابط و اعتبار سنجی برآورد انجام شده، به کمک نرم افزار آماری EVIWES برآورد گردیده و به شرح جدول شماره ۱۲ خلاصه گردیده است:

جدول شماره ۱۲: اثر ویژگی های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل های داخلی

متغیر وابسته: کارآمدی
 نظام کنترل های داخلی ،
 تعداد مشاهدات: ۱۰۸۸
 سال - شرکت

متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال	رابطه
عرض از مبدا	β_0	۴/۶۰۳	۵/۴۳۴	۰/۰۰۰	----
تجربه حسابرسان داخلی	INAUDEXP	۳۱/۲۴۸	۷/۸۷۳	۰/۰۰۰	مثبت
مدت زمان وجود حسابرسان داخلی	INAUDTEN	۰/۳۹۹	۲/۴۰۲	۰/۰۱۷	مثبت
اندازه هیات مدیره	BOARDSIZE	۳۱/۲۵۸	۷/۸۷۸	۰/۰۰۰	مثبت
اندازه مؤسسه حسابرسانی	BIGN	۰/۸۱۷	۵/۰۹۱	۰/۰۰۰	مثبت
سن	AGE	۰/۰۱۳	۴/۵۳۹	۰/۰۰۰	مثبت
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۳۸	۳/۱۸۸	۰/۰۰۱	مثبت
پیچیدگی حساب های شرکت	ARINVENTORY	-۰/۱۳۵	-۲/۶۰۶	۰/۰۰۹	منفی
اهرم مالی (بدهی)	LEV	-۰/۰۰۳	-۱/۷۳۸	۰/۰۸۳	منفی
سودآوری	ROA	-۰/۰۰۷	-۲/۵۵۷	۰/۰۱۱	منفی
زیان دهی	LOSS	۰/۰۰۱	۰/۹۰۹	۰/۳۶۴	مثبت
جریانان نقدی	CFO	۰/۰۰۸	۴/۶۳۹	۰/۰۰۰	مثبت
رشد شرکت	SALESGROWTH	۰/۰۰۵	۸/۴۹۰	۰/۰۰۰	مثبت
اعتبار سنجی و تعمیم	ضریب تعیین	۰/۶۵۴	ضریب تعیین	۰/۶۱۴	
	آماره فیشر	۶/۳۵۵	سطح معنی دار	۰/۰۰۰۰	

آماره فیشر برابر ۲۱/۳۵۵ و سطح معنی داری متناظر با آن به سمت صفر میل کرده و کمتر از

۵ درصد بوده و از خطی بودن رابطه بین متغیرها حمایت کرده است. ضریب تعیین نشان داد که

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۴۹

بین ۶۱/۴ تا ۶۵/۴ درصد از تغییرات متغیرها توسط رابطه برآوردی تبیین شده و رابطه متوسط خطی بین ویژگی‌های حسابرسان داخلی و اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی وجود داشته است.

تجربه حسابرسان داخلی و احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی

بر مبنای مدل پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، این رابطه به صورت رابطه پارامتریک زیر بیان شده است:

$$\text{Pr (ICD} \mid x) = \Phi (4/603 + 31/248 \text{ INAUDEXP} + 0/399 \text{ INAUDTEN} + 31/258 \text{ BOARDSIZE} + 0/817 \text{ BIGN} + 0/013 \text{ AGE} + 0/038 \text{ SIZE} - 0/135 \text{ ARINVENTORY} - 0/003 \text{ LEV} - 0/007 \text{ ROA} + 0/001 \text{ LOSS} + 0/008 \text{ CFO} + 0/005 \text{ SALES GROWTH})$$

در اولین فرضیه تحقیق، تأثیر تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت، مورد ارزیابی قرار گرفته است. تجربه حسابرسان داخلی در این رابطه که با نماد INAUDEXP نشان داده شده و برابر با ۳۱/۲۴۸ برآورد شده است. مثبت بودن ضریب تجربه حسابرسان داخلی نشان دهنده تأثیر مثبت تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت می‌باشد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه اول پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تاثیر مثبت دارد. آزمون معنی داری تأثیر تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت با معیار تی استیودنت انجام شد. بر اساس این آزمون آماره تی استیودنت متناظر با تجربه حسابرسان داخلی برابر ۷/۸۷۳ و سطح معنی دار آن به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم تأثیر مثبت تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت به جامعه آماری شرکت‌های بورسی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

بنابراین با توجه به برقراری پیش شرط‌های استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، تفسیر شیب متغیرها در برآورد رگرسیونی، تعمیم یافته‌ها، در سطح ۹۵ درصد اطمینان فرضیه تأثیر مثبت تجربه حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت در شرکت‌های بورسی پذیرفته شده است.

مدت زمان وجود حسابرس داخلی و احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت

بر مبنای مدل پیشنهادی چانگ و همکاران (۲۰۲۰)، این رابطه به صورت رابطه پارامتریک زیر بیان شده است:

$$\Pr(\text{ICD} | x) = \Phi \left(\frac{4}{603} + \frac{31}{248} \text{INAUDEXP} + \frac{0}{399} \text{INAUDTEN} + \frac{31}{258} \text{BOARDSIZE} + \frac{0}{817} \text{BIGN} + \frac{0}{013} \text{AGE} + \frac{0}{038} \text{SIZE} - \frac{0}{135} \text{ARINVENTORY} - \frac{0}{003} \text{LEV} - \frac{0}{007} \text{ROA} + \frac{0}{001} \text{LOSS} + \frac{0}{008} \text{CFO} + \frac{0}{005} \text{SALESGROWTH} \right)$$

در دومین فرضیه تحقیق، تأثیر مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت، مورد ارزیابی قرار گرفته است. مدت زمان وجود حسابرس داخلی در این رابطه که با نماد INAUDTEN نشان داده شده و برابر با ۰/۳۹۹ برآورد شده است. مثبت بودن ضریب مدت زمان وجود حسابرس داخلی نشان دهنده تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت می‌باشد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه دوم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد. آزمون معنی داری تأثیر مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت با معیار تی استیودنت انجام شد. بر اساس این آزمون آماره تی استیودنت متناظر با مدت زمان وجود

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۵۱

حسابرس داخلی برابر ۲/۴۰۲ و سطح معنی دار آن به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت به جامعه آماری شرکت‌های بورسی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

بنابراین با توجه به برقراری پیش شرط‌های استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، تفسیر شیب متغیرها در برآورد رگرسیونی، تعمیم یافته‌ها، در سطح ۹۵ درصد اطمینان فرضیه تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت در شرکت‌های بورسی پذیرفته شده است.

۵- بحث و نتیجه گیری:

فرضیه اول

بر پایه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، فرضیه اول به صورت زیر عنوان شده است:

تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد.

در تناظر با اولین فرضیه تحقیق، تأثیر تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت، مورد ارزیابی قرار گرفته، نتایج تحقیق نشان داد که:

تجربه حسابرسان داخلی در این رابطه که با نماد INADEXP نشان داده شده و برابر با ۳۱/۲۴۸ برآورد شده است. مثبت بودن ضریب تجربه حسابرسان داخلی نشان دهنده تأثیر مثبت تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت می‌باشد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه اول پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد. آزمون معنی داری تأثیر تجربه حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش

نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت با معیار تی استیودنت انجام شد. بر اساس این آزمون آماره تی استیودنت متناظر با تجربه حسابرس داخلی برابر $7/873$ و سطح معنی دار آن به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم تأثیر مثبت تجربه حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت به جامعه آماری شرکت‌های بورسی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

بنابراین با توجه به برقراری پیش شرط‌های استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، تفسیر شیب متغیرها در برآورد رگرسیونی، تعمیم یافته‌ها، در سطح ۹۵ درصد اطمینان فرضیه تأثیر مثبت تجربه حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت در شرکت‌های بورسی پذیرفته شده است.

فرضیه دوم

بر پایه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، فرضیه دوم به صورت زیر عنوان شده است:

مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد.

در تناظر با دومین فرضیه تحقیق، تأثیر مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت، مورد ارزیابی قرار گرفته، نتایج تحقیق نشان داد که:

مدت زمان وجود حسابرس داخلی در این رابطه که با نماد INAUDTEN نشان داده شده و برابر با $0/399$ برآورد شده است. مثبت بودن ضریب مدت زمان وجود حسابرس داخلی نشان دهنده تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت می‌باشد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با فرضیه دوم پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدت زمان وجود حسابرس داخلی بر احتمال

◆..... تأثیر ویژگی‌های حسابرسان داخلی بر اثربخشی نظام کنترل‌های داخلی ◇ ۱۵۳

گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت تأثیر مثبت دارد. آزمون معنی‌داری تأثیر مدت زمان وجود حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت با معیار تی استیودنت انجام شد. بر اساس این آزمون آماره تی استیودنت متناظر با مدت زمان وجود حسابرسان داخلی شرکت برابر ۲/۴۰۲ و سطح معنی‌دار آن به سمت صفر میل کرده و کمتر از ۵ درصد بوده است. لذا قابلیت تعمیم تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت به جامعه آماری شرکت‌های بورسی، در سطح ۹۵ درصد پذیرفته شده است.

بنابراین با توجه به برقراری پیش شرط‌های استفاده از رگرسیون خطی مرکب مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی، تفسیر شیب متغیرها در برآورد رگرسیونی، تعمیم یافته‌ها، در سطح ۹۵ درصد اطمینان فرضیه تأثیر مثبت مدت زمان وجود حسابرسان داخلی بر احتمال گزارش نقص در کنترل‌های داخلی عملیاتی شرکت در شرکت‌های بورسی پذیرفته شده است.

منابع

۱. حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۸۹، "مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی". تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
۲. رویایی رمضانعلی، ابراهیمی محمد. بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته‌ی حسابرسی بر سطح افشای داوطلبانه اخلاق. فصلنامه حسابداری مالی. ۱۳۹۴؛ ۷(۲۵): ۷۱-۸۸
۳. قربان پور، زهرا، دهقان دهنوی، حسن، عبقری، رامین، میرمحمدی، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر تعهد سازمانی بر عملکرد حسابرسان عضو جامعه حسابداران رسمی. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت در قرن ۲۱
۴. کوکبی، صدریه، کردلویی، حمید رضا، میرابی، وحیدرضا. (۱۳۹۳). تأثیر کارایی عملکرد حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. 4(16), 27-34.
۵. لاری دشت بیاض، محمود، قناد، مصطفی، فکور، حسین. (۱۳۹۷). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، 10(37). 215-242.
۶. لاری دشت بیاض، محمود، اورادی، جواد. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، 6(4), 69-94. doi: 10.22051/jera.2016.9939.1283
۷. مرادی، مهدی، مرندی، زکیه، محسنی، ایمان. (۱۳۹۶). رابطه بین مدیریت دانش شخصی و عملکرد شغلی حسابداران. مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، 9(19), 97-116. doi: 10.22055/slis.2017.14159.1106

8. Abbott, L. J., Daugherty, B., Parker, S., Peters, G. F., 2016. Internal audit quality and financial reporting quality: The joint importance of independence and competence. *J. Acc. Res.* 54 (1), 3–40.
9. Ashbaugh-Skaife, H., Collins, D. W., Kinney, W. R., LaFond, R., 2008. The Effect of SOX Internal Control Deficiencies and Their Remediation on Accrual Quality. *Account. Rev.* 83 (1), 217–250.
10. Beneish, M. D., Billings, M. B., Hodder, L. D., 2008. Internal control weaknesses and
11. information uncertainty. *Account. Rev.* 83 (3), 665–703.
12. Bronson, S. N., Carcello, J. V., Raghunandan, K., 2006. Firm characteristics and voluntary management reports on internal control. *Audit. J. Pract. Theor.* 25 (2), 25–39.
13. Boone, A. L., Field, L. C., Karpoff, J. M., Raheja, C. G., 2007. The determinants of corporate board size and composition: An empirical analysis. *J. Fin. Econ.* 85 (1), 66–101.
14. Chang, Y. T., Chen, H., Cheng, R. K., & Chi, W. (2020). The impact of internal audit attributes on the effectiveness of internal control over operations and compliance. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 15(1), 1-19.
15. Chen, C.Y., Lin, C.J., Lin, Y.C., 2019. Audit partner tenure, audit firm tenure, and discretionary accruals: Does long auditor tenure impair earnings quality? *Contemp. Account. Res.*
16. Cheng, Q., Goh, B. W., Kim, J.B., 2017. Internal control and operational efficiency. *Contemp. Account. Res.* Forthcoming.
17. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), 1992. *Internal Control—Integrated Framework*.

18. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), 2011. Internal Control—Integrated Framework. December 2011.
19. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), 2012. Internal Control—Integrated Framework. Exposure Draft, September. <http://www.ic.coso.org>.
20. Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission (COSO), 2013. Internal control integrated framework.
21. Dellai, H., Omri, M.A.B., 2016. Factors affecting the internal audit effectiveness in Tunisian organizations. *Res. J. Fin. and Account.* 7 (16), 208–221.
22. Doyle, J., Ge, W., McVay, S., 2007. Determinants of weaknesses in internal control over financial reporting. *J. Account. Econ.* 44 (1-2), 193–223.
23. Feng, M., Li, C., McVay, S.E., Skaife, H.A., 2015. Does Ineffective Internal Control over Financial Reporting affect a Firm's Operations? Evidence from Firms' Inventory Management. *Account. Rev.* 90 (2), 529–557.
24. Ge, W., McVay, S., 2005. The disclosure of material weaknesses in internal control after the Sarbanes-Oxley Act. *Account. Horiz.* 19 (3), 137–158.
25. Feng, M., Li, C., McVay, S., 2009. Internal control and management guidance. *J. Account. Econ.* 48 (2–3), 190–209.
26. Hammersley, J. S., Myers, L. A., Shakespeare, C., 2008. Market reactions to the disclosure of internal control weaknesses and to the characteristics of those weaknesses under section 302 of the Sarbanes Oxley Act of 2002. *Rev. Account. Stud.* 13 (1), 141–165.

27. Hoitash, R., Hoitash, U., Bedard, J. C., 2008. Internal control quality and audit pricing under the Sarbanes-Oxley Act. *Audit. J. Pract. Theor.* 27 (1), 105–126.
28. Institute of Internal Auditors (IIA), 2012. *International Standards for the Professional Practice of Internal Auditing*. Altamonte Springs, FL: IIA.
29. Institute of Internal Auditors (IIA), 2013 *Global Internal Audit Competency Framework*. Altamonte Springs, FL: IIA.
30. International Auditing and Assurance Standards Board (IAASB). 2012. *Using the Work of Internal Auditors*. International Standards on Auditing 610 (Revised).
[http://www.ifac.org/sites/default/files/publications/files/A047%202012%20IAASB%20Handbook%20ISA%20610%20\(Revised\).pdf](http://www.ifac.org/sites/default/files/publications/files/A047%202012%20IAASB%20Handbook%20ISA%20610%20(Revised).pdf).
31. Kedia, S., Luo, S., Rajgopal, S., 2016. Culture of weak compliance and financial reporting risk. Working paper, Rutgers Business School, NUS Business School, and Columbia University.
32. Lawrence, A., Minutti-Meza, M., Vyas, D., 2017. Is operational control risk informative of financial reporting deficiencies? *Audit. J. Pract. Theor.* In-Press.
33. Lin, S., Pizzini, M., Vargus, M., Bardhan. I. R., 2011. The role of the internal audit function in the disclosure of material weaknesses. *Account. Rev.* 86 (1), 287–323.
34. Rice, S. C., Weber, D. P., 2012. How effective is internal control reporting under SOX 404? Determinants of the (non-)disclosure of existing material weaknesses. *J. Acc. Res.* 50 (3), 811–843.
35. Munsif, V., Raghunandan, K., Dasaratha, V. R., 2012. Internal control reporting and audit report lags: Further evidence. *Audit. J. Pract. Theor.* 31 (3), 203–218.

36. Naiker, V., Sharma ,D. S., 2009. Former audit partners on the audit committee and internal control deficiencies. *Account. Rev.* 84 (2), 559–587.
37. Newton, N. J., Persellin, J. S., Wang, D., Wilkins, M. S., 2016. Internal control opinion shopping and audit market competition. *Account. Rev.* 91 (2), 603–623.
38. Prawitt, D. F., Smith, J. L., Wood, D. A., 2009. Internal audit quality and earnings management. *Account. Rev.* 84 (4), 1255–1280.
39. Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). 2004. Auditing Standard No. 2 (AS2): An audit of internal control over financial reporting performed in conjunction with an audit of financial statements. Washington, DC: PCAOB.
40. Tysiac, K., 2012. COSO Chair says updated framework is a ‘refresh’. *J. Account.* 23, 2012.
41. Evaluate the effect of internal auditor characteristics on the effectiveness of the company's internal control system

Abstract:

Understanding the institutional background and regulatory requirements in the field under study is the source of a unique data set in the present study. In this study, based on the model proposed by Chang et al. (2020), the effect of internal auditor characteristics on the effectiveness of the company's internal control system in terms of operations and compliance with accounting standards by combined linear regression method based on panel data analysis has been studied. A total of 136 companies from Tehran Stock Exchange companies have been studied by systematic elimination method in the period of 8 years ending March 2020, as 1088 years-company. After performing statistical tests, the results of the analysis of relationships between variables show that A) Auditing expertise in the industry has a positive effect on the probability of reporting defects in the company's internal operational controls. B) The size of the auditing firm has a positive effect on the probability of reporting defects in the company's internal operational controls. Finally, the validation of the estimation relationship showed that during the estimation relations, more than 50% of the changes between the characteristics of the internal auditor on the effectiveness of the company's internal control system in terms of operations and compliance with accounting standards in the estimation relationship have been explained. Finally, Studentt and Fisher t-tests supported the statistical population to be able to generalize the relationships between variables at 95% confidence level.

Keywords: Characteristics of internal auditor, effectiveness of internal control system, operations and compliance with accounting standards.

تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی در شهرداری‌های استان هرمزگان



خسرو مرادی شهرداری^۱، کامران پودات^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای، حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی در شهرداری‌های استان هرمزگان انجام شده است؛ بازه زمانی این پژوهش سال ۱۴۰۱ می باشد؛ جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان بخش مالی و اداری می باشد که به روش تصادفی در دسترس ۲۴۵ نفر انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه می باشد. پس از توزیع پرسشنامه بین کارکنان شهرداری‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش مدل ساختاری و تحلیل عاملی تأییدی انجام گرفت. بعد از بررسی وضعیت ضرایب و بارهای عاملی، تأیید روایی همگرا، معناداری مدل نیز ارزیابی گردید. نتیجه فرضیه اول نشان می دهد که ساختار سازمانی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. نتیجه فرضیه دوم حاکی از آن بود که شرایط

۱. عضو هیأت علمی، استادیار گروه مدیریت مالی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم، ایران (نویسنده مسئول):

۰۹۱۷۱۶۱۶۶۰۴ ، شماره تماس: Khosro.moradi@iau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد مدیریت بازرگانی - مدیریت مالی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران،

۰۹۳۷۵۱۹۷۹۳۲ ، شماره تماس: Kamran.poudat@yahoo.com

محیطی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نتیجه فرضیه سوم مشخص گردید که تأمین منابع نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. در نهایت در خصوص فرضیه چهارم، نتیجه نشان داد که حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد. پس از بررسی ضریب تعیین، معیار چشم پوشی، جهت دقت و قدرت پیش بینی مدل، از شاخص SRMR به منظور تأیید مدل، مورد ارزیابی قرار گرفت.

کلمات کلیدی: (۱) ساختار سازمانی؛ (۲) شرایط محیطی؛ (۳) تأمین منابع؛ (۴) حسابداری تعهدی (۵) عملکرد مالی

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۶۳

۱. مقدمه

مدیریت گرایي و حرفه‌ای‌گری در مدیریت مالی کشورهای مختلف به موضوعی قابل بحث طی سال‌های اخیر تبدیل شده است. در این زمینه، اجرای حسابداری تعهدی اساس دستیابی به سطح بالاتری از جهت‌گیری مدیریتی با ارائه طیف وسیع‌تری از اطلاعات مالی و جریان‌های نقدی در نظر گرفته می‌شود (هیندمان و همکاران^۱، ۲۰۱۸). حسابداری قدیم که به طور سنتی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها زمانی که پول دریافت می‌شود، درآمد را به حساب می‌آورد و تنها زمانی که پول پرداخت می‌شود، هزینه‌ها را محاسبه می‌کند. در مقابل، رویکرد حسابداری تعهدی، درآمدها و هزینه‌ها را به دوره‌ای که در آن به دست آمده یا استفاده می‌شود، تخصیص می‌دهد (آرنابولدی و لاپسلی^۲ ۲۰۰۹). از این رو، حسابداری تعهدی اطلاعات متناسب با زمان بیشتری را بر اساس استهلاک و ذخایر ارائه می‌دهد (لودر^۳؛ کورتس^۴ ۲۰۰۴). به این ترتیب، شهرداری‌ها از دیدی بسیار گسترده‌تر، تأمین منابع و کل مبالغ بدهی‌ها و دارایی‌ها را محاسبه می‌کنند. از این رو، حسابداری تعهدی مبنای اطلاعاتی را برای ارزیابی دارایی‌ها افزایش می‌دهد و بدهی‌ها را به وضوح افشا می‌کند (آرنابولدی و لاپسلی^۵ ۲۰۰۹؛ نوگوئرا و جورگه^۶ ۲۰۱۲).

-
- 1- Hyndman, Noel; Liguori, Mariannunziata; Meyer, Renate E; Polzer, Tobias; Rota, Silvia; Seiwald, Johann; Steccolini, Ileana, 2018
 - 2- Arnaboldi, Michela; Lapsley, Irvine
 - 3- Lüder, Klaus, 1993
 - 4- Cortès, Josep L
 - 5- Nogueira, Sónia P; Jorge, Susana M.

جاگالا، بکر و سباستین^۱ (۲۰۱۱) مزایای اجرای حسابداری تعهدی در شهرداری‌ها را در جنبه‌های اقدامات بهتر، دانش بهتر و تغییرات ذهنی دسته بندی می‌کند. مزایای بالقوه حسابداری تعهدی زمانی به دست نمی‌آید که دولت‌ها به‌طور فنی سیستم‌های حسابداری تعهدی را در شهرداری‌ها از طریق اجبار قانونی معرفی کنند (به عنوان مثال، گوتی^۲، ۱۹۹۸؛ مونس^۳، ۲۰۰۲؛ بارتون^۴، ۲۰۰۵). سؤالی که مطرح می‌شود این می‌باشد ساختار سازمانی، محیطی و تأمین منابع بر استفاده از حسابداری تعهدی در شهرداری تأثیرگذار است؟ موضوع قابل بحث این است که شهرداری ممکن است حسابداری تعهدی را اجرا کند اما آن را از تصمیم‌گیری روزانه جدا نگه دارد (کریستیانس و رومل^۵، ۲۰۰۸). وقتی شهرداری‌ها از حسابداری تعهدی به روشی پیچیده‌تر استفاده می‌کنند، مزایای واضحی از حسابداری تعهدی درک می‌کنند به این معنا که تصمیم‌های بهتری گرفته می‌شود و شفافیت بیشتری در مورد وضعیت مالی شهرداری فراهم می‌شود. به عنوان نمونه در آلمان، تغییر به حسابداری تعهدی یکی از فشرده‌ترین، پرهزینه‌ترین و گسترده‌ترین اصلاحات در سال‌های اخیر در سطح محلی بوده است. ایالت‌های فدرال آلمان دارای خودمختاری بالایی هستند و از قدرت قانون‌گذاری برای تنظیم و تعیین شرایط عمومی برای مدیریت مالی دولت‌های محلی استفاده می‌کنند. برخلاف سایر کشورهای اروپایی، آلمان را می‌توان به‌عنوان پذیرنده دیر هنگام حسابداری تعهدی در نظر گرفت، زیرا شهرداری‌ها مقرر شدند تا از اواخر سال ۲۰۰۹ حسابداری تعهدی را در دوازده ایالت از شانزده ایالت فدرال اجرا کنند (هیرش و همکاران، ۲۰۱۵^۶). در آلمان،

1- Jagalla, Tobias; Becker ,Sebastian D; Jürgen

2- Guthrie, James.

3- Monsen, Norvald

4- Barton, Allan

5- Christiaens, Johan; Rommel, Jan. 2008

6- Hirsch, Bernhard; Nitzl, Christian; Schauß, Joachim

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۶۵

وضعیت بافت شهرداری‌ها در سال‌های اخیر به طور اساسی تغییر کرده است. شهرداری‌ها با مسئولیت‌های فزاینده‌ای مواجه شده‌اند اما به طور کامل توسط دولت فدرال جبران نشده‌اند. در چنین زمینه‌ای از فشارهای مالی قابل توجه و سطوح بالایی عدم اطمینان، انتظار می‌رود سیاستمداران به طور فزاینده‌ای در قبال مدیریت صحیح بودجه و بازپرداخت بدهی پاسخگو باشند (ایوانز و پاتون ۱۹۸۷^۱). علاوه بر این، با ورود احزاب جدید به نظام سیاسی در سال‌های اخیر، رقابت سیاسی افزایش یافته است. مانند فشارهای مالی، افزایش رقابت سیاسی فشار برای تغییر قوانین حسابداری را افزایش داده است. ایجاد یک سیستم حسابداری تعهدی و استفاده از گزارش‌های مالی آن به عنوان یک سیستم نظارتی ممکن است به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین سیاستمداران و شهروندان کمک کند. سیاست دولت که تحت فشار مالی و سطوح بالایی عدم اطمینان ایجاد شده است، تمایل به اطلاعاتی را برانگیخته است که این وضعیت جدید را با دقت بیشتری منعکس می‌کند (نیتزل و هیلگرس، هیرش، لیندرمولر^۲، ۲۰۲۰؛ لاپسلی و رایت، ۲۰۰۴^۳).

باتوجه به تغییرات در بحث حسابداری تعهدی طی سال‌های اخیر، این پژوهش با هدف تأثیر ساختار سازمانی، محیطی و تأمین منابع با نقش میانجی استفاده از حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی در شهرداری‌های استان هرمزگان مورد بررسی قرار می‌گیرد. لذا سؤال زیر مطرح می‌شود:

آیا ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد؟

1- Evans, John H.; Patton, James M.

2- Nitzl, C., Hilgers, D., Hirsch, B., & Lindermüller, D.

3- Lapsley, Irvine; Wright, Elisa.

۲. مبانی نظری پژوهش

در سال‌های اخیر، محققان از نظریه نهادی استفاده کرده‌اند تا هم روال‌های حسابداری را پس از ظهور روال‌های خاص و تعبیه‌شده در یک سازمان و هم فرآیند تغییرات روتین حسابداری بررسی کنند (مانند اسکاپنس^۱، ۲۰۰۶؛ بورنس و اسکاپنس^۲، ۲۰۰۰؛ کوین^۳، ۲۰۱۴؛ آرنس^۴، ۲۰۱۴؛ کوین و هیبل^۵، ۲۰۱۹). نظریه نهادی، منطق نهادی برای توضیح تعاملات بین ساختارهای هنجاری اجتماعی و رفتارهای بازیگران فردی و سازمانی استفاده شده است. در این زمینه، جامعه به عنوان یک سیستم بین نهادی شامل نظم‌های نهادی هنجاری متمایز نظری درک می‌شود. فریدلند و آلفورد^۶ (۱۹۹۱، ص ۲۴۸) بیان می‌کنند که «هر یک از مهم‌ترین نظم‌های نهادی جامعه، دارای منطق مرکزی است - مجموعه‌ای از اعمال مادی و ساخت نمادین - که اصول سازماندهی آن را تشکیل می‌دهد، که برای تشریح در اختیار سازمان‌ها و افراد است.» هر نظم نهادی در سیستم بین نهادی، اصول سازماندهی منحصر به فرد، شیوه‌ها و نمادهایی را پوشش می‌دهد که بر رفتار فردی و سازمانی تأثیر می‌گذارد. اصول، شیوه‌ها و نمادهای هر نظم نهادی بر استدلال و عقلانیت افراد تأثیرگذار است. منطق نهادی نشان دهنده چارچوب‌های مرجعی است که به سازمان هویت و معنا می‌بخشد (تورنتون، اوکاسیو، لونسبری^۷، ۲۰۱۲).

رفتار مشروع و ابزارهای مشروع جهت استفاده و به منظور دستیابی به این اهداف مناسب نیز

1- Scapens, Robert W.

2- Burns, John; Scapens, Robert W.

3- Quinn, Martin

4- Ahrens, Thomas

5- Quinn, Martin; Hiebl, Martin R.W.

6- Friedland, Roger; Alford, Robert

7- Thornton, Patricia H., Ocasio, William; Lounsbury, Michael, 2012

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۶۷

توسط منطق نهادی تشکیل شده است (لونزبری^۱؛ تورنتون و اوکاسیو^۲ ۲۰۰۸). نظریه نو نهادی فرض می‌کند که محدودیت‌های ساختاری رفتار کارکنان را شکل می‌دهند و کنشگران با ساختار سازگار می‌شوند. این دیدگاه بر تقدم ساختار بر کنش تأکید می‌کند (باتیلانا و دیاونو^۳؛ دی ماجیو و پاول^۴؛ هیبل^۵ ۱۹۸۳). بر این اساس، از سازمان‌ها انتظار می‌رود که به فشارهای هم‌شکل محیط سازمانی خود پاسخ دهند و ساختارها، شیوه‌ها و روال‌هایی را اتخاذ کنند که ارزش اجتماعی بالایی دارند. بنابراین، سازمان‌ها به تغییرات بیرونی در انتظارات و قوانین رسمی پاسخ می‌دهند. در مفهوم نظریه نو نهادی، پذیرش و استفاده از حسابداری تعهدی را می‌توان به عنوان فرآیند انطباق رسمی ادارات شهرداری با انتظارات محیط بیرونی و ذینفعان تأثیرگذار در نظر گرفت (هیندمن و کانولی^۶، ۲۰۱۱).

۳. پیشینه‌های پژوهش

سالاتو، گومز، فریرا^۷ (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی انتقال به حسابداری تعهدی در بخش دولتی اقتصادهای نوظهور پرداختند. یافته‌ها نشان دهنده علاقه فزاینده دولت‌ها به اقتصادهای نوظهور برای اصلاح سیستم‌های حسابداری عمومی خود است. با این حال، این مطالعه نشان می‌دهد که اصلاحات ممکن است موفقیت‌آمیزتر باشند اگر مقدم بر اصلاحات مدیریتی بیشتر و ایجاد شرایط لازم (مهارت‌ها، پشتیبانی فن‌آوری و انطباق استانداردهای ملی حسابداری)

-
- 1- Lounsbury, Michael.
 - 2- Thornton, Patricia H.; Ocasio, William
 - 3- Battilana, Julie; D'Aunno, Thomas
 - 4- DiMaggio, Paul; Powell, Walter W.
 - 5- Hiebl, Martin R.W
 - 6- Hyndman, Noel; Connolly, Ciaran
 - 7- Salato, R., Gomes, P., & Ferreira, C.

باشند یا همراه شوند. علاوه بر این، نفوذ قوی ذینفعان خارجی (مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) و سطح بالای فساد و تقلب در ساختارهای اداری و سیاسی، مفهوم اصلی اصلاحات را منحرف می‌کند. تئوری نهادی (با انگیزه فشارهای اجباری و هنجاری) و نیاز به مشروعیت خارجی، محرک های اصلی در تصمیم‌گیری برای اتخاذ اجرای حسابداری تعهدی در بخش عمومی هستند. نیتزل، هیلگرز، هیرش، لیندرمولر (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار سازمانی، محیطی و تأمین منابع بر استفاده از حسابداری تعهدی در شهرداری‌ها پرداختند. نتایج نشان دهنده این است که مرتبط‌ترین محرک برای استفاده پیچیده‌تر از حسابداری تعهدی، وضعیت بافتی است که شهرداری در آن تعبیه شده است. در مدل تحقیق، وضعیت بافتی شهرداری شامل استرس مالی، رقابت سیاسی و فرهنگ آن و نظام حقوقی مربوطه است. عامل مهم دیگر تأمین منابع کافی است، مانند یک سیستم فناوری اطلاعات که اطلاعات حسابداری را به راحتی در دسترس و دقیق ارائه می‌دهد. شایان ذکر است، ساختار سازمانی خاص شهرداری که اغلب به شدت اداری و مانع اصلی اصلاحات تلقی می‌شود، قابل توجه نیست. امبلا، آدیکاری، شاهادت^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی عوامل نهادی و سودمندی تصمیم در اجرای اصلاحات حسابداری تعهدی در بخش دولتی تانزانیا پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که فشارهای اجباری ناشی از آموزش کارکنان تأثیر قابل توجهی بر طراحی مدل اداری مؤثر حسابداری تعهدی ایجاد می‌کند. فشارهای هیئت ملی حسابداران و حسابرسان و عوامل فرهنگی با اجرای حسابداری تعهدی در زمینه تانزانیا همبستگی مثبت دارند. از بین عواملی که نویسندگان بررسی کردند، ثابت شده است که تغییرات مدیریتی کمترین تأثیر را دارند. ناآگاهی ذینفعان کلیدی باعث ضعف تعهدات سیاسی و نظارتی شده است. اجرای حسابداری تعهدی با صلاحیت فنی و پرسنلی ناکافی تشدید می‌شود. در نهایت،

1- Mbelwa, L. H., Adhikari, P., & Shahadat, K.

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۶۹

اجرای حسابداری تعهدی مسئولیت‌پذیری مدیریتی قابل توجهی را افزایش داده است، اگرچه بخش عمده‌ای از چنین رفتاری توسط عواملی که نویسندگان در این مطالعه به کار گرفته‌اند توضیح داده نشده است. ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی ساختار سازمانی، منابع ضعیف و عملکرد پایدار شرکتی از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیر پرداختند. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌های شرکت‌های ایالات متحده در فهرست عمومی (۲۰۰۲-۲۰۱۲)، نشان می‌دهد که ساختار یکپارچه‌سازی سازمانی بر منابع ضعیف و عملکرد پایدار تأثیر دارد. ساویتری، فنانی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با موضوعی تحت عنوان نهادینه شدن حسابداری تعهدی، دیدگاه نظریه جامعه‌شناسی نهادی جدید به بررسی پرداختند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هم‌شکلی نهادی در اجرای حسابداری تعهدی در دولت محلی رخ می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد که اتخاذ حسابداری تعهدی تحت تأثیر دولت مرکزی قرار گرفته است، یعنی با صدور مقرراتی مانند مقررات دولتی شماره ۷۱ سال ۲۰۱۰ و آیین‌نامه شماره ۶۴ وزیر کشور در سال ۲۰۱۳، هم‌شکلی هنجاری بر روی یافته‌های دانشگاهی در اجرای حسابداری تعهدی یافت شد. هدیه و زاکسای^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر شایستگی مدیریت منابع انسانی و نقش فرهنگ بر اثربخشی اجرای حسابداری تعهدی و تأثیر بر کیفیت اطلاعات حسابداری پرداختند. به منظور بهبود کیفیت عملکرد، شفافیت و پاسخگویی دولت در امور مالی، دولت قانون شماره ۱۵ را در سال ۲۰۰۴ در مورد حسابرسی مسئولیت و مدیریت مالی دولت صادر کرد. در این قانون مقرر شده است که در سال ۲۰۱۵ دولت مرکزی و دولت منطقه‌ای باید حسابداری تعهدی کامل را در ارائه صورت‌های مالی خود اعمال کنند. مبنای تعهدی حسابداری برای اندازه‌گیری دارایی‌ها، بدهی‌ها و دارایی‌ها استفاده می‌شود که بهترین رویه

1- Zhang, Y., Li, J., Jiang, W., Zhang, H., Hu, Y., & Liu, M.

2- Savitri, R., & Fanani, Z

3- Hidayah, N., & Zarkasyi, W.

بین‌المللی در مدیریت مالی مدرن مطابق با اصول مدیریت عمومی جدید (NPM) است که شفافیت و پاسخگویی مدیریت مالی را ارتقا می‌دهد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر شایستگی مدیریت منابع انسانی و نقش فرهنگ بر اثربخشی اجرای حسابداری تعهدی و تأثیر بر کیفیت اطلاعات حسابداری انجام شد. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه ساختاریافته استفاده شده است. برای سنجش روایی پرسشنامه، روایی محتوایی مورد مطالعه قرار گرفته و پایایی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷ برآورد شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از حداقل مربعات جزئی (PLS) انجام گردید. نتایج نشان داد که شایستگی مدیریت منابع انسانی بر اثربخشی اجرای حسابداری تعهدی تأثیر دارد در حالی که نقش فرهنگ تأثیری بر کیفیت اطلاعات حسابداری ندارد. ولی محمدی، خدا رحمی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی الزامات بکارگیری و پیاده‌سازی نظام حسابداری تعهدی در بخش عمومی و شناسایی محدودیت‌های پیش رو پرداختند. پرسشنامه این پژوهش از بین ۹۵ نفر از صاحب‌نظران و کارشناسان حرفه‌ای در حوزه حسابداری تعهدی در سال ۱۴۰۰ جمع‌آوری و با استفاده از دو آزمون آماری «آزمون دو جمله‌ای» و «آزمون T» مورد تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که موانع و محدودیت‌های استقرار نظام حسابداری تعهدی شامل محدودیت‌های قانون محاسبات عمومی کشور و سایر قوانین بالادستی، چالش‌های به کارگیری استانداردهای حسابداری بخش عمومی، مشکلات در خصوص دارایی-های ثابت، مشکل در خصوص ملزومات، موجودی کالا، عدم ثبت برخی از رویدادهای مالی در سیستم حسابداری تعهدی، نبود نیروی متخصص و با تجربه و رویکرد ساختاری در ساختار سازمانی بخش عمومی هستند. مجبوری یزدی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی حسابرسی عملکرد در تأثیر حسابداری تعهدی بر حسابداری بخش عمومی با استفاده از معادلات ساختاری پرداختند. این پژوهش به صورت پیمایشی و از نوع کاربردی است. ۲۰۰ نفر از کارکنان بخش‌های مالی و حسابداری دانشگاه علوم پزشکی مشهد در سال ۱۳۹۷ به

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۷۱

عنوان جامعه آماری انتخاب و به روش کوکران ۱۳۱ پرسش نامه ارسال و پس از حذف پرسش نامه‌های تکمیل نشده، ۱۲۰ پرسش نامه به عنوان نمونه نهایی استفاده شد. از روش معادلات ساختاری و نرم افزار PLS برای تجزیه و تحلیل استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که حسابداری تعهدی بر حسابداری بخش عمومی تأثیر معناداری دارد. حسابرسی عملکرد تأثیر حسابداری تعهدی بر حسابداری بخش عمومی را تعدیل می‌کند. به کارگیری حسابداری تعهدی در بخش عمومی موجب افزایش کارایی گزارشگری در این بخش، تهیه اطلاعات سودمندتر برای بهبود تخصیص منابع، افزایش پاسخگویی، افزایش شفافیت اطلاعاتی و ایجاد آگاهی نسبت به اثرات اقتصادی و بررسی بهتر عملکرد مدیران در استفاده از منابع در اختیار می‌گردد. حسابرسی عملکرد در بخش دولتی، گذشته از کامل کردن سیستم گزارشگری در مورد منابع مالی، به گزارشگری در مورد کل منابع اقتصادی در اختیار دولت نیز توجه می‌کند. داداشی، کارنما، سادات سلماسی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی تأثیر پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی بر پاسخگویی دولت پرداختند. در این تحقیق شاخص‌های بهبود پاسخگویی در چهار بخش کلی رعایت بودجه، ارزیابی عملکرد مالی، رعایت قوانین و در نهایت میزان صرفه اقتصادی، کارایی و اثربخشی طبقه‌بندی گردیده است. در این پژوهش تأثیر پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در سال ۱۳۹۴ به عنوان اولین سال اجرای این سیستم، نسبت به بکارگیری سیستم حسابداری نقدی تعدیل شده در سنوات قبل از آن بر بهبود پاسخگویی دولت مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، با بهره‌گیری از خروجی‌های مقایسه‌ای ناشی از اجرای حسابداری تعهدی و نقدی تعدیل شده در ۱۱ وزارتخانه، اقدام به آزمون فرضیه‌ها با استفاده از روش آزمون دوجمله‌ای شده است. داده‌های موردنیاز از گزارش‌های حسابرسی ارائه شده براساس قانون بودجه سالانه و قانون برنامه پنجم توسعه که توسط دیوان محاسبات در قالب تفریغ بودجه کل کشور تنظیم شده، استخراج گردیده است. نتایج حاصل از بررسی داده‌های گردآوری شده نشان داد که پیاده‌سازی مبنای تعهدی به جای نقدی تعدیل شده، بر رعایت بودجه

توسط دولت در سال ۹۴ نسبت ۹۲ تأثیر مثبت و معناداری داشته است. اما در خصوص سایر شاخص‌های بهبود پاسخگویی مورد مطالعه این تحقیق تأثیر معناداری مشاهده نشد. در مجموع برخلاف شفافیت‌های ایجادشده با اعمال حسابداری تعهدی و اضافه شدن حداقل ۱۱ سرفصل حساب در صورت‌های مالی، نتایج حاصل از خروجی عملکرد گزارش‌های این مبنای حسابداری، اثر مثبت و معناداری را نسبت به سال‌های قبل از اجرای این مبنا نشان نمی‌دهد. مرادی، رحیمی، قدرتی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی عوامل موثر بر اثربخشی نظام اطلاعاتی حسابداری از دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور با تأکید بر نقش حسابداری تعهدی پرداختند. نمونه پژوهش شامل ۴۰۸ نفر از مدیران و کارشناسان ۱۲ دانشگاه علوم پزشکی کشور در سال ۱۳۹۴ است که به روش طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها و برازش الگوی پژوهش با استفاده از معادلات ساختاری انجام شده است. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر تأیید روابط علی بین متغیرها و برازش الگوی پیشنهادی پژوهش است. مثبت بودن مقادیر برآوردی ضرایب مسیر نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت اطلاعات، افزایش کاربرد اطلاعات در تصمیم‌گیری‌های مدیران، تقویت نظام کنترل داخلی و ارتقاء کفایت نظام اطلاعاتی حسابداری در برآوردن نیازهای اطلاعاتی مدیران، اثربخشی نظام اطلاعاتی حسابداری بر مبنای تعهدی افزایش می‌یابد. اکرمی، فعال قیومی، قدیریان آران‌ی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی گذار از حسابداری نقدی به تعهدی در بخش عمومی: دوره زمانی مورد نیاز پرداختند. در این پژوهش با بررسی شرایط و منابع لازم برای پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی، عوامل موثر بر دوره گذار و مرور تجربه برخی کشورها در این زمینه، چنین نتیجه‌گیری شد که بازه زمانی تعیین شده در قانون یاد شده با توجه به گسترده بودن بخش عمومی ایران، محدودیت منابع و زیرساخت‌ها واقع بینانه نیست. از آن جا که استمرار حرکت به سوی حسابداری تعهدی در بخش عمومی و اجرای کامل آن می‌تواند دولت را در مسیر تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی یاری کند، پیشنهاد می‌گردد با در نظر گرفتن شرایط

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۷۳

موجود و تجربه کشورهای دیگر، بازه زمانی مناسب و واقع بینانه‌ای برای اجرای کامل حسابداری تعهدی در بخش عمومی ایران در نظر گرفته شود. معینی شهرکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نوع ساختار سازمانی و منابع قدرت مدیران در واحدهای ستادی دانشگاه شیراز پرداختند. نتایج نشان داد که: (۱) ساختار سازمانی غالب در واحدهای ستادی دانشگاه شیراز، ساختار تواناساز است. (۲) از دیدگاه کارمندان، بالاترین میانگین مربوط به منبع قدرت پاداش و کمترین میانگین مربوط به منبع قدرت اطلاعات می باشد. تفاوت بین میانگین‌ها معنی دار است. (۳) منابع قدرت مورد استفاده مدیران واحدهای ستادی دانشگاه به ترتیب عبارت است از: پاداش، چیرگی محیطی، تخصص، مرجعیت، تنبیه، اخلاق، مشروعیت، فرهنگ و اطلاعات. (۴) ساختار تواناساز پیش بینی کننده مثبت و معنادار منابع قدرت چیرگی محیطی، تخصص، مرجعیت، اخلاق، مشروعیت و اطلاعات و پیش بینی کننده منفی و معنادار منابع قدرت تنبیه، پاداش و فرهنگ می باشد. ساختار بازدارنده نیز پیش بینی کننده مثبت و معنادار منابع قدرت تنبیه، پاداش و فرهنگ و پیش بینی کننده منفی و معنادار سایر منابع قدرت می باشد.

۴. فرضیه‌های پژوهش

به عنوان یک سیستم ورودی محور، مجموعه سنتی قوانین، بر رعایت بودجه با توجه به مخارج یک دولت متمرکز است. از آنجایی که تحقق بودجه توسط مجلس و خزانه داری کنترل می شود (لودر و جونز^۱، ۲۰۰۳)، ممکن است رابطه آن با نتایج نادیده گرفته شود. در مقابل، در یک سیستم حسابداری تعهدی، فرآیند بودجه ریزی بسیار بیشتر نتیجه محور است. بنابراین، اقدامات خروجی گرا در فرآیندهای اطلاعات، برنامه ریزی و کنترل یکپارچه می شوند. هنگام استفاده از چنین سیستم حسابداری خروجی گرا، انتظار می رود که تصمیمات بهتری گرفته

1- Lüder, Klaus; Jones, Rowan

شود و شفافیت بیشتری در مورد وضعیت مالی شهرداری فراهم شود (اودا^۱، ۲۰۰۴؛ هیلگرس^۲، ۲۰۱۱). طبق نظر لودر^۳ (۱۹۹۲)، یک حسابداری مدرن در مدیریت دولتی، مبنایی را برای کنترل مالی بهتر فعالیت های عمومی فراهم می کند. به عنوان مثال، اطلاعات شمارش AC می تواند از انتخاب بهترین گزینه در بین چندین گزینه سرمایه گذاری بر اساس معیارهای مشخص شده پشتیبانی کند (ون هلدن، ۲۰۱۶^۴). از این رو، یک سیستم حسابداری تعهدی به عنوان یک سیستم پشتیبانی برای کسانی که مسئول تصمیم گیری در نهادهای عمومی هستند در نظر گرفته می شود (هیندمن^۵، ۲۰۱۶). پیاده سازی سیستم های اطلاعاتی جدید و استفاده از اطلاعات حسابداری تعهدی برای مدیریت مؤثر مالی عمومی ضروری است. با این حال، پیاده سازی سیستم های اطلاعاتی جدید در یک سازمان مستلزم این خطر است که سیستم جدید واقعاً مورد استفاده قرار نگیرد و از تصمیم گیری روزانه جدا نشود (کریستیان و رومل، ۲۰۰۸؛ کریستیان و ون پتگم^۶، ۲۰۰۷). مهم ترین عامل تأثیرگذار بر استفاده پیچیده تر از حسابداری تعهدی در شهرداری ها، زمینه مدیریت شهرداری است. این ادعا با تئوری نئو نهادی سازگار است، که به این صورت است که سازمان ها به فشارهای هم شکلی از محیط های نهادی خود پاسخ می دهند. به طور خاص، ما می توانیم نشان دهیم که سیستم حقوقی مربوطه تأثیر بسیار مهمی بر میزان استفاده از حسابداری تعهدی در ادارات شهرداری دارد.

1- Ouda, Hasan A.G

2- Hilgers, Dennis

3- Lüder, Klaus.

4- Van Helden, Jan

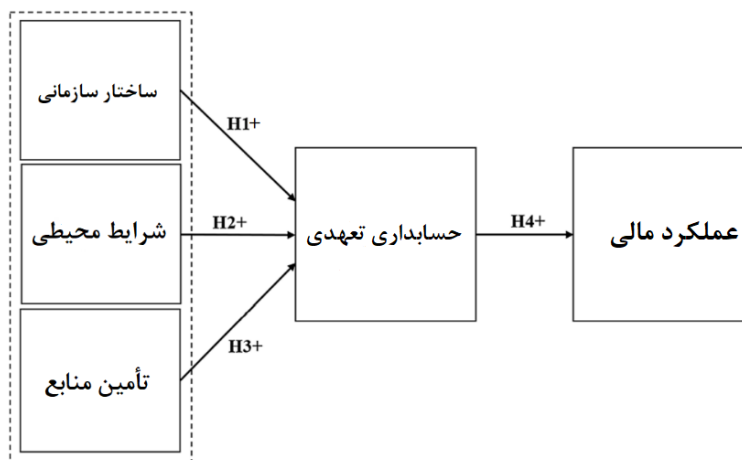
5- Hyndman, Noel

6- Christiaens, Johan; Van Peteghem, Vincent

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۷۵

۱. ساختار سازمانی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
۲. شرایط محیطی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
۳. تأمین منابع با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
۴. حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

۵. مدل مفهومی



شکل ۱- مدل ارائه شده بر اساس پژوهش نیتزل وهیلگرز، هیرش، لیندرمولر (۲۰۲۰)

جدول ۱- بیان متغیرها

نحوه محاسبه	نوع متغیر	نام متغیر
یک واحد اجتماعی که بر گرفته از اشخاصی می باشد که برای دستیابی به اهداف جمعی مدیریت می شوند. منظور محاسبه این متغیر از ۶ سؤال پرسشنامه ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیلگرز، هیرش، لیندرمولر (۲۰۲۰) مطرح شده است.	مستقل	ساختار سازمانی
مجموعه عوامل، افراد و نهادهایی که شرکت یا سازمان را احاطه نموده و بر عملکرد سازمان تأثیرگذار است. منظور محاسبه این متغیر از ۴ سؤال پرسشنامه ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیلگرز، هیرش، لیندرمولر (۲۰۲۰) مطرح شده است.	مستقل	شرایط محیطی

<p>بودجه اختصاص یافته به منظور استقرار حسابداری تعهدی با توجه به قوانین و مقررات سازمان می باشد. منظور محاسبه این متغیر از ۵ سؤال پرسشنامه‌ای پرسشنامه‌ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیگگز، هیرش، لیندمولر (۲۰۲۰) مطرح شده است.</p>	<p>مستقل</p>	<p>تأمین منابع</p>
<p>منظور عواملی که بر استفاده از حسابداری تعهدی نقش دارد. به منظور محاسبه این متغیر از ۴ سؤال پرسشنامه‌ای پرسشنامه‌ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیگگز، هیرش، لیندمولر (۲۰۲۰) مطرح شده است.</p>	<p>میانجی</p>	<p>حسابداری تعهدی</p>
<p>منظور از عملکرد مالی دستیابی اهداف سازمانی یک شرکت یا سازمان است. به منظور محاسبه این متغیر از ۴ سؤال پرسشنامه‌ای پرسشنامه‌ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیگگز، هیرش، لیندمولر (۲۰۲۰) مطرح شده است.</p>	<p>وابسته</p>	<p>عملکرد مالی</p>

۶. روش پژوهش

این پژوهش، یک نوع پژوهش کاربردی؛ دارای هدف توصیفی و از نظر روش اجرا، پیمایشی می باشد. آزمون فرضیات بر اساس همبستگی و ارتباط بین متغیرها مورد ارزیابی قرار گرفته است. به منظور گردآوری اطلاعات مربوط ادبیات این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و به منظور جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه محقق ساخته پرسشنامه‌ای محقق ساخته باتوجه به مبانی نظری پژوهش نیتزل وهیگگز، هیرش، لیندمولر (۲۰۲۰) استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها و بررسی متغیرهای جمعیت شناختی و آمار توصیفی متغیرها، اقدام به اجرای آزمون‌های آمار استنباطی خواهد شد. در آمار توصیفی به بررسی شرایط متغیرهای مربوط به داده مانند میانگین، بیش‌ترین، کم‌ترین و انحراف معیار پرداخته می‌شود. برای بررسی روابط علی بین متغیرها از تکنیک مدل معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس نسخه سوم انجام شده است. جهت بررسی برازش مدل سه بخش مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: ۱- برازش مدل اندازه‌گیری

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۷۷

(شامل ضرایب بارهای عاملی، پایایی شاخص، روایی همگرا و واگرا). ۲-برازش مدل ساختاری (شامل آزمون تی معنی داری، ضریب تعیین، معیار چشم‌پوشی). ۳-بررسی مدل کلی با استفاده از شاخص SRMR (بایستی کمتر از ۰.۱ باشد).

۷. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش کلیه کارکنان بخش مالی و اداری مربوط به شهرداری‌های استان هرمزگان می‌باشد که به روش تصادفی در دسترس ۲۴۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. بازه زمانی این پژوهش سال ۱۴۰۱ می‌باشد.

۸- یافته‌های پژوهش

۸-۱- بخش توصیفی متغیرها

در این بخش وضعیت متغیرها شامل کمترین، بیشترین، میانگین، انحراف معیار در جدول ۲- ارائه شده است.

جدول ۲- آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
ساختار سازمانی	۱	۴.۵۰	۲.۲۱	۱.۰۷
شرایط محیطی	۱.۲۵	۴.۵۰	۲.۴۰	۱.۰۱
تأمین منابع	۱.۲۰	۴	۲.۵۱	۱.۱۶
حسابداری تعهدی	۱	۴.۶۰	۲.۶۲	۱.۲۵
عملکرد مالی	۱	۵	۲.۹۰	۱.۱۱

در این بخش وضعیت متغیرها شامل کمترین، بیشترین، میانگین، انحراف معیار در جدول ۲- ارائه شده است. به طوری که میانگین ساختار سازمانی با مقدار ۲.۲۱، شرایط محیطی ۲.۴۰، تأمین منابع ۲.۵۱، حسابداری تعهدی ۲.۶۲، عملکرد مالی ۲.۹۰ می‌باشد.

۸-۲. وضعیت جمعیت شناختی

در این بخش وضعیت جمعیت شناختی افراد پاسخ دهنده بر اساس فراوانی و درصد در جدول ۳- ارائه شده است.

جدول ۳- جمعیت شناختی

درصد	فراوانی		
۵۵.۵	۱ ۳۶	مرد	جنسیت
۴۴.۵	۱ ۰.۹	زن	
۳۱.۸	۷ ۸	کمتر از ۳۰ سال	سن
۳۹.۲	۹ ۶	بین ۳۰ تا ۴۰ سال	
۱۳.۱	۳ ۲	بین ۴۰ تا ۴۵	
۱۵.۹	۳ ۹	بالاتر از ۴۵ سال	
۳۳.۱	۸ ۱	کاردانی	میزان تحصیلات
۲۶.۹	۶ ۶	کارشناسی	
۲۴.۵	۶ ۰	کارشناسی ارشد	
۱۵.۵	۳	دکتر	

◆.....تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۷۹

	۸		
۸.۵	۲ ۱	زیر ۵ سال	سابقه خدمت
۳۳.۵	۸ ۲	۵ تا ۱۰ سال	
۴۰.۰	۹ ۸	بین ۱۰ تا ۲۰ سال	
۱۸.۰	۴ ۴	بالتر از ۲۰ سال	
۵۴.۳	۱ ۳۳	مجرد	وضعیت تأهل
۴۵.۷	۱ ۱۲	متأهل	

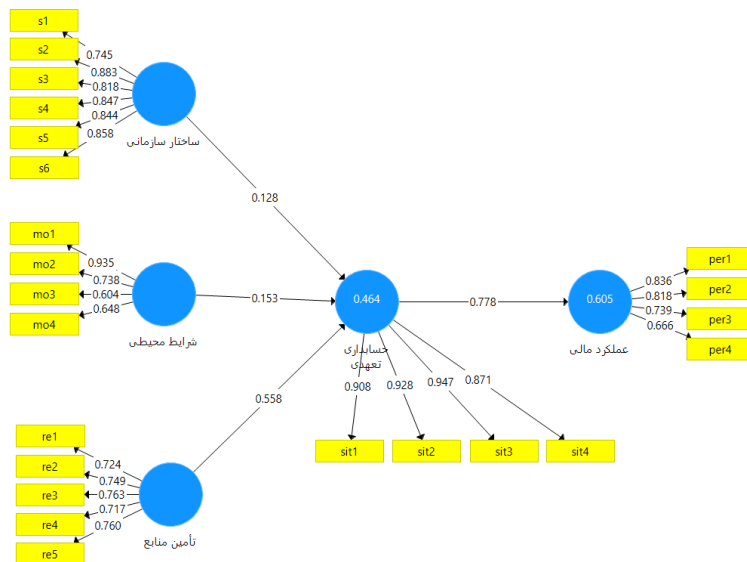
۸-۳- بخش توصیفی جمعیت شناختی

جدول ۴- آماره توصیفی جمعیت شناختی

انحراف معیار	میانگین	بیشترین	کمترین	جمعیت شناختی
۱.۰۳	۲.۱۳	۴	۱	سن
۰.۴۹	۱.۴۴	۲	۱	جنسیت
۰.۴۹	۱.۴۵	۲	۱	وضعیت تأهل
۱.۰۷	۲.۲۲	۴	۱	میزان تحصیلات
۰.۸۶	۲.۶۷	۴	۱	سابقه

۸-۴. مدل سازی معادلات ساختاری - ضرایب مسیر و بارهای عاملی

در ابتدا، سنجش مدل بر مدل های اندازه گیری را مورد بررسی قرار داده و پس از بررسی پایایی و روایی سنجه های سازه در ادامه ارزیابی مدل های اندازه گیری انعکاسی پرداخته می شود. مدل کلی پژوهش بر اساس مدل مفهومی در شکل ۲- نمایش داده شده است. همانطور که مشخص است بارهای عاملی مربوط به تمامی سازه ها بیشتر از ۰.۴ می باشد. لذا مدل از حیث بارهای عاملی مورد تأیید و نیاز به حذف هیچ کدام از گویه ها نیست. در شکل ۲- هم چنین ضرایب مسیر نیز مشخص است.



شکل ۲- ضرایب مسیر و بارهای عاملی پژوهش، منبع: یافته های پژوهشگر

۸-۴-۱. پایایی سازگاری درونی

معیار سنتی برای سازگاری درونی آلفای کرونباخ است اما به دلیل محدودیت های آلفای کرونباخ در جامعه، استفاده از یک سنجه دیگر برای پایایی سازگاری که از آن به عنوان پایایی مرکب (CR) نام برده می شود استفاده می شود. مقادیر ۰.۷ تا ۰.۹ مراحل پیشرفته مطالعه، به عنوان رضایت بخش مدنظر قرار می گیرند. نتایج بیانگر این است که تمامی متغیرها دارای آلفا کرونباخ بالای ۰.۷۵ می باشد.

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۸۱

جدول ۵- بررسی پایایی متغیرها

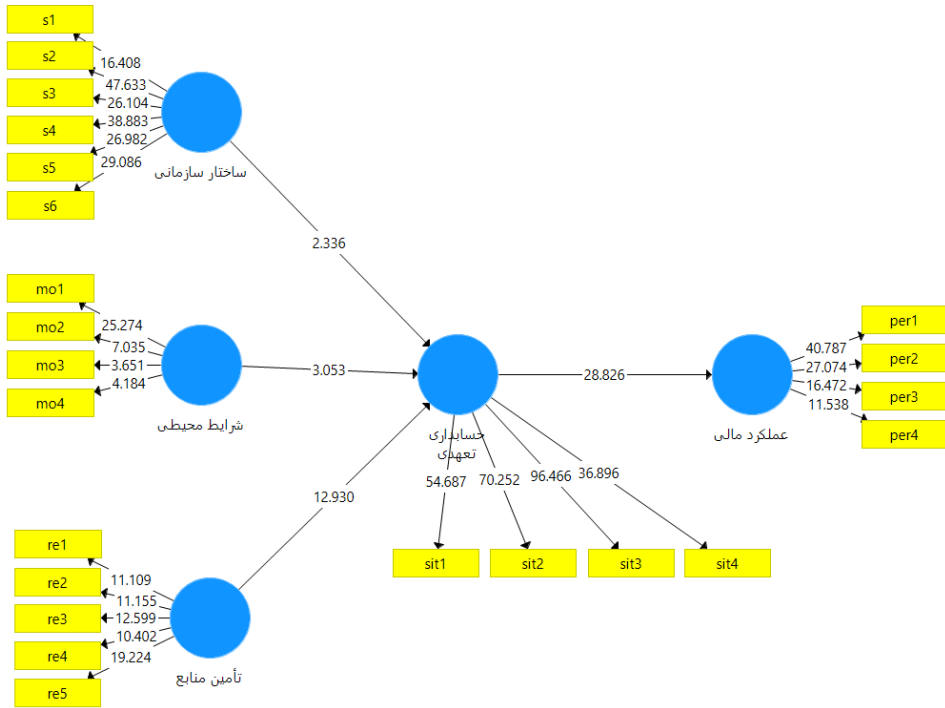
متغیرها	آلفا کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی
ساختار سازمانی	۰.۸۸	۰.۸۹	۰.۶۹
شرایط محیطی	۰.۷۹	۰.۸۲	۰.۵۵
تأمین منابع	۰.۸۵	۰.۸۶	۰.۵۵
عملکرد مالی	۰.۷۷	۰.۸۵	۰.۵۹
حسابداری تعهدی	۰.۸۸	۰.۹۰	۰.۸۳

همان‌طور که از جدول ۵- قابل مشاهده است مقدار قابل قبول برای پذیرش برازش مدل‌های اندازه‌گیری از حیث ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مقدار بالای ۰.۷۵ بوده و مقدار میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بالای ۰.۵ تأمین شده است. لذا میانگین واریانس استخراج شده برابر ۰.۵۰ نیز قابل قبول است.

۸-۵-۵-۸- برازش مدل ساختاری

۸-۵-۱- ضرایب معناداری

برازش مدل ساختاری ضرایب معناداری Z است در صورتی که مقدار این اعداد از ۱.۹۶ بیش‌تر شود نشان از صحت رابطه بین گویه‌ها با سازه‌ها و در نتیجه تأیید برازش مدل ساختاری از حیث ضرایب معنی‌داری Z است. مطابق شکل ۳- تمامی ضرایب معناداری Z از ۱.۹۶ بیش‌تر هستند که این امر معنادار بودن میان متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد. نتایج شکل ۳- نشان می‌دهد تمامی روابط متغیرها و همچنین گویه‌ها بالای ۱.۹۶ می‌باشد و لذا فرضیه‌های مورد نظر مورد تأیید است. در ادامه جدول ۶- خلاصه‌ای از نتایج فرضیه‌ها ارائه شده است.



شکل ۳- ضرایب معنی داری، منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶- خلاصه نتایج فرضیه‌ها

تأیید یا رد	T-Value	فرضیه‌ها
تأیید	۲.۳۹	ساختار سازمانی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
تأیید	۲.۸۸	شرایط محیطی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
تأیید	۱۱.۲۸	تأمین منابع با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.
تأیید	۲۸.۸۲	حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد.

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۸۳

۸-۵-۲. ضریب تعیین (مقدار R^2)

این ضریب سنجه دقت پیش‌بینی مدل است. مقدار R^2 برابر با ۰.۷۵، ۰.۵۰ یا ۰.۲۵ برای متغیرهای مکنون درون‌زا، به‌عنوان یک قاعده کلی، به ترتیب به‌عنوان قوی، متوسط و ضعیف می‌تواند توصیف شود.

جدول ۷- ضریب تعیین مقدار R^2

ضریب تعیین تعدیل یافته	ضریب تعیین	متغیرهای پژوهش
۰.۶۰۴	۰.۶۰۵	عملکرد مالی
۰.۴۵۷	۰.۴۶۴	حسابداری تعهدی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مطابق با یافته‌های جدول ۷- مقادیر ضریب تعیین مربوط به متغیرها دارای برآزش بسیار خوبی بوده که نشانگر برآزش خوب مدل ساختاری پژوهش از حیث آماره ضریب تعیین است. متغیر عملکرد مالی دارای سنجه نسبتاً قوی و متغیر حسابداری تعهدی دارای سنجه متوسط می‌باشد.

۸-۵-۳- معیار چشم پوشی

علاوه بر ارزیابی بزرگی مقدار R^2 به‌عنوان معیاری برای دقت پیش‌بینی، محققان باید مقدار Q^2 استون-گیسر را بررسی کنند (گیسر^۱، ۱۹۷۴؛ استون^۲، ۱۹۷۴). این سنجه یک معرف تناسب پیش‌بین مدل است. در صورتی که مقدار Q^2 در مورد یک سازه درون‌زا سه میزان ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش‌بینی ضعیف، متوسط و قوی سازه با سازه-های برون‌زای مربوط به آن را دارد.

1- Geisser, S

2- Stone, M

جدول ۸- معیار چشم پوشی

متغیرهای پژوهش	SSO	SSE	$Q^2 (=1-SSE/SSO)$
ساختار سازمانی	۱۴۷۰	۱۴۷۰	
شرایط محیطی	۹۸۰	۹۸۰	
عملکرد مالی	۹۸۰	۷۰۰.۲۷	۰.۲۸۵
تأمین منابع	۱۲۲۵	۱۲۲۵	
حسابداری تعهدی	۹۸۰	۶۷۴.۴۱۸	۰.۳۱۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۸- مقدار Q^2 مربوط به سازه‌های عملکرد مالی (۰.۲۸۵)، حسابداری تعهدی

(۰.۴۸۴) به ترتیب دارای تناسب پیش‌بینی نسبتاً قوی و قوی هستند.

۸-۵-۴- شاخص نیکویی برازش

بر اساس نظر رینگل، سارستد، میچل، گودرگان^۱ (۲۰۱۸) مقدار SRMR کمتر از ۰.۱۰ نشان از برازش قابل قبول مدل کلی است.

جدول ۹- شاخص نیکویی برازش

نتیجه	میزان	شاخص
مورد تأیید	۰.۰۹	شاخص SRMR کمتر از ۰.۱۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۹- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به مطالعه تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی در شهرداری‌های استان هرمزگان پرداخته شده است. پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی جدید و استفاده از اطلاعات حسابداری تعهدی برای مدیریت مؤثر مالی عمومی ضروری است. با این حال، پیاده‌سازی سیستم‌های اطلاعاتی جدید در یک سازمان مستلزم این خطر است که سیستم جدید واقعاً مورد استفاده قرار نگیرد و از تصمیم‌گیری روزانه جدا نشود. نتایج به دست آمده از فرضیه اول نشان می‌دهد که ساختار سازمانی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد. ضریب ساختار سازمانی و حسابداری تعهدی ۰.۱۲۸ می‌باشد، در صورتی که ساختار سازمانی گسترده‌تر شود استفاده از حسابداری تعهدی به میزان ۰.۱۲۸ بیشتر خواهد شد. ضریب حسابداری تعهدی به عنوان نقش واسطه‌ای بر عملکرد مالی ۰.۷۷ می‌باشد، لذا با رفع موانعی که بر استفاده از حسابداری تعهدی، تأثیر دارد، عملکرد مالی شهرداری به میزان ۰.۷۷ افزایش می‌یابد. فرضیه دوم بیانگر این بود که شرایط محیطی با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد. ضریب شرایط محیطی و حسابداری تعهدی ۰.۱۵۳ می‌باشد، در صورتی که شرایط محیطی گسترده‌تر شود، استفاده از حسابداری تعهدی به میزان ۰.۱۵۳ بیشتر خواهد شد. ضریب حسابداری تعهدی به عنوان نقش واسطه‌ای بر عملکرد مالی ۰.۷۷ می‌باشد، لذا با رفع موانع تأثیر گذار بر عدم استفاده از حسابداری تعهدی، عملکرد مالی شهرداری به میزان ۰.۷۷ افزایش می‌یابد. فرضیه سوم نشان داد که تأمین منابع با نقش حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد. ضریب تأمین منابع و حسابداری تعهدی ۰.۵۵۸ می‌باشد، در صورتی که تأمین منابع بیشتر شود، استفاده از حسابداری تعهدی به میزان ۰.۵۵۸ بیشتر خواهد شد. ضریب حسابداری تعهدی به عنوان نقش واسطه‌ای بر عملکرد مالی ۰.۷۷ می‌باشد، لذا با رفع موانع استفاده از حسابداری تعهدی، عملکرد مالی شهرداری به میزان ۰.۷۷ افزایش می‌یابد. فرضیه چهارم

حاکمی از آن بود که حسابداری تعهدی بر عملکرد مالی تأثیر معناداری دارد. ضریب حسابداری تعهدی به عنوان نقش واسطه‌ای بر عملکرد مالی ۰.۷۷ می‌باشد، لذا با رفع موانع نسبت به عدم استفاده از حسابداری تعهدی، عملکرد مالی در شهرداری‌های استان هرمزگان به میزان ۰.۷۷ افزایش می‌یابد. شایان ذکر است بارهای عاملی تمامی گویه‌های مربوط به متغیر بالای ۰.۴ مشاهده گردید و تی معنی‌داری نیز بالای ۱.۹۶ نشان داد.

به طور کل مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر استفاده از حسابداری تعهدی در شهرداری‌ها، زمینه مدیریت شهرداری است. این ادعا با تئوری نئو نهادی سازگار است، به این صورت که سازمان‌ها به فشارهای هم‌شکلی از محیط‌های نهادی خود پاسخ می‌دهند (دی‌ماجیو و پاول ۱۹۸۳؛ الیور^۱ ۱۹۹۱). به ویژه، سیستم حقوقی مربوطه تأثیر بسیار مهمی بر میزان استفاده از حسابداری تعهدی در ادارات شهرداری دارد. قوانین حسابداری تعهدی که محدوده کاربردی فردی برای شهرداری‌ها فراهم می‌کند و متناسب با ویژگی‌های خاص شهرداری است، بر استفاده از حسابداری تعهدی تأثیر مثبت دارد. منابع بیشتر اختصاص یافته به اجرای سیستم حسابداری تعهدی به طور مثبت بر سطح استفاده از حسابداری تعهدی در ادارات شهرداری تأثیر می‌گذارد. به طور خاص، یکی از ابعاد منابع که نقش مهمی در پیچیدگی اجرای حسابداری تعهدی ایفا می‌کند، ارائه یک سیستم فناوری اطلاعات است. سیستم‌های فناوری اطلاعات و کاربرپسند برای ارائه گزارش‌های معنادار (مانند بودجه، صورت‌های مالی) و قادر ساختن تصمیم‌گیرندگان در ادارات دولتی برای کسب دیدگاه مدیریتی از فعالیت‌های سازمانی مورد نیاز هستند. از این رو، سیستم‌های فناوری اطلاعات عوامل مهمی برای استفاده از حسابداری تعهدی هستند. علاوه بر این،

1- Oliver, Christine.

◆..... تأثیر ساختار سازمانی، شرایط محیطی و تأمین منابع با نقش واسطه‌ای حسابداری ◇ ۱۸۷

داشتن کارکنان آموزش دیده بر میزان حسابداری تعهدی در شهرداری‌ها تأثیر می‌گذارد، که به این معنی است که شهرداری‌ها باید منابع مالی و زمانی را در طرح‌های آموزشی برای حسابداری تعهدی سرمایه‌گذاری کنند تا مزایای بالقوه سیستم جدید را درک کنند. استفاده از یک سیستم حسابداری خروجی محور می‌تواند عملکرد مالی را افزایش دهد به این معنا که تصمیمات بهتری گرفته می‌شود و شفافیت بیشتری در مورد وضعیت مالی شهرداری ارائه می‌گردد (اودا، ۲۰۰۴؛ هیلگرنز، ۲۰۱۱؛ نیتزل و هیلگرنز، هیرش، لیندرمولر، ۲۰۲۰). بر این اساس، برای درک مزایای حسابداری تعهدی در ادارات شهرداری، رفع موانع استفاده از حسابداری تعهدی مهم است. نتیجه این پژوهش با پژوهش سالاتو، گومز، فریرا (۲۰۲۲)، نیتزل و هیلگرنز، هیرش، لیندرمولر (۲۰۲۰)، امبلا، آدیکاری، شاهادت (۲۰۱۹)، هدیه و زاکسای (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

منابع

۱. اکرمی، سید رحمت‌الله؛ فعال قیومی، علی؛ قدیریان آرانی، محمدحسین. (۱۳۹۶). گذار از حسابداری نقدی به تعهدی در بخش عمومی: دوره زمانی مورد نیاز. دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۳(۲)، ۹-۱۸.
۲. داداشی، ایمان؛ کارنما، ایمان؛ سادات سلماسی، میر حمید. (۱۳۹۷). تأثیر پیاده‌سازی حسابداری تعهدی در بخش عمومی بر پاسخگویی دولت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۴۰)، ۱۸۷-۲۱۴.
۳. مجبوری یزدی، هدی؛ محمدی، شعبان؛ طالبی نجف‌آبادی، عبدالحسین؛ کمالی کرمانی، نرجس. (۱۳۹۷). بررسی نقش تعدیل‌کنندگی حسابرسی عملکرد در تأثیر حسابداری تعهدی بر حسابداری بخش عمومی با استفاده از معادلات ساختاری. دوفصلنامه علمی حسابداری دولتی، ۴(۲)، ۱۳۵-۱۵۴.
۴. مرادی، دکتر محسن؛ رحیمی، کاظم؛ قدرتی، نصیبه. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر اثربخشی نظام اطلاعاتی حسابداری از دیدگاه مدیران و کارشناسان دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور با تأکید بر نقش حسابداری تعهدی. حسابداری سلامت، ۶(۱)، ۱۱۱-۱۳۰. doi: 10.30476/jha.2017.39335
۵. معینی شهرکی، هاجر؛ ترک زاده، جعفر؛ محمدی، مهدی؛ خادمی، محسن. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین نوع ساختار سازمانی و منابع قدرت مدیران در واحدهای ستادی دانشگاه شیراز. مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، ۲۱(۶۶)، ۱۶۵-۱۹۳.

۶. ولی محمدی، مظفر؛ خدارحمی، بهروز (۱۴۰۰). بررسی الزامات بکارگیری و پیاده سازی نظام حسابداری تعهدی در بخش عمومی و شناسایی محدودیت‌های پیش رو، فصلنامه حسابداری و بودجه ریزی بخش عمومی، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳)، بهار ۱۴۰۰، صفحات ۱-۱۵
7. Ahrens, Thomas. 2018. Management controls that anchor other organizational practices. *Contemporary Accounting Research* 35(1):58–86.
8. Arnaboldi, Michela; Lapsley, Irvine. 2009. on the implementation of accrual accounting: a study of conflict and ambiguity. *European Accounting Review* 18(4):809–836.
9. Barton, Allan. 2005. Professional accounting standards and the public sector: a mismatch. *Abacus* 41(2):138–158.
10. Battilana, Julie; D’Aunno, Thomas. 2009. Institutional work and the paradox of embedded agency. In *Institutional work: actors and agency in institutional studies of organizations*, ed. Bernard Leca, Roy Suddaby, and Thomas B. Lawrence, 31–58. Cambridge: Cambridge University Press.
11. Burns, John; Scapens, Robert W. 2000. Conceptualizing management accounting change: an institutional framework. *Management Accounting Research* 11(1):3–25.
12. Christiaens, Johan; Rommel, Jan. 2008. Accrual accounting reforms: only for businesslike (parts of) governments. *Financial Accountability & Management* 24(1):59–75.
13. Christiaens, Johan; Van Peteghem, Vincent. 2007. Governmental accounting reform: evolution of the implementation in flemish municipalities. *Financial Accountability & Management* 23(4):375–399.
14. Cortès, Josep L. 2004. The meaning of intergenerational equity in governmental financial management. *Public Fund Digest* 4(1):58–76.

15. DiMaggio, Paul; Powell, Walter W. 1983. The iron cage revisited: collective rationality and institutional isomorphism in organizational fields. *American Sociological Review* 48(2):147-160
16. Evans, John H.; Patton, James M. 1987. Signaling and monitoring in public-sector accounting. *Journal of Accounting Research* 25:130-158.
17. Friedland, Roger; Alford, Robert, (1991) Bringing society back in: symbols, practices, and institutional contradictions. In *The new institutionalism in organizational analysis*, ed. Walter W. Powell, Paul J. DiMaggio, 232-267. Chicago: University of Chicago Press.
18. Geisser, S. (1974). A Predictive Approach to the Random Effects Model, *Biometrika*, 61(1): 101-107.
19. Guthrie, James. 1998. Application of accrual accounting in the Australian public sector—rhetoric or reality. *Financial Accountability & Management* 14(1):1-19.
20. Hidayah, N., & Zarkasyi, W. (2017). The effect of human resources management competency and the role of culture on accrual accounting implementation effectiveness and the impact on quality of accounting information. *European Research Studies Journal*, 20(4B), 183-199.
21. Hiebl, Martin R.W. 2018. Management accounting as a political resource for enabling embedded agency. *Management Accounting Research* 38:22-38. <https://doi.org/10.1016/j.mar.2017.03.003>.
22. Hilgers, Dennis. 2011. Latest developments in German public sector accounting and budgeting. In *Accounting, accountability and governance in the public sector*, ed. L. Greiling, A. Halachmi, and R. Schauer. Linz: Trauner.
23. Hirsch, Bernhard; Nitzl, Christian; Schauß, Joachim. 2015. The influence of management accounting departments within German

- municipal administrations. *Financial Accountability & Management* 31(2):192–218.
24. Hyndman, Noel. 2016. Accrual accounting, politicians and the UK— with the benefit of hindsight. *Public Money & Management* 36(7):477–479.
25. Hyndman, Noel; Connolly, Ciaran. 2011. Accruals accounting in the public sector: a road not always taken. *Management accounting research* 22(1):36–45.
26. Hyndman, Noel; Liguori, Mariannunziata; Meyer, Renate E; Polzer, Tobias; Rota, Silvia; Seiwald, Johann; Steccolini, Ileana. 2018. Legitimizing change in the public sector: the introduction of (rational?) accounting practices in the United Kingdom, Italy and Austria. *Public Management Review* 20(9):1374–1399.
27. Jagalla, Tobias; Becker, Sebastian D; Jürgen. 2011. A taxonomy of the perceived benefits of accrual accounting and budgeting: evidence from German states. *Financial Accountability & Management* 27(2):134–165.
28. Lapsley, Irvine; Wright, Elisa. (2004). The diffusion of management accounting innovations in the public sector: a research agenda. *Management Accounting Research* 15(3):355–374.
29. Lounsbury, Michael. 2007. A tale of two cities: competing logics and practice variation in the professionalizing of mutual funds. *Academy of Management Journal* 50(2):289–307. <https://doi.org/10.5465/amj.2007.24634436>.
30. Lüder, Klaus. 1992. A contingency model of governmental accounting innovations in the political administrative environment. *Research in Governmental and Nonprofit Accounting* 7:99–127
31. Lüder, Klaus. 1993. Governmental accounting in Germany: state and need for reform. *Financial Accountability & Management* 9(4):225–234.

32. Lüder, Klaus; Jones, Rowan. 2003. Reforming governmental accounting and budgeting in Europe. Frankfurt: Fachverlag Moderne Wirtschaft.
33. Mbelwa, L. H., Adhikari, P., & Shahadat, K. (2019). Investigation of the institutional and decision-usefulness factors in the implementation of accrual accounting reforms in the public sector of Tanzania. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 9(3), 335-365. <https://doi.org/10.1108/JAEE-01-2018-0005>
34. Monsen, Norvald. 2002. The case for cameral accounting. *Financial Accountability & Management* 18(1):39-72.
35. Nitzl, C., Hilgers, D., Hirsch, B., & Lindermüller, D. (2020). The Influence of the Organizational Structure, Environment, and Resource Provision on the Use of Accrual Accounting in Municipalities. *Schmalenbach Business Review*, 72(2), 271-298. <https://doi.org/10.1007/s41464-020-00086-y>
36. Nogueira, Sónia P; Jorge, Susana M. 2012. Adequacy of the local government financial reporting model in the context of internal decision-making: an exploratory study in the municipality of Bragança. *Tékhné* 10(2):74-86
37. Oliver, Christine. 1991. Strategic responses to institutional processes. *Academy of Management Review* 16(1):145-179.
38. Ouda, Hasan A.G. 2004. Basic requirements model for successful implementation of accrual accounting in the public sector. *Public Fund Digest* 4(1):78-99.
39. Quinn, Martin. 2014. Stability and change in management accounting over time—a century or so of evidence from Guinness. *Management accounting research* 25(1):76-92.

40. Quinn, Martin; Hiebl, Martin R.W. 2019. Management accounting routines: a framework on their foundations. *Qualitative Research in Accounting & Management* 15 (4):535–562. <https://doi.org/10.1108/QRAM-05-2017-0042>
41. Ringle, C. M., Sarstedt, M., Mitchell, R., and Gudergan, S. P. (2018). [Partial Least Squares Structural Equation Modeling in HRM Research](<http://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/09585192.2017.1416655>). *The International Journal of Human Resource Management*, Volume 31(2020), Issue 12, pp. 1617-1643.
42. Salato, R., Gomes, P., & Ferreira, C. (2022). Transition to accrual accounting in the public sector of emerging economies. *International Journal of Business Innovation*, 1(1), e27646. <https://doi.org/10.34624/ijbi.v1i1.27646>
43. Savitri, R., & Fanani, Z. (2017). The Institutionalization of Accrual Accounting: The Perspective of New Institutional Sociology Theory. *Jurnal Dinamika Akuntansi*, 9, 100-109. <https://doi.org/10.15294/jda.v9i2.10618>
44. Scapens, Robert W. 2006. Understanding management accounting practices: a personal journey. *The British Accounting Review* 30(1):1–30.
45. Stone, M. (1974). Cross-Validatory Choice and Assessment of Statistical Predictions, *Journal of the Royal Statistical Society*, 36(2): pp 111-147.
46. Thornton, Patricia H.; Ocasio, William. 2008. Institutional logics. In *The SAGE handbook of organizational institutionalism*, ed. Royston Greenwood, Christine Oliver, Roy Suddaby, and Kerstin Sahlin. London: SAGE.
47. Thornton, Patricia H., Ocasio, William; Lounsbury. 2012. Introduction to the institutional logics perspective. In *The institutional logics perspective: a new approach to culture, structure and process*, ed. Patricia H. Thornton, William Ocasio, and Michael Lounsbury, 1–18. Oxford: Oxford University Press.

48. Van Helden, Jan. 2016. Literature review and challenging research agenda on politicians' use of accounting information. *Public Money & Management* 36(7):531–538.
49. Zhang, Y., Li, J., Jiang, W., Zhang, H., Hu, Y., & Liu, M. (2018). Organizational structure, slack resources and sustainable corporate socially responsible performance [<https://doi.org/10.1002/csr.1524>]. *Corporate Social Responsibility and Environmental Management*, 25(6), 1099-1107. <https://doi.org/https://doi.org/10.1002/csr.1524>

**Impact of Organizational Structure, Environmental Conditions
and Resource Provision with an Intermediary Role, Accrual
Accounting on Financial Performance in Municipalities of
Hormozgan Province**

Abstract

This Research has been Conducted to Examine the Impact of Organizational Structure, Environmental Conditions and Resource Provision with an Intermediary Role, Accrual Accounting on Financial Performance in Municipalities of Hormozgan Province; The time period of this Research is 2022; The Statistical Population of this Research is all the Employees of the Financial and Administrative Department, Which were Randomly selected Among 245 People. The Data Collection tool in this Research is a Questionnaire. After Distributing the Questionnaire among the Employees of the Municipalities, Data Analysis was Done Using Structural Model and Confirmatory Factor Analysis. After examining the Status of Coefficients and Factor Loadings, Confirming Convergent, the Significance of the Model was also Evaluated. The Result of the First Hypothesis shows that the Organizational Structure with the Role of Accrual Accounting has a Positive and Significant Effect on Financial Performance. The Result of the Second Hypothesis Indicated that Environmental Conditions with the Role of Accrual Accounting have a Positive and Significant Effect on Financial Performance. As a Result of the third hypothesis, it was determined that the provision of resources for the role of Accrual Accounting has a Positive and

Significant Effect on Financial Performance. Finally, regarding the Fourth Hypothesis, the Result showed that Accrual Accounting has a Positive and Significant Effect on Financial Performance. After examining the Coefficient of Determination, the Criterion of Waiver was evaluated for the Accuracy and Predictive Power of the Model from the SRMR index in order to confirm the Model.

Keywords: 1-Organizational Structure 2-Environmental 3- Resource Provision 4- Accrual Accounting 5- Financial Performance